

آموزش اسلام به
کودکان
تألیف
محمد بن شمس الدین
غفر الله له ولوالدیه
نام و نام خانوادگی :
ایمان و اعتقاد
آداب
رفتار با دیگران
عبادات
تفسیر
داستان

WWW.MSHMSDIN.COM

ISBN: 978-1-64764-826-8

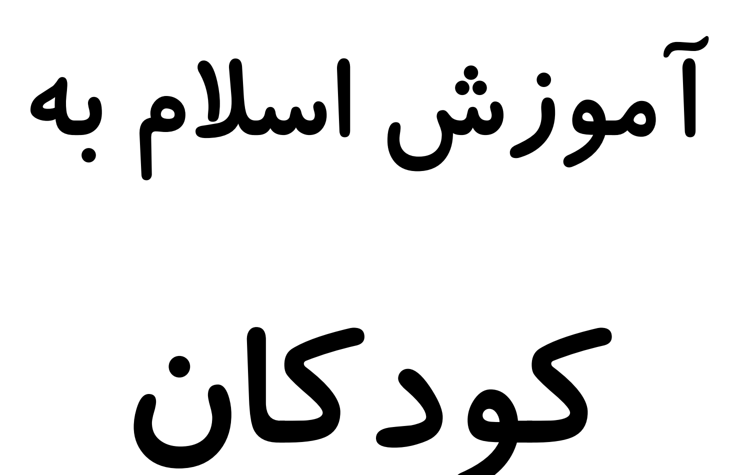
الطبعة الرابعة، عام 2023 - 1444

ISLAMSPEDIA

للطباعة والنشر

WWW.ISLAMSPEDIA.COM
islamspedia@gmail.com





ایمان و اعتقاد – آداب – رفتار با دیگران – عبادات –داستان – تفسیر– حفظ قرآن

تألیف:

محمد بن شمس الدین

-غفر الله له ولوالدیه-

بسم الله

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد:

ملیت:

میزان آشنایی با زبان عربی:

نام مکتب خانه:

تاریخ شروع درس:

نام معلم:

چقدر از قرآن را حفظ دارید؟

نام پدر یا مادر:

شماره تماس:

شماره واتساب:

توضیحات:

فصل اول : ایمان و اعتقاد

در این فصل دانش آموز احادیث را حفظ می کند و به تمرین ها پاسخ می دهد.



قال رسول الله ﷺ: (الإِيمَانُ أَنْ تُؤْمِنَ بِاللهِ، وَمَلَائِكَتِهِ، وَكُتُبِهِ، وَرُسُلِهِ، وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ) صحیح بخاری و صحیح مسلم

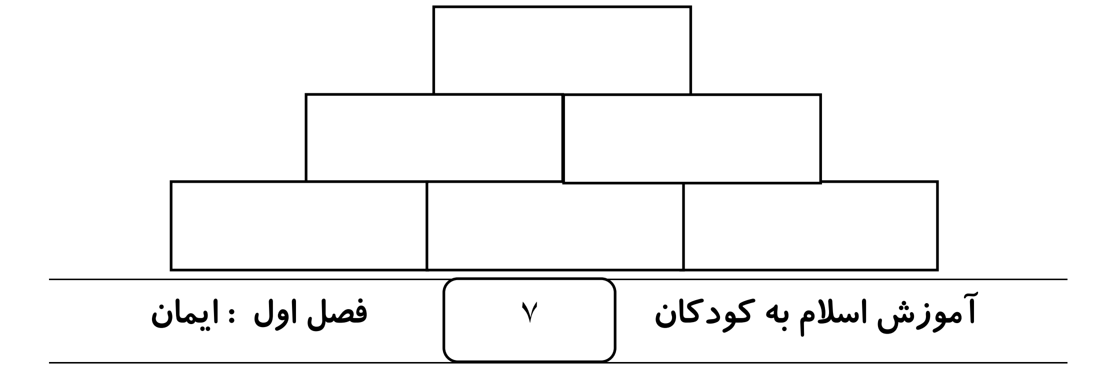
رسول الله ﷺ فرمودند : ایمان یعنی اینکه به الله، فرشتگانش، کتابهایش، پیامبرانش و روز آخرت ایمان داشته باشی و به خیر و شر قضا و قدر ایمان داشته باشی.

{ایمان، اقرار قلبی، بیان زبانی و عمل بدنی است و ایمان با طاعت و بندگی، زیاد و با معصیت و نافرمانی، کم می شود.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ : **مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر وقت نام الله برده شود، دلهایشان هراسان می‌گردد و هنگامی که آیات الله بر آنان خوانده می‌شود، بر ایمانشان می‌افزاید، و بر پروردگار خود توکّل می‌کنند}**

** تمرین در منزل (۱) **

۱. **ارکان ایمان را در مستطیل های زیر بنویسید ؟**





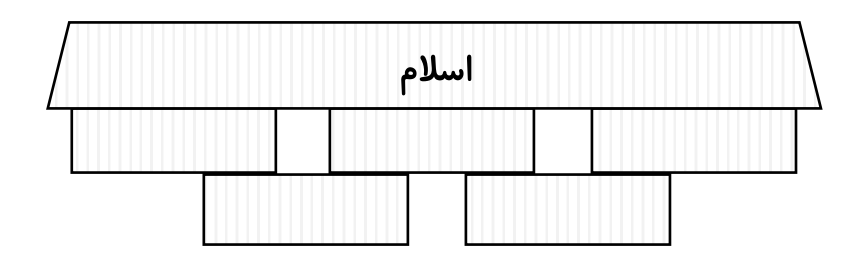
قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: (بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ، شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَحَجِّ الْبَيْتِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ) صحیح بخاری و صحیح مسلم

رسول الله ﷺ فرمودند : اسلام بر پنج چیز بنا شده است؛ گواهی دادن به اینکه هیچ معبودی به حق نیست مگر الله و اینکه محمد بنده و فرستاده الله است ،برپا داشتن نماز ، ادای زکات، حج خانه الله و روزه رمضان.

{اسلام یعنی تسلیم شدن کامل برای الله با توحید و یکتاپرستی و فرمانبرداری از الله با طاعت و بندگی و برائت جستن و بیزاری از شرک و مشرکان }

**تمرین در منزل (۲) **

۱. دو رکن اساسی اسلام که اگر یکی از بین برود کل اسلام شخص نابود می شود، چیست؟
۲. ارکان اسلام را بنویس و دقت بکن در مستطیل های پایینی دو رکن اساسی را بنویسی؟



ایمان چند شعبه دارد؟

قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: (الإِيمَانُ بِضْعٌ وَسِتُّونَ شُعْبَةً، وَالحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الإِيمَانِ) متفق علیه و در صحیح مسلم آمده: (فَأَفْضَلُهَا قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ).

رسول الله ﷺ فرمودند : ایمان شصت و اندی شعبه دارد و حیا شعبه ای از ایمان است. (و در صحیح مسلم آمده) **: برترین شعبه ایمان گفتن لااله اله الله است و پایین ترین آن برداشتن خار و خاشاک از مسیر است.**

** تمرین در منزل (۳) **

۱.چگونه ایمانمان را زیاد کنیم؟_ _ _ _ _ _ _

۲. شعبه های ایمان را در مستطیل های پایین بنویس؟

أسماء الله الحسنى

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (إِنَّ لله تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مِائَةً إِلَّا وَاحِدًا، مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الجَنَّةَ) صحيح بخاری و صحيح مسلم

رسول الله ﷺ فرمودند : همانا الله نود و نـه اسـم دارد، هـركس آنهـا را بشمارد داخل بهشت شود.

[رسول الله ﷺ این نام ها را در حدیث بیان ننمودند بلکـه بـه برشـمردن ایـن نـام هـا تشـویق نمودند به همین دلیل علما تلاش کرده اند و از قرآن و سنت این نام ها را جمع آوری کرده انـد بعضی از نام هایی که بین مردم انتشار دارد دلیل صحیحی بـرآن نیسـتماننـد الضـار، المنـتقم، الرشید، الستار، و غیره ، از این رو در این کتاب نام های که نوشتم آن نام های است که با دلیـل صحیح روایت شده و این نام ها کمتر از ۹۹ نام می باشد. از خداوند مـی خـواهم بـه مـن توفیـق دهد تا بتوانم همه آنها را کامل کنم]

الله متعال می فرماید: (هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ۝ هُوَ اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ۝ هُوَ اللهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ۝) **سوره حشر**

نام های الله متعال که با دلیل صحیح جمع آوری شده:

اللهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الكَرِيمُ الأعلَى المُؤَخِّرُ

الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الصَّمَدُ الغَفُورُ الشَّافِي

الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ الْغَفَّارُ الْقَهَّارُ الْوَهَّابُ الْوَاحِدُ الرَّبُّ

الخلاّقُ الرَّزَّاقُ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ الْحَلِيمُ الْحَكِيمُ المُتَعَال الْمُسَعِّرُ

الْوَاسِعُ الْعَظِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الوَلِيُّ الحَمِيْدُ الغَنِيُّ الْقَابِضُ

اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الأكْرَم الْبَاسِطُ

الأوَّلُ الآخِرُ الظَّاهِرُ البَاطِنُ البَرُّ الوَدُودُ المَتِينُ المُقَدِّمُ

اصول الدین

۱. **پروردگارت کیست؟** **پروردگارم الله است و هیچ معبودی به حق غیر از الله نیست.**

۲. **دین تو چیست؟** **دین من اسلام است و دین نزد الله اسلام است** (إنَّ الدِّینَ عندَ اللهِ الإسلام).

۳. **پیامبر تو کیست؟** **پیامبرم محمد صلی الله علیه وسلّم است.**

٤. **کتاب تو چیست؟** **قرآن.**

٥. **قرآن چیست؟** **قرآن کلام الله است.**

٦. **سنت چیست؟** **گفتار و کردار رسول الله ﷺ سنت است.**

۷. **مسلمان کیست؟** **کسی که فقط الله را می پرستد و به محمد ﷺ ایمان دارد و نماز را برپا می دارد.**

۸. **مومن کیست؟** **کسی که دستورات الله را انجام می دهد و آنچه الله از آن نهی نموده را ترک می کند.**

۹. **محسن کیست؟** **کسی که الله را مراقب اعمالش میداند و هر عبادتی را به نحو احسن انجام می دهد.**

۱۰. **کافر کیست؟** **کسی که دین اسلام را نپذیرفته باشد.**

** تمرین در منزل (۴) **

1. **کدام درجه بالاتر است اسلام یا ایمان یا احسان به ترتیب بنویسید؟**
2. **شما می خواهید به چه درجه ای برسید؟**

شناخت الله

۱۱. الله کیست؟	الله کسی است که ما را آفریده و به ما رزق و روزی می دهد.
۱۲. الله کجاست؟	در آسمان (أأَمِنْتُم مَن فِی السَّمَاءِ أَن يَخْسِفَ بِكُمُ الأَرْضَ) (آیا از الله که در آسمان است خود را در امان می دانید که شما را در زمین فرو ببرد)
۱۳. الله در آسمان است یعنی چه؟	الله بالای عرش است و بالای همه مخلوقات می باشد.
۱۴. الله چند نام دارد؟	نود و نه نام دارد.
۱۵. آیا الله شبیه مخلوقات است ؟	نه، هیچ چیزی شبیه الله نیست . (لیسَ كَمِثْلِهِ شَیء).
۱۶. آیا الله دیده می شود؟	در دنیا دیده نمی شود اما بهشتیان الله را می بینند.

** تمرین در منزل (۵) **

۱. نام های الله متعال در سوره فاتحه را بنویسید.

۲. نام های الله متعال در آیه کرسی را بنویسید.

۳. نام های الله متعال در سوره اخلاص را بنویسید.

توحید و یکتا پرستی

۱۷. چرا الله ما را آفریده؟	ما را برای عبادتش آفریده (وَمَا خَلَقْتُ الجِنَّ والإنْسَ إلا لِيَعْبُدُون) (و جن و انس را جز برای آنکه مرا بندگی کنند نیافریدم)
۱۸. آیا عبادت غیر الله، جایز است؟	خیر ، الله می فرماید : (فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللهِ أَحَدًا) (پس کسی دیگر را با الله مخوانید.)
۱۹. چند تا الله وجود دارد؟	فقط یک الله وجود دارد (قُل هُوَ اللهُ أَحَد)
۲۰. آیا عیسی مسیح پسر الله است؟	خیر، چون الله نه فرزندی ندارد و فرزند کسی نیست. (لم يَلِد، ولَم يُولَد)
۲۱. چرا غیر الله را نمی پرستیم؟	چون هیچ معبودی به حق جز الله وجود ندارد.
۲۲. آیا دعا از غیر الله جایز است؟	خیر، چون دعا عبادت است و عبادت باید برای الله باشد.
۲۳.آیا سجده به غیر الله جایز است؟	نه ، سجده فقط برای الله است.
۲۴.آیا کسی از آینده خبر دارد؟	خیر، هیچ کس به غیر از الله غیب نمی داند.

** تمرین در منزل (۶) **

۱. اینان ادعا دارند از آینده خبر دارند آیا حرفشان درست است؟ برروی دروغ گویان خط بکش



ساحر و جادوگر　　فال گیر　　کف بین

ایمان به فرشتگان

۲۵. فرشتگان چه کسانی هستند؟	بندگان الله هستند که ما آنها را نمی بینیم.
۲۶. الله فرشتگان را از چه چیز آفریده؟	نور
۲۷.آیا فرشتگان مونث هستند؟	خیر؛ نه مذکر و نه مونثند.
۲۸. سه فرشته نام ببرید؟	جبریل: مامور وحی به پیامبران. میکال: مامور باران است. إسرافیل: مامور دمیدن در صور.
۲۹. رقیب و عتید چه کسانی هست؟	دو فرشته ای که همراه هر شخص هستند و اعمالش را می نویسند.
۳۰. چرا اعمال ما را می نویسند ؟	تا اینکه بر آن گواه باشند و الله آن را محاسبه کند.
۳۱. حَسَنَات چیست؟	هر وقت انسان عمل صالحی انجام دهد؛ فرشتگان به عنوان حسنات آن را ثبت می کنند.
۳۲. سیئات چیست؟	هر وقت انسان عمل بد و ناشایستی انجام دهد؛ فرشتگان به عنوان سیئات آن را ثبت می کنند.
۳۳. چگونه سیئات را پاک کنیم؟	با توبه، استغفار، نماز و انجام حسنات.

** تمرین در منزل (۷) **

۱ – آیا درست است نقاشی فرشتگان را بکشیم؟ ____________________

۲– اگر کار بدی انجام دادی بعدش باید چه کار کنی ؟ ______________

ایمان به کتاب های آسمانی

۳٤.	نام کتابی که الله بر ابراهیم عليه السلام نازل نمودند؟	صُحُف
۳٥.	نام کتابی که الله بر موسی عليه السلام نازل نمودند؟	تورات
۳٦.	نام کتابی که الله بر داود عليه السلام نازل نمودند؟	زبور
۳۷.	نام کتابی که الله بر عیسی عليه السلام نازل نمودند؟	انجیل
۳۸.	نام کتابی که الله بر محمد ﷺ نازل نمودند؟	قرآن
۳۹.	معنی تحریف چیست؟	تغییر و تبدیل
٤۰.	کتابی که ممکن نیست تحریف شود؟	قرآن
٤۱.	در مورد قرآن چه می گوییم؟	کلام الله است.

** تمرین در منزل **

۱. چند سوره از قرآن را تا الان حفظ کردی؟ ____________________

۲. روزانه چقدر وقتت را به قرآن اختصاص می دهی؟ __________________

۳. چه موقع کل قرآن را حفظ می کنی ؟ ________________________

۴. چه آیات و سوره هایی قبل از خواب خوانده می شود؟ ______________________

ایمان به پیامبران

سؤال	جواب
٤٢. بهترین بشر چه کسانی هستند؟	رسولان و پیامبران
٤٣. معنی رسول چیست؟	انسانی که الله برای ما فرستاده تا الله را برای ما معرفی کند و به ما یاد دهد چگونه الله را عبادت کنیم.
٤٤. تعداد پیامبرانی که نامشان در قرآن آمده؟	بیست و پنج پیامبر
٤٥. تعدادی از پیامبران را نام ببر؟	نوح، إبراهیم، موسی، عیسی، محمد.
٤٦. کدام پیامبران را دوست داری؟	همه پیامبران را دوست دارم.
٤٧. چرا پیامبران را دوست داری؟	چون الله را برای ما معرفی کردند و دینمان را به ما یاد دادند.
٤٨. کدام پیامبر خلیل الرَّحمن است؟	ابراهیم عليه‌السلام
٤٩. کدام پیامبر کلیم الله است؟	موسی عليه‌السلام
٥٠. کدام پیامبر کَلِمَةُ الله است؟	عیسی عليه‌السلام
٥١. آیا عیسی عليه‌السلام وفات کرده؟	خیر، الله او را به آسمان بالا برد.
٥٢. عیسی عليه‌السلام چه موقع به زمین بر می گردد؟	در آخر زمان
٥٣. عیسی در زمین چه کارمی کند؟	به اسلام، حکم و داوری می کند.
٥٤. جد عرب لقب کدام پیامبر است؟	إسماعیل عليه‌السلام
٥٥. کریم ابن کریم ابن کریم ابن کریم کیست؟	یوسف بن یعقوب بن إسحاق بن إبراهیم
٥٦. آخرین پیامبران کیست؟	محمد صلى‌الله‌عليه‌وسلم
٥٧. آیا ممکن است بعد از محمد صلى‌الله‌عليه‌وسلم پیامبر دیگری بیاید؟	خیر و هرکس چنین ادعایی کند درغگوست.

** تمرین در منزل (٨) **

نام کدام پیامبر بیشتر از همه در قرآن آمده است؟ ____________________

محمّد ﷺ

	سؤال	جواب
۵۸.	نام پیامبرمان ﷺ چیست؟	محمد پسر عبد الله پسر عبدالمطَّلب پسر هاشم پسر عبد مناف
۵۹.	پیامبر ﷺ از کدام قبیله بود؟	از قبیله قریش، از فرزندان بنی هاشم، و قریش هم عربند.
٦٠.	چه زمانی پیامبر ﷺ متولد شده ؟	۵۳ سال قبل از هجرت، مصادف با سال ۵۷۱ میلادی.
٦١.	چه زمانی پیامبر ﷺ وفات یافته ؟	۱۲ ربیع الاول سال ۱۱هـجری
٦٢.	پیامبر ﷺ کجا متولد شده ؟	در مکه
٦٣.	پیامبر ﷺ به کجا هجرت کرد؟	به مدینه النبی
٦٤.	بعضی از نام های پیامبر ﷺ را بگو؟	محمد، احمد، حاشر، عاقب، ماحی
٦٥.	کُنیه پیامبر ﷺ چه بود؟	ابو القاسم
٦٦.	فرزندان پیامبر ﷺ را نام ببرید ؟	فاطمه، زینب، رقیّه، اُم کلثوم، قاسم، عبد الله، ابراهیم

** تمرین در منزل **

معلومات دیگری که از پیامبر ﷺ می دانید با دوستانتان به اشتراک بگذارید؟

....

....

....

روز آخرت

	سؤال	پاسخ
۶۷.	**روز قیامت ، په روزی است؟**	**روزی کـه الله بنـدگان را محاسـبه می کند.**
۶۸.	**جایگاه مومنان کجاست؟**	**الله آنها را وارد بهشت می کند.**
۶۹.	**میزان چیست؟**	**میزان یا ترازویی که دو کفـه دارد و الله اعمال مردم را در روز قیامت با آن وزن می کند.**
۷۰.	**جایگاه کفار کجاست؟**	**وارد جهنم می شوند.**
۷۱.	**مسـلمانی کـه گناهـانش از ثـوابش بیشتر است جایگاهش کجاست؟**	**بـه انـدازه گنـاهنش در جهـنم مـی مانـد و سـپس الله او را وارد بهشت می کند و او را می آمرزد.**
۷۲.	**کسی که دیگران را در دنیـا اذیـت کند در روز قیامت چه می شود؟**	**از ثوابش برداشته مـی شـود یـا از گناهـان طـرف مقابـل بـه او داده می شود.**

** تمرین در منزل **

۱. **چه اعمالی انجام می دهید تا حسنات و ثواب شما زیاد شود؟**

....

....

قضا و قدر

۷۳.	ایمـان بـه قضـا و قـدر چنـد مرتبه دارد؟	۴ مرتبه (مرتبه علم، مرتبه نوشتن، مرتبـه اراده و مشیئت، مرتبه آفرینش)
۷٤.	مرتبه اول (علم) چیست؟	الله همه چیز را مـی داند(گذشـته و آینـده) و هـیچ ذره ای در آسـمانها و زمـین از علـم الله پنهـان نمی ماند.
۷۵.	مرتبه دوم (نوشتن) چیست؟	الله به قلم دسـتور داده تـا همـه چیـز را تـا روز قیامـت بنویسـد، الله مقادیرمخلوقـات را پنجـاه هزار سال قبل از آفرینش آسـمان هـا و زمـین نوشته است.
۷٦.	مرتبه سوم (اراده) چیست؟	هیچ چیز اتفاق نمی افتد مگر با مشیئت و اراده الله متعال.
۷۷.	مرتبـــه چهـــارم(آفـــرینش) چیست؟	همه مخلوقات توسط الله آفریده شده است.
۷۸.	معنی توکل چیست؟	به الله اعتماد کنیم و تمام سعی و تلاشمان را به کار بگیریم.
۷۹.	معنی تواکل چیست؟	امید داشتن به اینکه الله آرزوهایمان را برآورده می کند بدون اینکه تلاش و کوشش کنیم.

** تمرین در منزل (۹) **

۱. مومن توکل می کند یا تواکل ؟ ....

۲. چرا برای اتفاقاتی که در زندگیمان رخ می دهد می گوییم " الحمد لله"؟..............................

۳. بعد از اینکه فهمیدیم الله همه چیز را میدا ند، بر ما واجب است که : ....

جهان غیبی

	سوال	جواب
۸۰.	عرش چیست؟	سقف همه مخلوقات
۸۱.	حَوض چیست؟	حوض آبِ رسول الله ﷺ که در روز قیامت مومنان از آن می نوشند.
۸۲.	چه کسانی از نوشیدن از حوض محروم می شوند؟	اهل بدعت، کسانی که چیزهای از خودشان به دین اضافه کردند.
۸۳.	صراط چیست؟	پلی است بالای جهنم که مردم روز قیامت بر آن راه می روند مومنان از پل عبور می کنند و به بهشت می رسند و جهنمیان از بالای آن به داخل جهنم می افتند.
۸٤.	جن چیست؟	مخلوقاتی که ما آنها را نمی بینیم و الله آنها را از آتش آفریده که برخی از آنها مسلمان و برخی کافرند.
۸۵.	آیا از جنیان می ترسیم ؟	مومنان از جن ها نمی ترسند.
۸٦.	حیات برزخ چیست؟	حیاتی خاص که در قبر زندگی می کنیم.
۸۷.	در برزخ چه اتفاقی می افتد؟	کافر و کسانی که مستحق عذاب هستند، عذاب می بینند و جایگاهشان در جهنم به آنها نشان داده می شود و مومنان در نعمت هستند و جایگاه خود را در بهشت می بینند.
۸۸.	سوالات قبر چیست؟	پروردگارت کیست؟ دینت چیست؟ پیامبرت کیست؟
۸۹.	جواب های سوالات قبر؟	پروردگام الله و دینم اسلام و پیامبر ﷺ محمد است

حدیث

.۹۰	حدیث چیست؟	کلام رسول الله ﷺ
.۹۱	صحیح ترین کتاب بعد از قرآن چیست؟	۱. صحیح بخاری ۲. صحیح مسلم
.۹۲	شش کتاب حدیث اهل سنت را نام ببرید (مهمترین کتاب های حدیث)؟	۱. صحیح بخاری ۲.صحیح مسلم ۳. سُنن أبو داود ۴.سنن نَسائی ۵. سنن ترمذی ۶. سنن ابن ماجه
.۹۳	بزرگترین کتاب حدیث؟	مُسنَد امام احمد.
.۹٤	حافظ امت کیست؟	أبو هریره رضی الله عنه.
.۹۵	نَجْمُ السُّنَن (ستاره سنت) کیست؟	امام مالک بن أنس.
.۹٦	شیخان چه کسانی هستند؟	بخاری ومسلم.
.۹۷	حدیث صحیح چیست؟	حدیثی که نسبت دادنش به رسول الله ﷺ صحیح باشد.
.۹۸	حدیث حسن چیست؟	حدیثی که به درجه حدیث صحیح نزدیک است.
.۹۹	حدیث ضعیف چیست؟	حدیثی که نسبت دادنش به رسول الله ﷺ صحیح نباشد.
۱۰۰	حدیث موضوع چیست؟	حدیث ساختگی و دروغین.

** تمرین در منزل (۱۰) **

۱ – از کدام احادیث دینمان را یاد می گیریم؟

☐ صحیح ☐ حسن ☐ ضعیف ☐ موضوع

پیروان و اتباع

۱۰۱. نشانه محبت ما به الله چیست؟	پیروی از رسول الله ﷺ
۱۰۲. چگونه اهل سنت و جماعت (سنی) باشیم؟	با پیروی از رسول الله ﷺ و یاران بزرگوارش در گفتار، کردار و اخلاق و ترک بدعت ها و گروهها و جماعت های نو ظهور.
۱۰۳. بدعت چیست؟	افزودن به دین بدون دلیل از قرآن و سنت
۱۰۴. جماعت چیست؟	جماعت مسلمانان پیرو رسول الله ﷺ
۱۰۵. دینمان را از کجا می آموزیم؟	از قرآن و سنت
۱۰۶. چگونه دین را صحیح بفهمیم؟	دین را به روش یاران پیامبر ﷺ و شاگردانشان یاد بگیریم.
۱۰۷. اجماع چیست؟	اجماع، اتفاق علمای مسلمانان در یک زمان بر یک اموری از امورات دین است و مخالفت با آن جایز نیست.

** تمرین در منزل **

۱. شخصی می گوید از گروه ها پیروی می کنم آیا این شخص سنی هست؟
۲. شخصی می گوید من قرآن را به روشی غیر از فهم یاران پیامبر ﷺ می فهمم و نظرات خودم را دارم، آیا کارش درست است؟
۳. شخصی می گوید من روش جدیدی برای نماز اختراع کردم این کارش چه نامیده می شود؟

خاندان و یاران پیامبر ﷺ



شماره	سؤال	پاسخ
۱۰۸.	صَّحَابی کیست ؟	کسی که در حال ایمان رسول الله ﷺ را ملاقات کرده و با ایمان از دنیا برود.
۱۰۹.	برترین یاران رسول الله ﷺ ؟	ابو بکر سپس عمر سپس عثمان سپس علی.
۱۱۰.	اهل بیت چه کسانی هستند؟	همسران و فرزندان رسول الله ﷺ
۱۱۱.	امهات المؤمنین چه کسانی هستند ؟	همسران رسول الله ﷺ که مادران مومنان هستند.
۱۱۲.	چرا اهل بیت را دوست داریم؟	چون رسول الله ﷺ فرموده است: (أُذَكِّرُكُمُ اللهَ فِي أَهْلِ بَيْتِي) (من الله را در حق اهل بیتم به یاد شما می آورم) صحیح مسلم
۱۱۳.	صِّدِّيق لقب کیست؟	ابو بکر رضی الله عنه.
۱۱۴.	ذو النُّورَيْن لقب کیست؟	عثمان بن عفان رضی الله عنه.
۱۱۵.	اولین نوجوانی که اسلام آورد؟	علی بن أبی طالب رضی الله عنه.
۱۱۶.	فاروق لقب کیست؟	عُمَر بن خطاب رضی الله عنه.
۱۱۷.	سرور جوانان بهشت چه کسانی هستند؟	حسن، و حسین رضی الله عنهما.
۱۱۸.	سیفُ اللهِ المسلولُ لقب کیست؟	خالد بن الولید رضی الله عنه.
۱۱۹.	چه کسی معروف است به دایی مومنان (خال المومنین)؟	معاویه بن أبی سفیان رضی الله عنه.

** تمرین در منزل (۱۱) **

کدام صحابی الگو شماست؟ و چرا؟ (به همکلاسی هایت توضیح بده.)

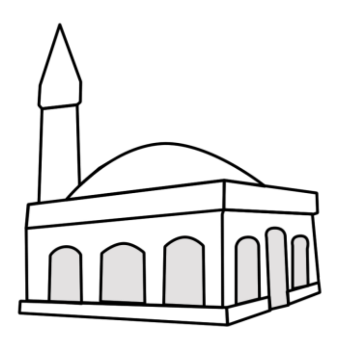
فصل دوم : آداب

در این فصل دانش آموز تعدادی از احادیث صحیح

رسول الله ﷺ در بحث آداب اسلامی که با عادات ارتباط

دارد را حفظ می کند و شرح احادیث را یاد می گیرد.

آداب مسجد



(يَا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ) [الأعراف: ۳۱]

ای آدمیزادگان! در هر نماز گاه و عبادتگاهی، خود را بیارائید.

رسول الله ﷺ فرمودند: (هرگاه یکی از شما وارد مسجد شد، بگوید : اللهُمَّ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ و هنگامیکه خارج شد، بگوید : اللهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ) صحیح مسلم

رسول الله ﷺ فرمودند: (هرگاه یکی از شما وارد مسجد شد، نشیند تا اینکه دو رکعت نماز بخواند.) صحیح بخاری

رسول الله ﷺ فرمودند: (کسی که از جلو نمازگزار می‌گذرد اگر می‌دانست که بسبب این عمل چه گناهی به وی می‌رسد، ترجیح می‌داد که چهل (روز یا ماه یا سال) توقف کند ولی مرتکب این عمل نشود.) متفق علیه



** تمرین در منزل (۱۲) **

۱. چرا مرد سمت راستی دستش را دراز کرده؟
۲. مرد سمت چپی باید چه کار کند؟

آدب سلام

(وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا) [النساء:۸۶]

هرگاه شما را درودی دادند به گونه‌ی زیباتر و بهتر از آن یا همانند آن، آن را پاسخ گوئید

رســـول اللــه ﷺ فرمودند: (وارد بهشت نمی شوید تا اینکه ایمان داشته باشید و ایمان نمی آورید مگر زمانیکه یکدیگر را دوست بدارید، آیا شما را به کاری راهنمایی نمایم اگر انجامش دهید، یکدیگر را دوست خواهید داشت؟ سلام گفتن را میان خود رواج دهید.) صحیح مسلم

رســـول اللــه ﷺ فرمودند: (کوچکتر به بزرگتر، عابر به نشسته و جمعیت کمتر به جمعیت بیشتر سلام کند.) متفق علیه

** تمرین در منزل (۱۳) **



۱. جاهای خالی را با کلمات مناسب زیر پرکنید؟

السلام علیکم و رحمة الله

علیکم السلام و رحمة الله و برکاته

آداب لباس

❀ **لباسی انتخاب می کنم که عورت را بپوشاند.** [الأعراف ٢٦]

❀ **روی لباس نوشته، طرح یا تصاویری نباشد که با دین مخالفت دارد مثل صلیب، جمجه، نوشته های ناشایست و تصاویر دارای روح و....** متفق علیه

❀ **لباس تنگ و بدن نما نمی پوشم.** [الأعراف ٢٦]

❀ **پسران لباس دخترانه و دختران لباس پسرانه نپوشند.** البخاري (٥٨٨٥)

❀ **پسران طلا، حریر، گردنبد و دستبند نپوشند.** أبو داود (٣٥٣٥) ، والنسائي (٥٠٥٤)

❀ **قبل از لباس پوشیدن، می گویم :** «بسم الله»

❀ **هنگام پوشیدن از سمت راست و هنگام بیرون آوردن از سمت چپ شروع می کنم.** أبو داود (٣٢)

❀ **اگر لباس جدید باشد هنگام پوشیدن می گویم :** «اللهم لکَ الحمدُ، أنتَ کسَوْتَنِیهِ، أسألُکَ مِن خَیرِه، وخَیرِ ما صُنِعَ لَه، وأعُوذُ بِک مِنْ شرِّهِ، وشرِّ ما صُنِعَ لَه» رواه أبو داود (٤٥٢٠) والترمذي (٣٤٥٨) وحسَّنه المحققون

** تمرین در منزل (۱۴) **

۱. چیزهای که مخصوص پسران هست را نام ببرید ؟

۲. چیزهای که مخصوص دختران هست را نام ببرید ؟

آداب غذا خوردن

رســـول اللـــه ﷺ فرمودند: (بسم الله بگو و با دست راست و از جلو خودت بخور) متفق علیه

انس رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ از ایستاده آب نوشیدن نهی کرده است .قتاده رحمه الله می گوید :به انس گفتیم: حکم ایستاده خوردن چیست؟ آیا از غذا خوردن به صورت ایستاده همچون ایستاده آب خوردن نهی شده است؟ انس گفت :آنکه بدتر و زشت تر است. صحیح مسلم

- **فقط غذاهای حلال می خورم، الله متعال فرمودند:** (فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللهُ حَلَالًا طَيِّبًا : **از روزیهای حلال و پاکیزه‌ای بخورید که خدا قسمت شما می‌گرداند)**
- **قبل از خوردن «بسم الله» می گویم. اگر در اول غذا فراموش کردم؛ هر وقت یادم آمد، می گویم:** «بِسْمِ اللهِ أَوَّلَهُ وَآخِرَهُ» رواه الترمذي (١٨٥٨)، وأبو داود (٣٧٦٧)، وابن ماجه (٣٢٦٤)، وصححه الألباني
- **با دست راست می خورم، چون رسول الله ﷺ فرمودند: (هرگاه یکی از شما قصد غذا خوردن داشت، باید با دست راست بخورد و چون قصد نوشیدن داشت باید با دست راستش بنوشد چرا که شیطان با دست چپ می خورد و می نوشد)** صحیح مسلم

- از جلو خودم می خورم نه از جلو دیگران. متفق علیه
- اگر کسی که کنارم هست از غذایم خوشش آمد از غذایم به او می دهم. صحیح مسلم
- به فکر همسایه هایمان باشیم، چون رسول الله ﷺ فرمودند: (هنگام پختن آبگوشت، آبش را بیشتر کن و به همسایه ات نیز بده) صحیح مسلم
- در پایان غذا می گویم: (الْحَمْدُ لله الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا، وَكَفَانَا وَآوَانَا، فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُؤْوِيَ) صحیح مسلم
- به کسی که برایم غذا درست کرده و جلوم گذاشته دعا می کنم. صحیح مسلم
- اگر غذا یا خوراکی از دستم افتاد پاکش می کنم و می خورم، چون رسول الله ﷺ فرمودند : (هرگاه لقمه ی یکی از شما افتاد، آن را بردارد و از خاک و خاشاک پاکش نماید و سپس بخورد و آن را برای شیطان نگذارد؛ و پیش از لیسیدن انگشتانش، دست خود را با دستمال پاک نکند؛ زیرا نمی داند برکت در کدام قسمت غذای اوست) صحیح مسلم
- اگر از غذایی خوشم نیامد ، عیب و ایراد نمی گیرم . متفق علیه
- پرخوری نمی کنم. الترمذي (٢٣٨٠)

غذای حلال و حرام چیست؟

حلال	حرام
سبزیجات، میوه ها، حبوبات ، لبنیات	چیزهای مضر، نجاسات.
چارپایان مانند : گاو، گوسفند، بز، شتر، اسب، خرگوش، آهو، سوسمار، گورخر.	خوک، قورباغه، والحمار، الاغ و همچنین حیوانات درنده مانند ببر، شیر، سگ، گربه و ....
همه حیوانات دریایی مانند : ماهی، نهنگ، اختاپوس، صدف، میگو و ...	هر چیزی که از حیوانات حرام گوشت گرفته می شود مانند شیر، ژلاتین و ....
پرندگان اهلی مانند : مرغ، مرغابی، کبوتر و ...	پرندگان شکاری مانند : کرکس، باز ، عقاب و ...

🍽 پرندگان و حیواناتی را می خوریم که به روش شرعی ذبح شده باشند. اما حیوانات دریایی نیاز به ذبح ندارند.

شروط ذبح شرعی چیست؟

1. **اینکه حیوان ذبح شود و گلویش بریده و خونش جاری شود و جایز نیست حیوانی را بخوریم که مرده یا با برق گرفتگی کشته شده یا با تیرزده شده یا خفه شده باشد یا بر اثر تصادف مرده باشد یا با ضربه کشته شود.**
2. **اینکه توسط مسلمان یا یهودی یا نصرانی ذبح شود و ذبح مشرکان، خداناباوران و ..... جایز نیست.**

آداب خوابیدن

- زود می خوابم تا به نماز صبح بیدار شوم.
- قبل از خوابیدن رختخوابم را می تکانم. متفق علیه
- وضو می گیرم سپس به پهلوی راست می خوابم. متفق علیه
- هر شب رسول الله ﷺ به رختخوابش می رفت، دو دستش را کنار هم قرار می داد و در آنها می دمید و معوذات (سوره های اخلاص، فلق و ناس) در دستانش می خواند و سپس با دستانش هر جا از بدنش را که می توانست، مسح می نمود و ابتدا از سر و صورت و قسمت جلو بدنش آغاز می کرد و این کار را سه مرتبه انجام می داد. صحیح بخاری
- آیه الکرسی را می خوانم. البخاري (٢٣١١)
- سوره کافرون را می خوانم. صحيح أبي داود (٥٠٥٥)
- و می گویم : «بِاسْمِکَ اللهم أَمُوتُ وَأَحْيَا» البخاري (٦٣٢٤)



** تمرین در منزل **



۱. تمام اذکاری که قبل از خواب یادگرفتی انجام بده و احساست را بگو؟
۲. علامتی برای خودت در اتاق بگذار تا همیشه اذکارهایت را بخوانی.
۳. چه کار های دیگری قبل از خواب انجام می دهی؟

....

....

آداب بیدار شدن از خواب

- **می گویم:** «الحَمْدُ لله الَّذِی أَحْیَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَیْهِ النُّشُورُ» متفق علیه
- **مسواک می زنم.** متفق علیه
- **سه بار دستهایم را می شویم.** متفق علیه
- **سه مرتبه آب در بینی می زنمم.** البخاري (۳۲۹۵)
- **رختخوابم را مرتب می کنم.**
- **نماز ضحی (چاشت) می خوانم.**



** تمرین در منزل **

1. **تمام اذکار بیدارشدن از خواب را که یادگرفتی انجام بده و احساست را بگو؟**
2. **علامتی برای خودت در اتاق بگذار تا همیشه اذکارهایت را بخوانی.**
3. **چه کار های دیگری بعد از خواب انجام می دهی؟**

....

....

آداب دستشویی

رسول الله ﷺ فرمودند : (طهارت و پاکیزگی نصف ایمان است) [صحیح مسلم]

- **دعای قبل از ورود به دستشویی :** «اللهم إنی أعوذ بک من الخبث والخبائث» [متفق علیه]
- **با پای چپ وارد دستشویی می شوم.**
- **درب دستشویی را می بندم چون مسلمان با حیاست و پوشیدگی را دوست دارد.** [أبو داود (٤٠١٦)]
- **موقع قضای حاجت صحبت نمی کنم** [مسلم (٣٧٠)].
- **مواظب هستم که نجاست به بدن و لباسم نرسد** [النسائي (٢٠٦٩)]
- **خودم را سه مرتبه می شویم و پاک می کنم.** [مسلم (٢٦٢)]
- **از دست راست برای نظافتم استفاده نمی کنم.** [صحیح مسلم]
- **بعد از اتمام قضای حاجت مکان را پاک می کنم.**
- **با پای راست خارج می شوم و می گویم :** «غُفرَانَک» [سنن الترمذي (٧)]
- **دستهایم را بعد از اتمام قضای حاجت خوب می شویم.**
- **وضو می گیرم تا روز رستاخیز اعضای وضویم نورانی شود و بدرخشد.** [البخاري (١٣٦)]

آداب عطسه و خمیازه

رسول الله ﷺ فرمودند:(هرگاه یکی از شما عطسه کرد، بگوید : الحَمْدُ لله و برادر یا دوستش بگوید: یَرْحَمُکَ الله پس هرگاه به او گفتند: یَرْحَمُکَ الله پس بگوید: یَهْدِیکُمُ الله وَیُصْلِحُ بَالَکُمْ) صحیح بخاری



رسول الله ﷺ فرمودند: (هرگاه یکی از شما خمیازه کشید، دستش را روی دهانش بگیرد؛ زیرا شیطان - از این راه به بدن انسان**– وارد می شود)** صحیح مسلم

** تمرین در منزل (۱۵) **

۱. **چرا شخصی که عطسه می کند بازویش را جلو دهانش گذاشته؟**

۲. **به برادر و دوستانت این سنت را یاد بده و با هم تمرین کنید.**

فصل سوم : رفتار و تعامل با مردم

در این فصل دانش آموز تعدادی از احادیث صحیح رسول الله ﷺ در بحث آداب اسلامی که مربوط به رفتار و تعامل با دیگران است را حفظ می کند و شرح احادیث را یاد می گیرد.

همسایه، مهمان و سخن زیبا

قال رسول الله صلی‌الله علیه‌وسلم : مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِالله وَاليَوْمِ الآخِرِ فَلاَ يُؤْذِ جَارَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِالله وَاليَوْمِ الآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِالله وَاليَوْمِ الآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْراً أَوْ لِيَصْمُتْ.

رسول الله ﷺ فرمودند:

(هر کسی که به الله و روز قیامت ایمان دارد، پس همسایه اش را اذیت نکند، و هر کسی که به الله و روز قیامت ایمان دارد، پس مهمانش را گرامی دارد و هر کسی که به الله و روز قیامت ایمان دارد، پس خیر بگوید یا ساکت شود.) [متفق علیه]

گمان بد و حسادت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الحَدِيثِ، وَلاَ تَحَسَّسُوا، وَلاَ تَجَسَّسُوا، وَلاَ تَحَاسَدُوا، وَلاَ تَدَابَرُوا، وَلاَ تَبَاغَضُوا، وَكُونُوا عِبَادَ الله إِخْوَانًا.

رسول الله ﷺ فرمودند:

(شما را از ظن وگمان (سوءظن وبدبینی) **بر حذر میدارم زیرا ظن وگمان دروغترین سخن بشمار میرود و وهرگز در پی یافتن عیوب دیگران نباشید وتجسس نکنید وبه یکدیگر حسادت نورزید وبه همدیگر پشت نکنید**(از هم ناراحت ودلگیر نشوید) **وبندگی الله را پیشه کنید در حالیکه با یکدیگر برادر هستید)**

متفق علیه

غیبت



الله سبحانه وتعالی می فرماید: (وَلاَ يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا، أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ، وَاتَّقُوا الله إِنَّ الله تَوَّابٌ رَحِيمٌ) [الحجرات: ١٢]

و برخی از شما برخی دیگر را غیبت نکند؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌ی خود را بخورد؟ به یقین همه‌ی شما از مرده‌خواری بدتان می‌آید از خدا پروا کنید، بی‌گمان خداوند بس توبه‌پذیر و مهربان است.

" الله کسی که در غیاب برادرش از او به بدی یاد می کند را به کسی تشبیه کرده که گوشت برادر مرده اش را می خورد "

رسول الله ﷺ فرمودند: (آیا می‌دانید غیبت چیست؟ عرض کردند : الله و رسولش بهتر می‌داند، فرمود: "ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ" از برادرت به گونه ای یاد کنی که دوست ندارد. گفته شد: اگر آنچه می گویم در او وجود داشته باشد، چه؟ فرمود: اگر آنچه می گویی در او وجود دارد، غیبتش را کرده ای ؛ واگر آن صفت در او نباشد، براو بهتان بسته‌ای)
صحیح مسلم

مراقبت از زبان

قال رسول الله صلی‌الله علیه‌وسلم: (لَيْسَ الْمُؤْمِنُ بِالطَّعَّانِ وَلاَ اللَّعَّان وَلاَ الفَاحِشِ وَلاَ البَذِيءِ)

رسول الله ﷺ فرمودند: (مومن طَّعَّان و لَّعَّان وَ فَاحِش وَ بَذِيء نيست)

صحيح ترمذی



- **طَّعَّان: کسی که از دیگران عیب می گیرد.**
- **لَّعَّان:کسی که دیگران را لعنت می کند.**
- **فَاحِش:کسی که کارهای زشت انجام می دهد.**
- **بَذِيء: کسی که سخن زشت می گوید.**

" این صفاتی که در حدیث به آن اشاره شده صفات مومن نیست و درست نیست این کارها را انجام دهیم و خودمان را به کفار شبیه کنیم."

**** تمرین در منزل ****

1. **اگر کسی اشتباه کرد چه کار کنیم بهتر است؟ ☐ لعنتش کنیم ☐ برایش دعا کنیم**
2. **اگر کسی ما را عصبانی کرد چگونه برایش دعا کنیم؟............................**

گفتن : إن شاء الله



الله متعال می فرماید: (وَلَا تَقُولَنَّ لِشَىْءٍ إِنِّى فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ۝ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ) [الكهف: ٢٣-٢٤]

درباره هیچ چیزی مگو که من فردا آن را انجام می دهم مگر (اینکه بگویی) اگر خدا بخواهد.

هرگاه خواستم کاری را در آینده انجام دهم؛ نمی گویم: «انجام خواهم داد» بلکه می گویم:«ان شاء الله انجام می دهم»

- **معنی إن شاء الله چیست؟ هیچ اتفاقی نمی افتد مگر اینکه خدا بخواهد.**
- **چرا إن شاء الله می گویم؟ چون به قضا و قدر الله ایمان دارم و هیچ اتفاقی رخ نمی دهد مگر با مشیت و اراده الله.**

** تمرین درمنزل (۱۶) **

عبارت صحیح (✓) و اشتباه (✗) را مشخص کنید.

- ☐ **تماس می گیرم.**
- ☐ **قرآن را حفظ می کنم إن شاء الله.**
- ☐ **بازی می کنم إن شاء الله.**
- ☐ **بالای کوه نمی روم.**
- ☐ **دیر نمی خوابم إن شاء الله.**
- ☐ **فردا خودکار می خرم.**
- ☐ **بعدا بازی می کنم.**
- ☐ **برای مادرم هدیه می خرم إن شاء الله.**
- ☐ **إن شاء الله از دستورات والدینم سرپیچی نمی کنم.**
- ☐ **ان شاء الله در درسهایم موفق خواهم شد.**

کنترل خشم

عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ رَضِیَ الله عَنْهُ، أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِیِّ صلی‌الله علیه‌وسلم : أَوْصِنِی، قَالَ: (لاَ تَغْضَبْ) فَرَدَّدَ مِرَارًا، قَالَ: (لاَ تَغْضَبْ).



از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که مردی به رسول الله ﷺ گفت: مرا نصیحت فرما، رسول الله ﷺ فرمودند: خشمگین مباش، آن مرد چندین بار سوال خود را تکرار کرد. رسول الله ﷺ در هر بار فرمودند: خشمگین مباش. متفق علیه

چگونه خشمم را کنترل کنم؟

- **هر وقت احساس خشم کردم فوری وضو می گیرم.**
- **فکرم را با چیزهای بیهوده مشغول نمی کنم.**
- **اگر شخص خشمگین دیدم با او بحث نمی کنم.**
- **قبل از انتقاد، دیدگاه طرف مقابلم را خوب می فهمم.**
- **اگر از رفتار و عملکرد کسی خوشم نیامد؛ برایش دعا می کنم.**
- **اگر کسی از من انتقاد کرد، گوش می دهم.**
- **از مردم توقع ندارم طبق دیدگاه من عمل کنند.**
- **کلمات و جملات مودبانه استفاده می کنم.**
- **تهدید نمی کنم وبا کسی که با من جدل می کند قطع ارتباط نمی کنم.**

شما چه راهکاری دارید ؟ _ _ _ _ _ _ _ _ _ _ _

راستگویی



قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: (إِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى البِرِّ، وَإِنَّ البِرَّ يَهْدِي إِلَى الجَنَّةِ. وَإِنَّ الكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الفُجُورِ، وَإِنَّ الفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ)

رسول الله ﷺ فرمودند: (همانا راستی انسان را بسوی نیکوکاری رهنمائی می‌کند، و نیکو کاری انسان را به بهشت رهنمون می‌گرداند و دروغ انسان را به معاصی و گناهان سوق می‌دهد و گناهان انسان را بسوی دوزخ می‌کشاند.) متفق علیه

قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: (تَجِدُ مِنْ شَرِّ النَّاسِ يَوْمَ القِيَامَةِ عِنْدَ اللهِ ذَا الوَجْهَيْنِ، الَّذِي يَأْتِي هَؤُلَاءِ بِوَجْهٍ، وَهَؤُلَاءِ بِوَجْهٍ)

رسول الله ﷺ فرمودند: (بدترین مردم روز قیامت در پیشگاه الله را افراد دو رو می یابید؛ کسی که پیش این عدّه با چهره ای می آید و پیش آن عدّه با چهره ای دیگر) متفق علیه

** تمرین در منزل **

خوبی های راستگویی و بدهای دروغگویی را بنویسید ؟

بهره و نتیجه راستی	پیامدها و عواقب دروغ

نیکوکاری به پدر و مادر

جَاءَ رَجُلٌ إِلَی رَسُولِ اللهِ صلی‌الله علیه‌وسلم فَقَالَ: یَا رَسُولَ اللهِ، مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِی؟ قَالَ: (أُمُّکَ) قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: (ثُمَّ أُمُّکَ) قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: (ثُمَّ أُمُّکَ) قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: (ثُمَّ أَبُوکَ)



(مردی نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت: چه کسی از تمام مردم برایم به نیکی سزاوارتر است؟ فرمودند: {مادرت} سپس پرسید: بعد از او چه کسی؟ فرمودند: {مادرت} سپس پرسید : بعد از او چه کسی؟ فرمودند: {مادرت} سپس پرسید : چه کسی: فرمودند: { پدرت}) متفق علیه

چگونه به پدر و مادرم نیکوکاری کنم؟

- **از آن ها اطاعت می کنم.**
- **با ادب با آنها صحبت می کنم.**
- **در کارها کمکشان می کنم.**
- **صدایم را بر آنها بالا نمی برم.**
- **به خوبی ازآنها یاد می کنم.**
- **از آنها درخواست چیزهای که آنها را به سختی می اندازد نمی کنم.**
- **همانطوری که پروردگار به من یاد داده برای آنها دعا می کنم :**(وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا کَمَا رَبَّیَانِی صَغِیراً)

* **برای احترام و نیکوکاری به پدر و مادر، پیشنهادی داری ؟**

— —

ارتباط خویشاوندی

قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ، وَأَنْ يُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ، فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ.



رسول الله ﷺ فرمودند: (هر کس دوست دارد روزی‌اش زیاد و عمرش طولانی شود، باید صله رحم و پیوند خویشاوندی را رعایت کند.) متفق علیه

خویشاوند و ارحام : کسانی که از لحاظ نسبی به ما نزدیک هستند و هر چه نزدیکتر باشند صله ارحام آنها واجب تر است.

چگونه صله ارحام انجام دهم؟

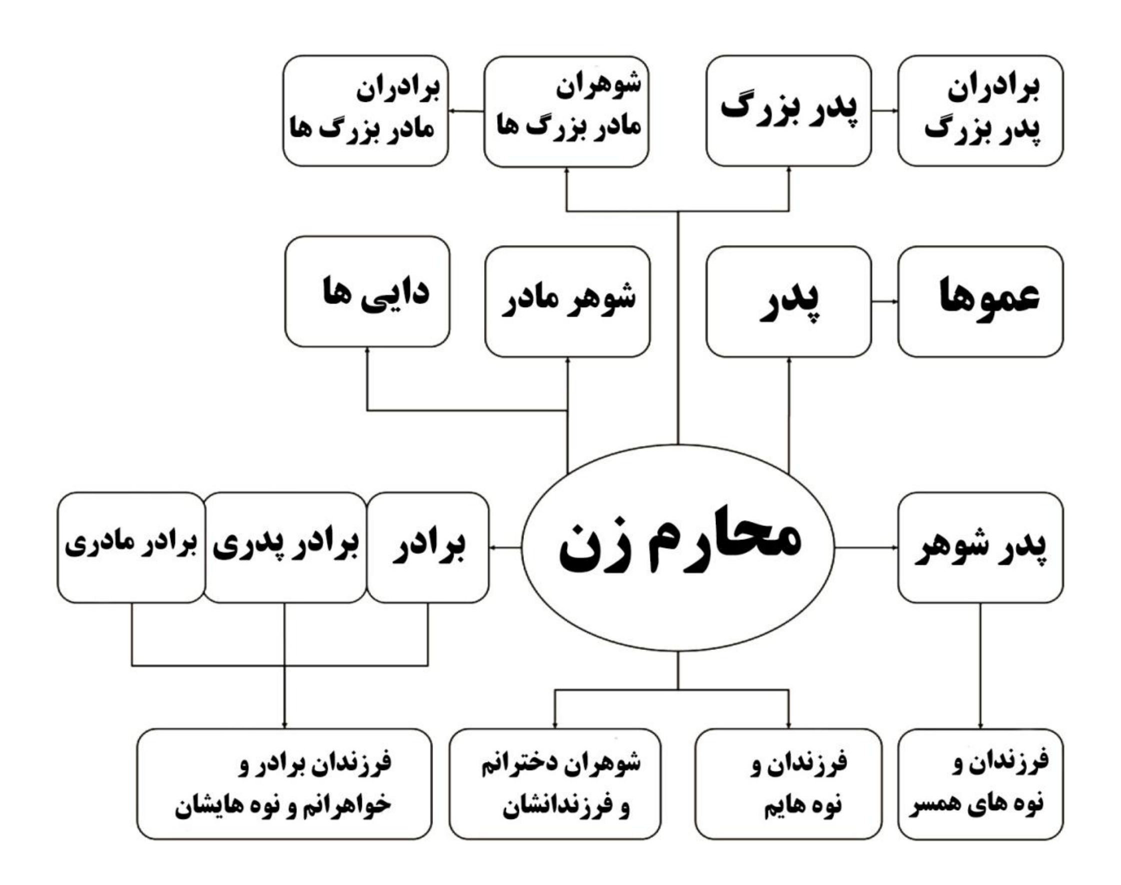
- **به ملاقات آنها می روم یا با آنها تماس می گیرم.**
- **برایشان دعا می کنم.**
- **در غم و شادی آنها شریک می شوم.**
- **در حد توان کمکشان می کنم.**
- **محرم راز و اسرار آنها می شوم.**
- **با آنها دشمنی نمی کنم و اگر بین آنها اختلافی بود بینشان صلح و دوستی برقرار می کنم.**

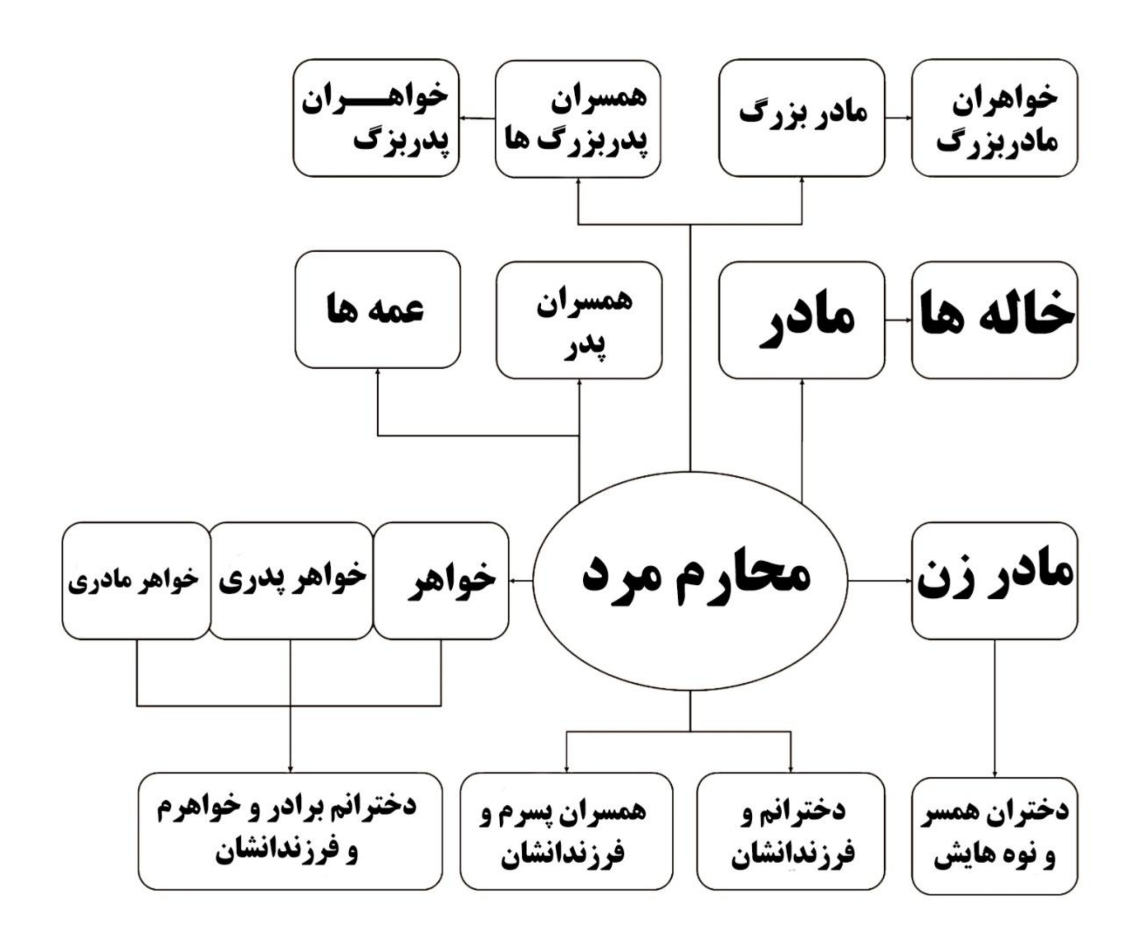
*** برای استحکام ارتباط خویشاوندی پیشنهادی داری ؟**

_ _ _ _ _ _ _ _ _ _ _ _ _ _ _ _ _ _

محارم چه کسانی هستند؟

محارم کسانی هستند که موقع سلام می توانی دستشان را بگیری و ازدواج با آنها درست نیست.





** تمرین در منزل (۱۷و۱۸)**

۱. محارم زن را با علامت صحیح ✓ و اشتباه ✗ مشخص کنید :

☐ پسر عمو ☐ برادر شوهر ☐ پدربزرگ پدر ☐ پسر شوهر مادر

☐ دایی مادر ☐ عمو ☐ همسر خواهر ☐ پدر پدر بزرگ

۲. محارم مرد را با علامت صحیح ✓ و اشتباه ✗ مشخص کنید :

☐ خواهر مادر بزرگ ☐ دختر خاله ☐ زن عمو ☐ عمه پدر

☐ همسر برادر ☐ خواهر زن ☐ مادر پدربزرگ ☐ دختر پسرم

رفتار با معلم

قال رسول الله صلی‌الله علیه‌وسلم: (إِنَّ الله وَمَلاَئِكَتَهُ وَأَهْلَ السَّمَوَاتِ وَالأَرَضِينَ حَتَّى النَّمْلَةَ فِي جُحْرِهَا وَحَتَّى الحُوتَ لَيُصَلُّونَ عَلَى مُعَلِّمِ النَّاسِ الخَيْرَ)



رسول الله ﷺ فرمودند : (همانا الله و فرشتگانش و اهل آسمان‌ها و زمین، حتی مورچه در لانه‌اش و ماهی، برمعلمی که خیر و خوبی را می‌آموزد، درود می‌فرستند.) صحیح ترمذی

- ❖ **درود الله یعنی او را رحم می کند و می آمرزد.**
- ❖ **درود فرشتگان و مخلوقات یعنی برایش دعا و طلب آمرزش می کنند.**

چگونه با معلمم رفتار کنم؟

- **به او احترام بگذارم و برایش دعا کنم.**
- **می فهمم برای ما تلاش می کند باید از او قدر دانی کنم.**
- **به درس هایش گوش دهم وبازی گوشی نکنم.**
- **اگر در کلاس کاری داشتم حتما اجازه بگیرم.**
- **اگر چیزی نفهمیدم، سوال بپرسم.**
- **هر چیزی را به من می گوید، اطاعت می کنم.**
- **درسهایم را می نویسم و حفظ می کنم تا دانش آموز تنبل نباشم.**

رفتار من با مسلمانان و اهمیت دادن به اوضاع و احوال آنها

قال رسول الله صلی‌الله علیه‌وسلم: (مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِـى تَـوَادِّهِمْ، وَتَـرَاحُمِهِمْ، وَتَعَـاطُفِهِمْ مَثَـلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى)

رسول الله ﷺ فرمودند: (مومنان در دوستی، مهربانی و همکـاری بـا یکدیگر، مانند پیکری هستند که اگر یک عضو آن به درد آید، سایر اعضا با بی خوابی و تب با آن هم نوا و شریک می گردند.) متفق علیه

بنی آدم اعضای یک پیکرند — که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار — دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی — نشاید که نامت نهند آدمی

بر هر مسلمان واجب است :

- **بخاطر شهر و نژاد بین هیچ مسلمانی فرق نگذارد و همه مسلمانان برادرند.**
- **همه مسلمانان را دوست بدارد.**
- **به گروه ها و فرقه هایی که سبب جدایی مسلمانان می شود، وارد نشود.**
- **به مسلمانان کمک کند حتی اگر آنها را نمی شناسد.**
- **تلاش کند مشکلاتی که بین برادران مسلمانش بوجود می آید، حل کند.**
- **هرگاه مصیبتی به مسلمانان در هر جایی رسید تا حد توان آنها را یاری دهد.**

آزار نرساندن به مسلمانان

قال رسول الله صلی‌الله علیه‌وسلم: سِبَابُ المُسْلِمِ فُسُوقٌ، وَقِتَالُهُ كُفْرٌ .

رسول الله ﷺ فرمودند: (دشنام دادن به مسلمان فسق (گناه) و جنگیدن با او کفر است.) متفق علیه

- **شریعت و دین اسلام از آبروی مسلمان محافظت می کند.**
- **برای مسلمان جایز نیست مسلمانی را دشنام دهد.**
- **جنگ مسلمانان با هم از بزرگترین گناهان است.**
- **هر کس با مسلمانی بجنگد خودش را به کفار تشبیه کرده است.**
- **در جنگ بین مسلمانان شرکت نمی کنم.**
- **به هیچ کس جهت اذیت رساندن به مسلمانان کمک نمی کنم.**
- **مواظب هستم مسلمانی را رنجیده خاطر نکنم.**

شما چه پیشنهادی دارید؟

ارتباط و دوستی

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (لاَ يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلاَثَةِ أَيَّامٍ)

رسول الله ﷺ فرمودند : (برای هیچ مسلمانی جایز نیست که بیش از سه شبانه روز با برادرش قهر باشد؛ چنانکه وقتی همدیگر را ببینند از هم روی گردانند. و بهترین آنها کسی است که آغازگر سلام باشد.) متفق علیه

رسول الله ﷺ فرمودند : (هرگاه کسی برادرش را دوست داشت باید به او اطلاع دهد که دوستش دارد.) ترمذی، نسائی، ابوداود، احمد

- **اسلام برای نزدیکی و انس و الفت قلبها آمده است.**
- **مسلمان با مسلمان خصومت ندارد و ارتباطش را قطع نمی کند.**
- **اگر مشکلی بین من و برادرمسلمانم پیش آمد، حلش می کنم.**
- **اگر مسلمانی از دستم خشمگین شد و با من صحبت نکرد؛ هر گاه او را دیدم سلام می کنم.**
- **هر گاه بین دوستانم اختلاف افتاد سعی می کنم آشتی ایجاد کنم.**

شما چه پیشنهادی دارید؟

رفتار من با بزرگسالان

قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: (لیسَ مِنَّا مَنْ لَمْ یَرْحَمْ صَغِیرَنَا وَیُوَقِّرْ کَبِیرَنَا)

رسول الله ﷺ فرمودند : (کسی که به کودکان ما رحم نکند و حق و احترام بزرگان ما را نشناسد از ما نیست) ترمذی، ابوداود، احمد

- **مسلمان باید به بزرگترش احترام بگذارد و قدر و منزلتش را حفظ کند.**
- **با نهایت ادب با بزرگترها صحبت می کنم.**
- **صدایم را بر آنها بالا نمی برم.**
- **در مجالس، آنها را بزرگ می دارم.**
- **هرگاه به کمک احتیاج داشتند به آنها کمک می کنم.**
- **از سخنانشان استفاده می برم چون آنها از من بیشتر تجربه دارند.**
- **در حرف آنها نمی پرم.**
- **اگر از تکنولوژی روز ندانستند آنها را مسخره نمی کنم.**

شما چه پیشنهادی دارید؟

رفتار من با همسایه

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (وَاللهِ لاَ يُؤْمِنُ، وَاللهِ لاَ يُؤْمِنُ، وَاللهِ لاَ يُؤْمِنُ) قِيلَ: وَمَنْ يَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: (الَّذِي لاَ يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَائِقَهُ)

رسول الله ﷺ فرمودند : (قسم به الله ایمان ندارد، قسم به الله ایمان ندارد، قسم به الله ایمان ندارد. گفته شد: چه کسی ای رسول الله ! فرمودند: «کسی‌که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد.) صحیح بخاری

رسول الله ﷺ فرمودند : (جبرئیل پیوسته درباره همسایه مرا سفارش می‌کرد، تا آنجا که گمان بردم همسایه از همسایه ارث می‌برد) متفق علیه

- **مسلمان همسایه اش را اذیت و آزار نمی دهد.**
- **با سروصدا در خانه و کوچه همسایه ام را اذیت نمی کنم.**
- **بدون اجازه به خانه همسایه نمی روم و از پشت بام به خانه آنها نگاه نمی کنم.**
- **در زندگی آنها کنجکاوی و تجسس نمی کنم.**
- **اسرار آنها را حفظ می کنم.**
- **آشغال و زباله جلو خانه آنها نمی گذارم مگر با اجازه آنها.**
- **هر وقت آنها را دیدم با آنها سلام و احوال پرسی می کنم.**
- **اگر به کمک نیاز داشتند به آنها کمک می کنم.**

شما چه پیشنهادی دارید؟

عیادت بیمار

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم: (أَطْعِمُوا الجَائِعَ، وَعُودُوا المَرِيضَ، وَفُكُّوا العَانِيَ)

رسول الله ﷺ فرمودند : (گرسنه را غذا دهید و به عیادت بیمار بروید و اسیر را آزاد کنید) متفق علیه

آداب عیادت بیمار:

- **با نیت خالصانه و بدون از ریا، به عیادت برویم؛ رسول الله ﷺ فرمودند : (هنگامی که مسلمان از برادرِ مسلمانش عیادت می کند، تا زمانی که باز می گردد، در خُرفه ی بهشت است، گفته شد ای رسول الله، خُرفه ی بهشت چیست؟ فرمودند: جَنَاهَا : چیدنِ میوه های بهشتی)** صحیح مسلم
- **در دعا به بیمار می گوییم (لاَ بَأْسَ طَهُورٌ إِنْ شَاءَ اللهُ)** متفق علیه **و هفت مرتبه می گوییم (أسألُ اللهَ العظيمَ ربَّ العرشِ العظيمِ أن يشفيَک)** ابوداود، ترمذی
- **سخن امیدوار کننده بگوییم و از سخنان ناراحت کننده بپرهیزیم.**
- **او را به تلاوت قرآن، نماز، اذکار و به صبر یادآوری کنیم و اینکه بیماری سبب پاک شدن گناهان می شود؛ رسول الله ﷺ فرمودند: (هیچ مسلمانی نیست که با بیماری یا جز آن مواجه شود که سبب اذیت و آزار وی می‌گردد مگر اینکه خداوند او را از گناهانش پاک می‌کند همانند درخت که برگ‌هایش را می‌ریزد.)** متفق علیه
- **جویای احوالش شویم اگر نیاز به چیزی یا کمک دارد.**
- **خیلی نزد بیمار ننشینیم و اگر دیدیم بیمار درد می کشد یا معذب است از نزدش برویم تا استراحت کند.**

فصل چهارم : عبادات

دانش آموز در این فصل ارکان اسلام را به روش خیلی ساده یاد خواهدگرفت.

نیت

قال رسول الله صلی‌الله علیه‌وسلم: (إِنَّمَا الأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ) صحیح بخاری

رسول الله ﷺ فرمودند : (همانا اعمال به نیت ها وابسته است)

معنی نیت؟ قصد و اراده انجام کار است.

معنی حدیث : یعنی عبادت و بندگی باید همراه با نیت خالصانه جهت تقرب به الله و با روشی باشد که الله به آن امر نموده اند.

مثال : کسی که از روی عادت با دست راست و بدون نیت تقرب به الله متعال آب می نوشد؛ اجر و پاداشی ندارد، اما کسی که با دست راست و با نیت اجرای سنت و تقرب به الله آب می نوشد؛ اجر و پاداش دارد. و همچنین است سایر عبادات (نیت فرق بین عادت و عبادت است).

نکته : از خطاهای شایع این است که شخص با زبان بگوید: "نویت کذا" (یعنی نیت می کنم برای ......)

وضوء

قال رسول الله صلی الله علیه وسلم : (الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ) صحیح مسلم

رسول الله ﷺ فرمودند : (پاکی و طهارت نصف ایمان است.)

چگونگی روش وضوء :

1. «بسم الله» **می گویم.**
2. **سه مرتبه دست هایم را تا مچ می شویم.**
3. **آب را در کف دست راست می ریزم و نصفش را در دهان مضمضه می کنم و نصف دیگر در بینی استنشاق می کنم و این کار را سه مرتبه انجام می دهم.**
4. **سه مرتبه صورتم را می شویم.**
5. **سه مرتبه دست راستم را از سر انگشتان تا بالای آرنج می شویم.**
6. **سه مرتبه دست چپم را از سر انگشتان تا بالای آرنج می شویم.**
7. **دستهایم را خیس می کنم و یک مرتبه کل سرم را مسح می کنم.**
8. **یک مرتبه گوش هایم را مسح می کنم.**
9. **سه مرتبه پای راست از سر انگشتان تا بالای کعب می شویم.**
10. **سه مرتبه پای چپ از سر انگشتان تا بالای کعب می شویم.**
11. **در پایان وضو می گویم :** « أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ الله وَحْدَهُ لاَ شَرِيکَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللهم اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ» صحیح ترمذی

نماز

اوقات نماز :

نماز بعد از شهادتین بزرگترین فرائض است و نماز های فرض پنجگانه عبارتند از :



۱. نماز صبح: زمانش از طلوع فجر صادق تا طلوع خورشید است.

۲. نماز ظهر: از زوال خورشید تا اینکه سایه هرچیز به اندازه اش شود.

۳. نماز عصر : از پایان وقت ظهر تا غروب خورشید.

۴. نماز مغرب: از غروب خورشید تا پنهان شدن سرخی نور خورشید در مغرب.

۵. نماز عشاء: از پنهان شدن سرخی نور خورشید تا نصف شب.

روز جمعه مردان نماز ظهر نمی خوانند بلکه نماز جمعه می خوانند و زنان نماز ظهر را در خانه می خوانند و می توانند به مسجد بروند و مثل مردان نماز جمعه بخوانند.

روش نماز:

۱. رو به قبله(کعبه) می کنم.

۲. دو دستم را به موازات شانه بالا می برم و می گویم : «الله أکبر».

۳. دو دستم را روی سینه می گذارم و با دست راست، دست چپم را می گیرم.

۴. دعای استفتاح می خوانم : «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا، وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي، وَنُسُكِي، وَمَحْيَايَ، وَمَمَاتِي لله رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ» صحیح مسلم

۵. سوره فاتحه می خوانم و آمین می گویم.

۶. سوره یا آیه ای از قرآن می خوانم.

۷. دو دستم را به موازات شانه بالا می برم و می گویم: «الله أکبر»، سپس اینگونه به رکوع می روم، خم می شوم و دو دستم را بر دو زانوهایم می گذارم.

۸. سه مرتبه می گویم :«سبحان ربی العظیم»

۹. درحال بالا آمدن از رکوع «سمع الله لمن حمده» می گویم و دو دستم را تا موازات شانه بالا می برم و می ایستم و می گویم : «ربنا ولک الحمد»

۱۰. در حال رفتن به سجده «الله أکبر» می گویم و دو دستم را قبل از زانوهایم به زمین می گذارم.

۱۱. در سجده سه مرتبه می گویم : «سبحان ربی الأعلی».

۱۲. «الله أکبر» می گویم و بین دو سجده می نشینم.

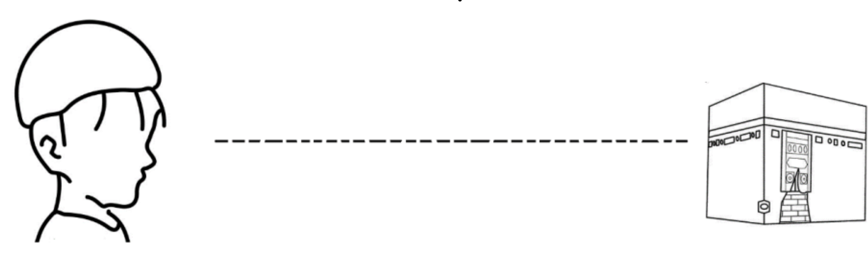
۱۳. بین دو سجده می گویم: «ربِّ اغفر لی، ربِّ اغفر لی».

۱۴. سپس سجده دوم را انجام می دهم.

{{{اینچنین رکعت اول تمام می شود}}}

روش نماز با تصویر :

۱. **رو به قبله (کعبه) می کنم.**

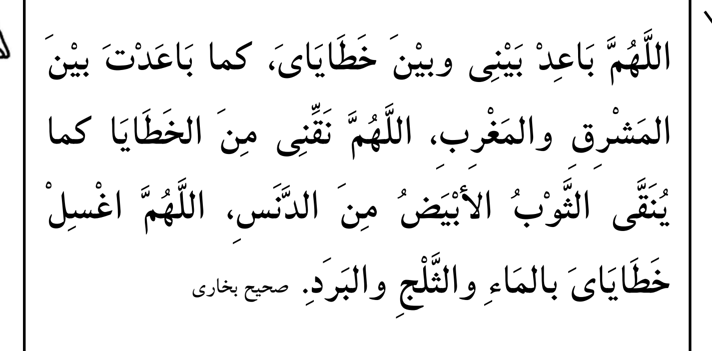


۲. **دو دستم را به موازات شانه بالا می برم و می گویم : «الله أکبر».**



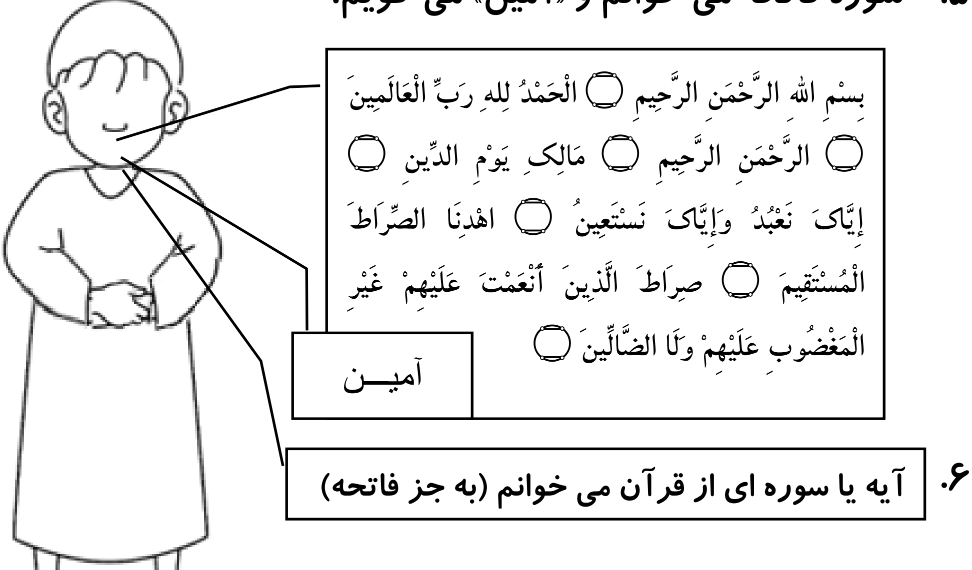
۳. **دو دستم را روی سینه می گذارم و با دست راست، دست چپ را می گیرم.**

۴. **دعای استفتاح می خوانم.** (دعاهای استفتاح زیادی از رسول الله روایت شده است)



اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وبيْنَ خَطَايَايَ، كما بَاعَدْتَ بيْنَ المَشْرِقِ والمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنَ الخَطَايَا كما يُنَقَّى الثَّوْبُ الأبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْ خَطَايَايَ بالمَاءِ والثَّلْجِ والبَرَدِ. صحيح بخارى

۵. سوره فاتحه می خوانم و «آمین» می گویم.



۶. آیه یا سوره ای از قرآن می خوانم (به جز فاتحه)



۷. دو دستم را به موازات شانه بالا می برم و می گویم: «الله أکبر»، سپس اینگونه به رکوع می روم، خم می شوم و دو دستم را بر دو زانوهایم می گذارم.

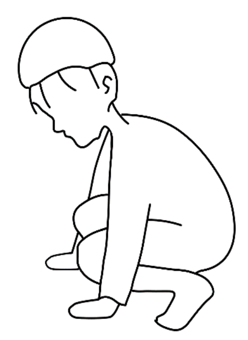
۸. سه مرتبه «سبحان ربی العظیم» می گویم.





۹.   درحال بالا آمدن از رکوع «سمع الله لمن حمده»
می گویم و دو دستم را تا موازات شانه بالامی برم و
می ایستم و می گویم : «ربنا ولک الحمد»





۱۰. در حال رفتن به سجده «الله أکبر»
می گویم و دو دستم را قبل از زانوهایم به زمین می گذارم.

۱۱. در سجده سه مرتبه می گویم : «سبحان ربی الأعلی».



۱۲.   «الله أکبر» می گویم و بین دو سجده می نشینم.

۱۳. بین دو سجده می گویم: «ربِّ اغفر لی، ربِّ اغفر لی».

۱۴.   سپس سجده دوم را مانند سجده اول انجام می دهم.

۱۵.   سپس برای رکعت دوم بلند می شوم و مانند رکعت اول نماز می خوانم.

تشهّد

اگر نماز سه یا چهار رکعتی بود؛ دو تشهد دارد : تشهد اولی و آخری.

تشهد اولی در آخر رکعت دوم و تشهد آخری در پایان رکعت آخر است

همچنین نماز دو رکعتی درپایان رکعت دوم تشهد آخری دارد.

تشهد اولی :



در تشهد اولی به صورت افتراش می نشینم و انگشت اشاره دست راستم را به طرف قبله بلند می کنم

افتراش : برپای چپ می نشینم و پای راستم را عمود می کنم.

سپس تشهد می خوانم : «التَّحِيَّاتُ لله وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلاَمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ الله وَبَرَكَاتُهُ، السَّلاَمُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ الله الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلَّا الله وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» متفق عليه

التَّحِيَّاتُ لِلهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلاَمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلاَمُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ الله الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

نکته : بر هفت عضو بدن سجده می کنیم : ۱. پیشانی و بینی ۲و۳. دو کف دست ۴و۵. دو زانو ۶و۷. دو پا (دقت کنیم آرنج نباید به زمین بچسبد)

تشهد آخری

به صورت تورک می نشینم و انگشت اشاره دست راستم را به طرف قبله می کنم.



تورک : بر زمین می نشینم و پای چپم را زیر پای راست قرار می دهم.

سپس تشهد می خوانم : «التَّحِيَّاتُ لله وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلاَمُ عَلَيْکَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ الله وَبَرَكَاتُهُ، السَّلاَمُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ الله الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلَّا الله وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» متفق علیه

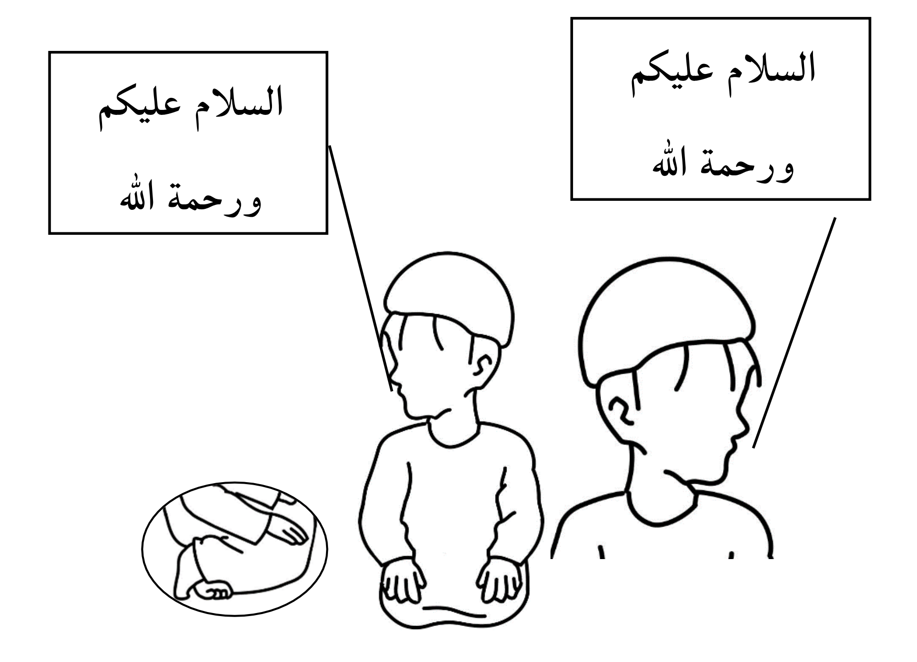
سپس صلوات ابراهیمی می خوانم :

«اللهم صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّکَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللهمَّ بَارِکْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّکَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» متفق علیه

سپس این دعا را می خوانم : «اللهم إِنِّي أَعُوذُ بِکَ مِنْ عَذَابِ القَبْرِ، وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ فِتْنَةِ المَحْيَا وَالمَمَاتِ، وَمِنْ فِتْنَةِ المَسِيحِ الدَّجَّالِ» متفق علیه

سلام نماز

وقتی به آخر نماز رسیدم؛ صورتم را به سمت راست می چرخانم و می گویم: «السلام علیکم ورحمة الله»، **سپس صورتم را به سمت چپ می چرخانم و می گویم:** «السلام علیکم ورحمة الله».



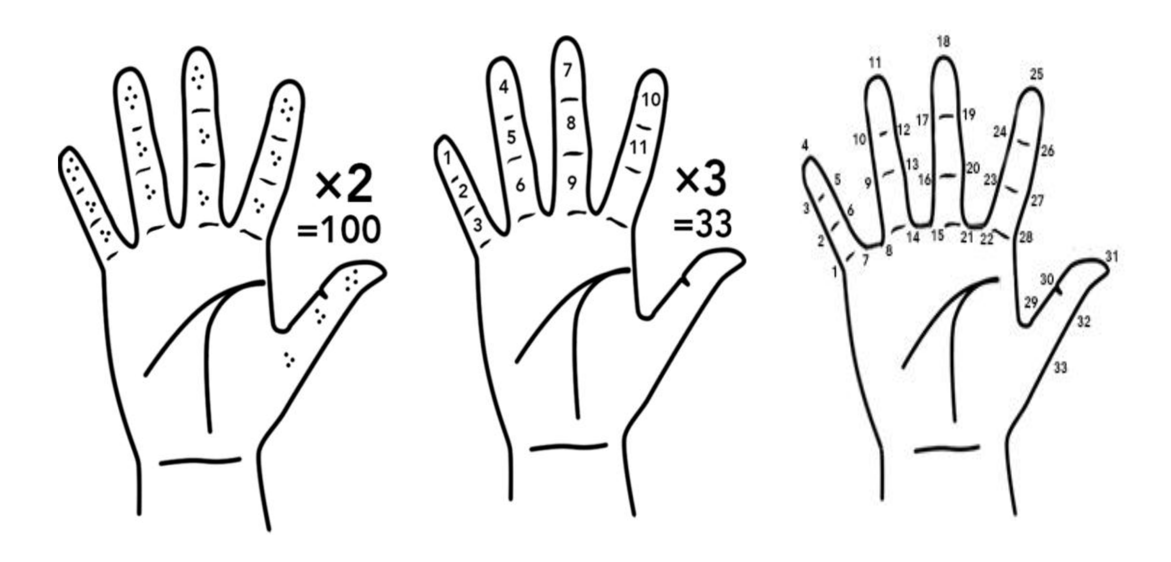
اذکار بعد از نماز

۱. **بلافاصله بعد از نماز می گویم:** (أَسْتَغْفِرُ اللهَ، أَسْتَغْفِرُ اللهَ، أَسْتَغْفِرُ اللهَ. اللهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْکَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ) رواه مسلم (۵۹۱).

۲. **و بعد ۳۳ مرتبه می گویم:** (سُبْحَانَ اللهِ، وَالحَمْدُ لِلهِ، وَاللهُ أَكْبَرُ) **و بعد می گوییم :** (لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ) متفق علیه

۳. **وسپس** آية الكرسى **می خوانم.**

سه روش آسان برای شمارش تسبیحات با دست



نماز جمعه

قال رسول الله ﷺ: (مَنْ تَرَکَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، مِنْ غَيْرِ عُذْرٍ وَلَا عِلَّةٍ، طَبَعَ الله عَلَى قَلْبِهِ) رواه مالك (٣٧٢)، وغيره.

رسول الله ﷺ فرمودند : هر کس سه نماز جمعه را بدون عذر و دلیل ترک کند الله متعال بر قلبش مهر می زند.

"طُبِعَ علی قلبه": یعنی سنگدل می شود بگونه ای که حق را از باطل تشخیص نمی دهد.

زمان نماز جمعه:

همان وقت نماز ظهر در روز جمعه می باشد و در مسجد جامع خوانده می شود و بر مردان واجب است و بر زنان واجب نیست و زنان در خانه نماز ظهر می خوانند.

مردان اگر در نماز جمعه شرکت کردند، نماز ظهر نمی خوانند و اگر نتوانستند به نماز جمعه بروند در خانه نماز ظهر را می خوانند.

روش نماز جمعه :

1. **امام بالای منبر می رود و به مردم سلام می کند.**
2. **موذن، اذان می دهد.**
3. **امام می ایستد و خطبه می خواند سپس می نشیند و خطبه دوم می خواند.**
4. **موذن ، اقامه می گوید.**
5. **دو رکعت نمار پشت سر امام می خوانیم.**

نماز های سنت راتبه

رواتب : نمازهای مستحبی که قبل و بعد از نمازهای واجب می خوانیم.

مشهورترین حدیثی که در این مورد آمده است:

قال رسول الله ﷺ: (مَنْ ثَابَرَ عَلَى ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً مِنَ السُّنَّةِ بَنَى اللهُ لَهُ بَيْتًا فِي الجَنَّةِ: أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الظُّهْرِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ العِشَاءِ، وَرَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الفَجْرِ) رواه الترمذي (٤١٤) وصححه.

رسول الله ﷺ فرمودند : هر کس بر ۱۲ رکعت نماز سنت در شبانه روز مداومت کند، خداوند برای او خانه ای در بهشت می سازد. و عبارتند از: چهار رکعت قبل از ظهر و دو رکعت بعدش، دو رکعت بعد از مغرب، دو رکعت بعد از عشاء و دو رکعت قبل از نماز فجر.

قبل	نماز	بعد
۲	صبح	
۴	ظهر	۲
	عصر	
	مغرب	۲
	عشاء	۲

سنّت بعد از نمازجمعه چهار رکعت است اگر شخص در مسجد بخواند و اگر در خانه بخواند دو رکعت است.

وتر

از مهمترین نماز های سنت، نماز وتر است و رسول الله ﷺ در سفر نیز این نماز را می خواند.

و نماز وتر را می توان بعد از نماز عشاء تا قبل از نماز صبح خواند.

معنی وتر: یعنی عدد فرد مثل: ۱، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۱...

با این اوصاف رکعات نماز وتر عدد فرد است پس مسلمان می تواند یک رکعت، سه رکعات یا پنج رکعت یا هفت رکعت یا نه رکعت یا یازده رکعت بخواند بر حسب وقت و توانایی که دارد.

روش نماز وتر :

می تواند کل رکعات را پشت سر هم و با یک سلام بخواند و در رکعت آخر تشهد بخواند و در تمام رکعات بعد از سوره فاتحه، قرآن می خواند.

(روش های دیگر هم هست مثل اینکه دو رکعت دو رکعت بخواند و آخرین رکعت را تنها بخواند.)

اذان و اقامه

اذان : اعلام وقت نماز های فرض برای مردم با الفاظ مشخص.

اقامه : اعلام به نماز گزاران جهت بلند شدن به نمازفرض با الفاظ مشخص.

" هنگامیکه وقت نماز رسید، موذن با صدای بلند اذان می گوید تا اهل محله از وقت نماز با خبر شوند."

الفاظ اذان	الفاظ اقامه
اللهُ أكبرُ اللهُ أكبرُ، اللهُ أكبرُ اللهُ أكبرُ، أشهدُ أن لا إله إلا الله، أشهدُ أن لا إله إلا الله، أشهدُ أن محمداً رسولُ الله، أشهدُ أن محمداً رسولُ الله، حَيَّ على الصلاة، حَيَّ على الصلاة، حَيَّ على الفلاح، حَيَّ على الفلاح، اللهُ أكبرُ اللهُ أكبرُ، لا إله إلا الله.	اللهُ أكبرُ اللهُ أكبرُ، أشهدُ أن لا إله إلا الله، أشهدُ أنَّ محمداً رسولُ الله، حَي على الصلاة، حَيَّ على الفلاح، قد قامتِ الصَّلاةُ، قد قامتِ الصلاةُ، اللهُ أكبرُ اللهُ أكبرُ، لا إله إلا الله.

رواه أبو داود (٤٩٩)، والنسائي (٦٣٣)، وابن ماجه (٧٠٩)

البخاري (٦٠٧)، ومسلم (٣٧٨)

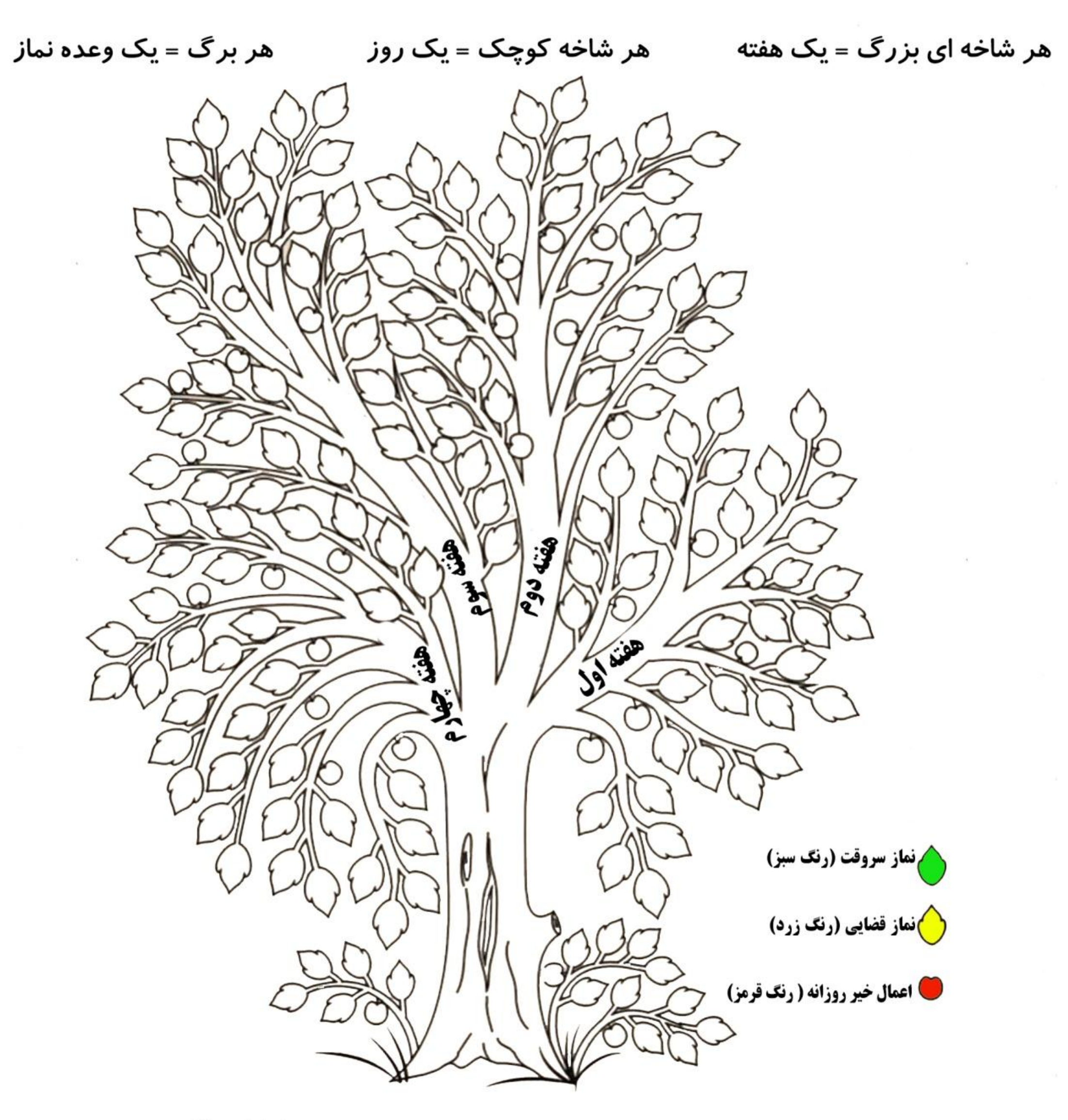
** تمرین در منزل **

اذان و اقامه را در خانه تمرین کنید و یک اذان را از اینترنت دانلود کنید و زیاد گوش دهید و همراش تکرار کنید. (مسابقه اذان برگزار شود)

درخت نمازهای ماهانه

زیر نظر خانواده پر شود

هر شاخه ای بزرگ = یک هفته　　هر شاخه کوچک = یک روز　　هر برگ = یک وعده نماز



امضای والدین : ....

زیر نظر خانواده پر شود

هر شاخه ای بزرگ = یک هفته　　هر شاخه کوچک = یک روز　　هر برگ = یک وعده نماز

هفته اول
هفته دوم
هفته سوم
هفته چهارم

نماز سروقت (رنگ سبز)
نماز قضایی (رنگ زرد)
اعمال خیر روزانه (رنگ قرمز)

امضای والدین : ....

زیر نظر خانواده پر شود

هر شاخه ای بزرگ = یک هفته　　هر شاخه کوچک = یک روز　　هر برگ = یک وعده نماز

هفته اول

هفته دوم

هفته سوم

هفته چهارم

نماز سروقت (رنگ سبز)

نماز قضایی (رنگ زرد)

اعمال خیر روزانه (رنگ قرمز)

امضای والدین : ....

زیر نظر خانواده پر شود

هر شاخه ای بزرگ = یک هفته　　هر شاخه کوچک = یک روز　　هر برگ = یک وعده نماز

هفته اول
هفته دوم
هفته سوم
هفته چهارم

نماز سروقت (رنگ سبز)
نماز قضایی (رنگ زرد)
اعمال خیر روزانه (رنگ قرمز)

امضای والدین : ....

زکات

زکات : قسمتی از مال که به فقرا می دهیم برای اینکه اموالمان را پاک کنیم و خودمان را در اخلاق نیک و کارهای شایسته رشد دهیم.

و زکات در طلا، نقره ، نقدینگی ، کشاورزی و چارپایان و تجارت می باشد.

تفاوت بین زکات و صدقه

	زکات	صدقه
مقدار	محدود و معین است.	غیر محدود است.
انواع	طلا، نقره، نقدینگی، کشاورزی، چارپایان و تجارت.	هر چیزی که نفع و سود داشته باشد.
زمان	سالی یکبار(به غیر از محصولات کشاورزی که موقع برداشت است).	زمان مشخصی ندارد، هر وقت می شود.
مستحقین	گروه هشتگانه زکات.	به هر کسی می توان داد.
کسی که ترک کند	گنهکار است.	گنهکار نیست.

تمرین در منزل (۱۹) **

۱. در جلسه بعد مقداری پول همراهت بیاور و در صندوق مسجد بریز.

۲. این کار زکات یا صدقه نامیده می شود ؟ ____________

زکات مال

شروط زکات مال :

۱. اینکه صاحب مال مسلمان باشد.

۲. نصاب: مبلغ مالی که اگر کسی کمتر از آن داشته باشد زکات بر او واجب نمی شود.

- نِصاب نقدینگی؟ نصاب پول به اندازه ۸۵ گرم طلای خالص عیار ۲۴ است.
- نصاب طلا؟ ۸۵ گرم طلای خالص یا معادل آن.
- نِصاب نقره؟ ۵۹۵ گرم نقره ی خالص یا معادل آن.

۳. یک سال بر مالکیت آن بگذرد و در مدت یکسال از حد نصاب کمتر نشود.

۴. سال بر حسب تقویم هجری قمری محاسبه می شود.

چقدر باید زکات بدهیم؟ ۲,۵٪ از کل مال

چگونه حساب کنیم؟ کل مال بر ۴۰ تقسیم می شود، یعنی یک قسمت از چهل قسمت زکات می دهیم.

** تمرین در منزل (۲۰) **

زکات اموال زیر را حساب کنید:

۴۰۰۰:　　　۵۱۰۰:　　　۶۸۰۰:　　　۷۴۰۰:

روزه

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: قال الله عز وجل: (كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ لَهُ، إِلَّا الصِّيَامَ، فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ، وَالصِّيَامُ جُنَّةٌ، وَإِذَا كَانَ يَوْمُ صَوْمِ أَحَدِكُمْ فَلاَ يَرْفُثْ وَلاَ يَصْخَبْ، فَإِنْ سَابَّهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ، فَلْيَقُلْ إِنِّي امْرُؤٌ صَائِمٌ) حديث قدسی متفق علیه

رسول الله ﷺ فرمودند الله عزوجل می فرماید: هر عملِ بنی آدم برای خودش می باشد، جز روزه که از آنِ من است و من خودم پاداش آن را می دهم. روزه سپر است (در برابر آتش دوزخ)؛ پس هرگاه یکی از شما روزه بود، نباید ناسزا بگوید یا بر کسی فریاد بزند و اگر کسی به او دشنام داد یا با او درگیر شد، در جوابش بگوید :من روزه هستم.

* جُنّة: **سپر** * یرفث: **ناسزا و حرف زشت** * یصخب: **بالا بردن صدا، جر و بحث**

روزه: مسلمان از خوردن، نوشیدن و چیزهای که روزه را باطل می کند از طلوع فجر تا غروب خورشید دست بکشد و روزه ماه رمضان واجب است.

- **بر مسلمان واجب است که در هنگام روزه با اخلاق باشد، دروغ و سخن زشت نگوید و بادیگران جر و بحث نکند و درگیر نشود.**
- **جایز نیست که مسلمان بدون عذر روزه را ترک کند چون اگر کل زندگی اش روزه بگیرد جبران آن یک روز نمی شود.**
- **فقط در دو حالت جایز است روزه رمضان را ترک کنیم و بعد باید جایگزین آن را روزه بگیریم. ۱. بیماری ۲. سفر**

روزه سنت و تطوع

تطوع یا سنت: هر چیزی که مسلمان جهت تقرب بـه الله متعـال و پـاداش بیشـتر انجام می دهد.

روزهای که مستحب است مسلمان در آن روزه بگیرد و رسول الله ﷺ بـه روزه آن تشویق نموده اند :

- **روزه روز عرفه (نهم ماه ذوالحجه)**
- **روزه روز عاشورا (دهم محرم)**
- **روزه شش روز ماه شوال**
- **روزه دو شنبه و پنج شنبه.**
- **روزه ایام بیض، ۱۳، ۱۴، ۱۵ ماه های هجری قمری.**
- **زیاد روزه گرفتن در ماه محرم و شعبان**

رسول‌الله ﷺ فرمودند : هرکس ماه رمضان را روزه بگیرد، سپس به دنبال آن شش روز از ماه شوال را روزه بگیرد؛ مانند روزه گرفتن کل سال است. صحیح مسلم

رسول‌الله ﷺ فرمودند: امیدوارم خداوند روزه ی روز عرفه را کفاره گناهانِ سال گذشته و آینده قرار دهد. صحیح مسلم

رسول‌الله ﷺ فرمودند: اعمال در روز دوشنبه و پنجشنبه - به الله متعال - عرضه می شود. لذا دوست دارم درحالی اعمالم عرضه گردد که روزه هستم. صحیح ترمذی

حج

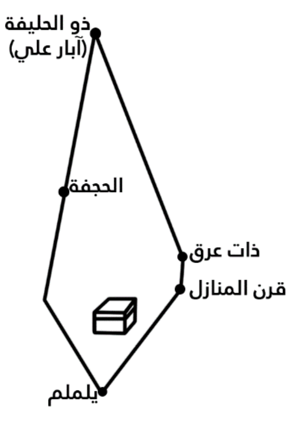
حج بر هر مسلمان توانا واجب است که یک مرتبه در عمرش انجام دهد اما کسی که قادر به انجام حج نیست گناهی بر او نیست و هرکس بیشتر از یک مرتبه حج انجام دهد پاداش و اجرش نزد الله محفوظ است.

مناسک حج در سال یک مرتبه و در ماه ذوالحجه انجام می گیرد.

مراحل حج

۱. احرام
۲. طواف قدوم.
۳. سعی بین صفا و مروه.
۴. شب ماندن در مِنی.
۵. وقوف در عرفه.
۶. شب ماندن در مزدلفه.
۷. رمی جمره عقبه کبری
۸. قربانی
۹. کوتاه کردن یا تراشیدن مو
۱۰. طواف افاضه
۱۱. رمی جمرات سه گانه
۱۲. طواف وداع

روش حج



احرام: قبل از اینکه شخص حج گذار به کعبه برسد از مکان های مخصوص(ذات عرق، قرن المنازل، ذوالحلیفه ،جحفه و یلملم) احرام می بندد.

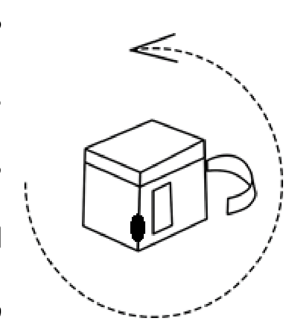
معنی احرام : شخصی که احرام بسته نباید موهایش را بتراشد یا کوتاه کند، نباید عطر و خوشبویی استفاده کند، شکار کردن و قطع درختان ممنوع است و نباید رابطه زناشویی داشته باشد.



احرام مردان : لباس دوخته شده نمی پوشند و نباید سر خود را بپوشند.

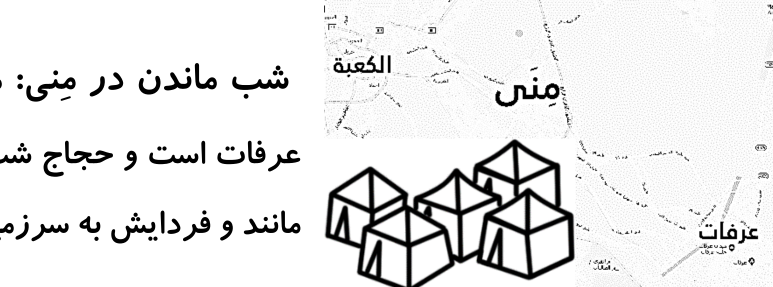
احرام زنان : زن صورتش را با روبند نمی پوشاند و اگر نیاز شد با چادر صورتش را می پوشاند و دستکش نمی پوشند و اگر نیاز شد دستش را با آستین لباسش می پوشد.

طواف قدوم: طوافی که هنگام ورود به کعبه انجام می دهند، هفت مرتبه دور کعبه می چرخد و از حجر الاسود طوافش را شروع می کند و هنگام عبور از حجر الاسود اگر امکان داشت آن را می بوسد و اگر امکان نداشت دست راستش را بلند می کند و" الله اکبر" می گوید.



سعی بین صفا و مروه : حجاج بعد از پایان طواف به کوه صفا می روند، (صفا و مروه دو کوه هستند در جهت شرقی کعبه).

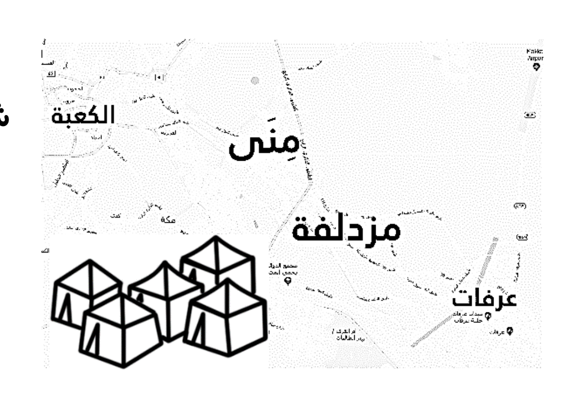
سعی: اینکه حجاج بین صفا و مروه هفت مرتبه راه بروند که از صفا شروع می شود و به مروه پایان می یابد.



شب ماندن در مِنی: مِنی بین مکه و کوه عرفات است و حجاج شب عرفه در آنجا می مانند و فردایش به سرزمین عرفه می روند.

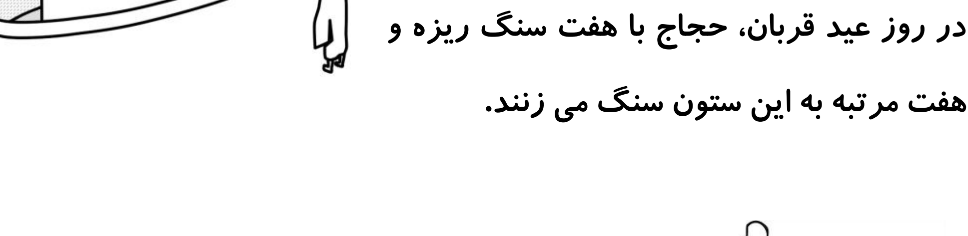
وقوف در عَرَفَه : عرفه منطقه ای در شرق مکه است، که حجاج روز نهم به آنجا می روند و در آنجا باید بمانند.

شب ماندن در مزدلفه: مزدلفه منطقه بین مکه و عرفات، و در جنوب شرقی مِنی واقع می شود که حجاج بعد از وقوف در عرفه شب را آنجا می گذرانند.

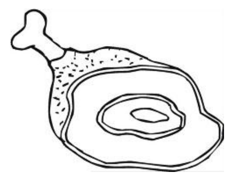


رمی جمره عقبه: در سرزمین مِنَی سه ستون بیضی شکل وجود دارد که یکی از این ستون ها عقبه نام دارد.

در روز عید قربان، حجاج با هفت سنگ ریزه و هفت مرتبه به این ستون سنگ می زنند.

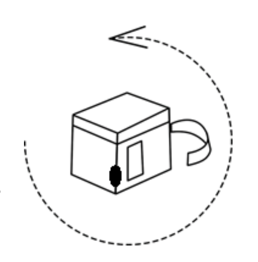


قربانی: حجاج قربانی های خود را انجام می دهند وگوشت ها بین فقرا پخش می کنند.



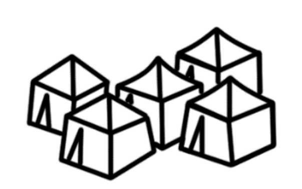
کوتاه کردن یا تراشیدن موی سر: مردان موهایشان را یا می تراشند یا کوتاه می کنند و زنان مقدار کمی از موهای خود را کوتاه می کنند.



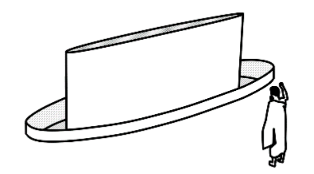


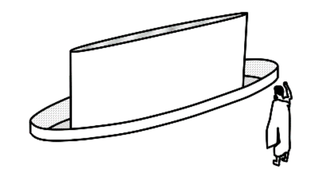
طواف افاضه : حجاج هفت مرتبه مثل طواف قدوم ، طواف می کنند.

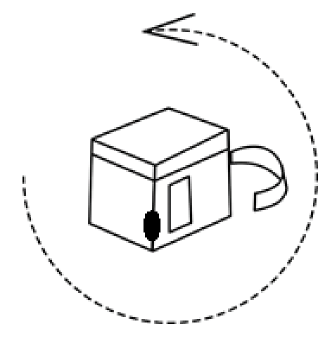
ماندن در منی و رمی جمرات سه گانه:



حجاج دوباره به منی بر می گردند و شب را در آنجا می گذرانند و تا روز سوم عید، جمرات سه گانه (جمره صغری سپس جمره وسطی سپس جمره عقبه) را سنگ می زنند و اگر خواست می تواند روز چهارم عید نیز رمی جمرات را انجام دهد.







طــــواف وداع: آخـــرین طـــوافی کـــه حجـــاج انجــام مـــی دهنــد، قبـل از اینکــه مکــه را تــرک کننـــــــد و بــــــه شهرشـــــــان برگردنـــــــد.



در این فصل دانش آموز تفسیر سوره های قصار و سوره فاتحه و آیه الکرسی را یاد می گیرد.

سورة الفاتحة

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (١) الْحَمْدُ لِلهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٢) الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٣)
مَالِکِ يَوْمِ الدِّينِ (٤) إِيَّاکَ نَعْبُدُ وَإِيَّاکَ نَسْتَعِينُ (٥) اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (٦)
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (٧)

معنی اصطلاحات : (الْعَالَمِينَ) هر چیز غیر از الله. (الصِّرَاطَ) راه. (الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ) یهود. (الضَّالِّينَ) نصارا.

معنی آیات:

(بِسْمِ اللهِ) به یاد نام الله شروع می کنم (الرَّحْمَنِ) کسی که به رحمت متصف است (الرَّحِيمِ) کسی که بندگانش را رحم می کند.

(الْحَمْدُ لِلهِ) مدح، ثناء و شکر مخصوص الله است. (رَبِّ) آفریدگار، پرورگار. (الْعَالَمِينَ) همه مخلوقات.

(الرَّحْمَنِ) به رحمت متصف است (الرَّحِيمِ) کسی که به بندگانش رحم می کند.

(مَالِکِ يَوْمِ الدِّينِ) کسی که مالک و صاحب روز قیامت است و در آن روز حکم و داوری می کند.

(إِيَّاکَ نَعْبُدُ) تنها تو را می پرستم. (وَإِيَّاکَ نَسْتَعِينُ) و تنها از تو کمک و یاری می خواهم.

(اهْدِنَا) ما را راهنمایی کن (الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) راه راست و درست.

(الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ) کسانی که به آنها نعمت دادی (پیامبران، صدیقین ، شهدا و صالحین).

(غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ) غير از کسانی که بر آنها خشم گرفتی(یهود)، چون حق را شناختند و از آن پیروی نکردند. (وَلَا الضَّالِّينَ) و نه گمراهان (نصاری)، کسانی که حق را نشناختند.

** تمرین در منزل (۲۱) **

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] کارهایمان را با بسم الله شروع می کنیم.
- [ ] سه نام از نام های الله (الله، الرّحمن، الرّحیم) در این آیه وجود دارد.
- [ ] فقط الله را می پرستیم.
- [ ] هیچ چیز مستحق عبادت نیست چون الله پروردگار همه مخلوقات است.
- [ ] اعتقاد داریم که کمک و یاری خواستن حقیقی فقط از الله است.
- [ ] به افکار ویرانگر و گروهای شک انداز توجه نمی کنم چون راهشان مستقیم و درست نیست.
- [ ] پیامبران و صالحان را دوست دارم.
- [ ] از کسانی پیروی می کنم که الله نعمت ایمان حقیقی به آنها عطا کرده است.
- [ ] هر وقت حق را شناختم از آن پیروی می کنم تا از مغضوب علیهم نباشم.
- [ ] بر ما واجب است دینمان را یاد بگیریم تا از گمراهان نباشیم.
- [ ] قبل از دعا الله متعال را حمد و ثنا می گوییم.
- [ ] تلاش برای دوری از گمراهی مهمترین کارهاست. چون الله به ما یاد داده که دعا کنیم تا از گمراهان نباشیم.
- [ ] عبادت الله یکتا از مهمترین امور است چون الله متعال در اول کتابش این را قرار داده است.

آية الكرسى

اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۲۵۵)

معنی اصطلاحات : (الْقَيُّومُ) پایدار و تدبیرگر است. (سِنَةٌ) چُرت. (بین یدیه): پیشگاهش، جلو اش (الکرسی): یکی از مخلوقات الله که از آسمانهای هفتکاه بزرگتر است و شبیه کرسی و صندلی که ما می شناسیم نیست (لایَئُودُهُ) او را درمانده و ناتوان نمی سازد.

معنی آیات : (اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ) هیچ کس مستحق عبادت نیست مگر الله (الْحَيُّ) نمی میرد (الْقَيُّومُ) جهان را مدیریت می کند (لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ) چُرت نمی زند (وَلَا نَوْمٌ) نمی خوابد(لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ) هر آنچه در آسمانها و زمین است برای الله است (مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ) در روز قیامت هیچ کس نمی تواند کسی را شفاعت کند مگر اینکه الله به او اجازه دهد. (يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ) آنچه پیش رو و آینده مردم است را می داند. (وَمَا خَلْفَهُمْ) پشت سر و گذشته آنان را می داند (وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ) هیچ چیز از علم الله را فرا چنگ نمی آورند و احاطه نمی کنند (إِلَّا بِمَا شَاءَ) مگر به آنچه الله بخواهد.

(وَسِعَ كُرْسِيُّهُ) کرسی یکی از مخلوقات الله است (السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ) کرسی آسمان ها و زمین را احاطه کرده و از آنها بزرگتر است (وَلَا يَئُودُهُ) درمانده و خسته نمی کند (حِفْظُهُمَا) نگهدار ی آسمان ها و زمین (وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ) الله بلند مرتبه و سراسر عظمت است.

** تمرین در منزل (۲۲) **

سطری از آیات که با جمله ها مرتبط است را بنویسید:

- [ ] **سه نام الله متعال(الله، العلی، العظیم) در آن وجود دارد.**
- [ ] **الله متعال نمی خوابد.**
- [ ] **الله همه چیز را می داند و هیچ چیزی از علمش پنهان نمی ماند.**
- [ ] **الله متعال خسته و ناتوان نمی شود.**
- [ ] **الله متعال نگهدار آسمان ها و زمین است.**
- [ ] **هیچ چیزی در جهان رخ نمی دهد مگر با اجاره الله.**
- [ ] **واجب است الله را بزرگ بداریم چون بلند مرتبه و با عظمت است و به هیچ کس اجازه استهزا به الله و پیامبرش و دینش را نمی دهیم.**

سورة الضحی

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَی (۱) وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَی (۲) مَا وَدَّعَکَ رَبُّکَ وَمَا قَلَی (۳) وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَکَ مِنَ الْأُولَی (۴) وَلَسَوْفَ يُعْطِيکَ رَبُّکَ فَتَرْضَی (۵) أَلَمْ يَجِدْکَ يَتِيمًا فَآوَی (۶) وَوَجَدَکَ ضَالًّا فَهَدَی (۷) وَوَجَدَکَ عَائِلًا فَأَغْنَی (۸) فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (۹) وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (۱۰) وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّکَ فَحَدِّثْ (۱۱)

معنی اصطلاحات : (الضُّحَی) روز ، وقت چاشت . (سَجَی) آرام گرفت. (قَلَی) خشم گرفت. (اليتيم): کسی که پدرش فوت شده باشد و بالغ نباشد (لاتَنهَر): بانگ مزن / توبیخ مکن.

معنی آیات : (وَالضُّحَی) سوگند به چاشت ، که همان روز است (وَاللَّيْلِ) سوگند به شب (إِذَا سَجَی) هنگامی که آرام می گیرد.الله متعال هر وقت به چیزی قسم یاد می کند ما را گوش زد می کند به چیزی که خیلی مهم است. (مَا وَدَّعَکَ رَبُّکَ) ای محمّد، پروردگارت تو را رها نکرده است (وَمَا قَلَی) و بر تو خشم نگرفته است. (وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَکَ مِنَ الْأُولَی) نعمت های بهشتی بهتر است برای تو از دنیا (وَلَسَوْفَ يُعْطِيکَ رَبُّکَ فَتَرْضَی) پروردگارت به تو روزی خواهد داد و تو خشنود می گردی. (أَلَمْ يَجِدْکَ يَتِيمًا فَآوَی) رسول الله ﷺ متولد شد در حالیکه پدرش وفات کرده بود سپس مادرش وفات یافت، الله او را تحت تکلف پدربزرگش قرار داد سپس عمویش سرپرستی او را به عهده گرفت. (وَوَجَدَکَ ضَالًّا) ایمان حقیقی و واقعی را نمی شناختی (فَهَدَی) تو را آموزش داد و به تو توفیق ایمان داد. (وَوَجَدَکَ عَائِلًا) تو را فقیر و بی چیز یافت(فَأَغْنَی) رزق و روزی به تو عطا نمود.

(فَأَمَّا الْيَتِيمَ) پس به یتیم کسی که پدرش فوت شده (فَلَا تَقْهَرْ) با یتیم بدرفتاری مکن بلکه او را گرامی بدار، همانطوریکه الله تو را گرامی داشت و تو یتیم بودی.

(وَأَمَّا السَّائِلَ) فقیر و نیازمندی که از تو درخواست می کند که چیزی به او بدهی (فَلَا تَنْهَرْ) با سخن و اخلاق تند با گدا برخورد مکن و آنچه در توان داری به او کمک کن و با او خوش رفتار باش.

(وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ) به مردم بگو و با آنها از آنچه الله به تو از هدایت و تعلیمات دینی نعمت داده، سخن بگو.

** تمرین در منزل (۲۳) **

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] الله متعال رسول الله ﷺ را دوست دارند، برما واجب است رسول الله ﷺ را دوست داشته باشیم.
- [ ] بهشت از دنیا بهتر است پس بر ما واجب است نهایت تلاش برای به دست آوردن بهشت انجام دهیم.
- [ ] الله به کسانی که دوست دارد رزق و روزی می دهد اما آنها را امتحان می کند همانطوریکه رسول الله ﷺ در اوایل زندگی یتیم و فقیر بود.
- [ ] نعمت های الله را با گناه پاسخ نمی دهیم بلکه با شکر نیکی و احسان به مردم قدر دان نعمت ها می شویم.
- [ ] به فقرا نیکی می کنیم همانطوری که الله به ما نیکی نموده است.
- [ ] باید دین را که یاد گرفتیم به دیگران آموزش دهیم.

سورة الشَّرح

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

أَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ (١) وَوَضَعْنَا عَنْکَ وِزْرَکَ (٢) الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَکَ (٣) وَرَفَعْنَا لَکَ ذِکْرَکَ (۴) فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۵) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶) فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ (٧) وَإِلَى رَبِّکَ فَارْغَبْ (٨)

معنی اصطلاحات : (الوزر) : بار سنگین/گناه. (انصَب): تلاش و کوشش کن.

معنی آیات : (أَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ) آیا دلت را برایت نگشاده ایم؟ و آنرا برایت با ایمان اطمینان و آرامش دادیم (وَوَضَعْنَا عَنْکَ وِزْرَکَ) و بار سنگین تو را از (دوش) تو بر نگرفتیم؟ گناهان و اشتباهات تو را آمرزیدیم .(الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَکَ) همان باری که پشت تو را سنگین کرده وفکر آن تو را خسته و پشیمان نموده و این غم مانند سنگی بر دوش توست. (وَرَفَعْنَا لَکَ ذِکْرَکَ) و آوازه ات را برایت بلند گرداندیم. تو را در بین مردم نیک نام قرار دادیم. مانند صلواتی که مردم می فرستند و جمله اشهد ان محمدا رسول الله که موذنان در اذان می گویند. (فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا) پس بی گمان در کنار دشواری آسانی است. هرگاه به انسان سختی و تنگی در زندگی رخ دهد الله سبحانه وتعالی آن را آسان می کند. (إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا) تأکید آیه سابق است.(فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ) پس هنگامی که فراغت یافتی، بکوش. هرگاه وقت فراغتی پیدا کری صرف عبادت کن. (وَإِلَى رَبِّکَ فَارْغَبْ) و بسوی پروردگارت روی آور. و با دعا و تلاوت قرآن و بندگی به الله نزدیک شو.

نکته: همیشه فکر کنیم چگونه در هر مکان و زمان خودمان را به الله نزدیک کنیم.پس نیتمان را در هر کاری جهت تقرب به الله قرار هیم مثلا :

- هر گاه ازپدر و مادرمان اطاعت می کنیم با نیت تقرب به الله باشد که به ما دستور داده است به والدین نیکی کنید.
- زود بخوابیم و نیت داشته باشیم تا برای نماز صبح بیدار شویم، این زود خوابیدن با نیت بیدار شدن به نماز پاداش دارد.

** تمرین در منزل (۲۴) **

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] هر گاه انسان خودش را به ایمان آراسته کند، قلبش آرامش می یابد.
- [ ] پشیمانی از گناهان سبب مغفرت و آمرزش می شود.
- [ ] بر مشکلات و سختی ها اندوهگین نمی شویم چون ایمان داریم که گشایش کارها نزد الله است برای همین به الله پناه می بریم.
- [ ] اوقات فراغتمان را بیهوده پر نکنیم بلکه با اعمال صالح و عبادت جهت تقرب به الله سپری کنیم.

مثلا:

هرگاه درس می خوانیم با این نیت باشد که وقتی مدرک گرفتیم و مسئولیتی داشتیم به مسلمانان و نیازمندان کمک کنیم.

هرگاه بازی می کنیم و غذا می خوریم با این نیت باشد که قوی باشیم تا بتوانیم الله را عبادت کنیم و از سلامتی خود محافظت کنیم.

سورة التين

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ (١) وَطُورِ سِينِينَ (٢) وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (٣) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴) ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۶) فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ (٧) أَلَيْسَ اللهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ (٨)

معنی اصطلاحات : (الطور): کوه. (سِينِينَ) اسم کوهی. (مَمْنُونٍ) قطع شدنی، گسیختنی.

معنی آیات : (وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ) الله متعال به انجیر و زیتون که آفریده سوگند یاد می کند و هیچ کس نمی تواند مانند این دو را با سادگی و کوچکی که دارند، بیافریند (وَطُورِ سِينِينَ) سوگند به کوه سینا مکانی که الله با موسی ﷺ سخن گفت. (وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) و سوگند به شهر امین یعنی مکه مکرّمه که همه موجودات در آن امنیت و آسایش دارند.

(لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ) ما انسان را در بهترین شکل و زیباترین سیما آفریدیم. (ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ) آنگاه او را فروتر از فروماندگان قرار دادیم. زمانیکه انسان بزرگ می شود جسمش ضعیف می گردد و بدنش به انواع بیماری ها مبتلا می شودو اگر از سلامتی اش در راستای عبادت و بندگی الله استفاده نکند قطعا پشیمان می شود و در آخرت از زمره زیانکاران می گردد.

(إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند. (فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ) پس الله متعال پاداش پایان ناپذیری به آنها می دهد. پاداش اعمال صالحی که در جوانی انجام می داده اند را برای آنها می نویسد هر چند که الان قادر به انجام آن نیستند. (فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ) پس چه چیزی تو را بر آن می دارد که روز سزا را دروغ پنداری؟ (أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ) مگر الله فرمانرواترین فرمانروایان نمی باشد!. چگونه بندگانش را بدون حساب و کتاب عادلانه رها خواهد نمود!

** تمرین در منزل (۲۵) **

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] حتی مخلوقات کوچک ما را به عظمت الله رهنمود می کنند. چون هیچ کس قادر نیست مثل این ها را بیافریند.
- [ ] مکه سرزمین ایمن است، پس انسان نباید امنیت را در آنجا به هم بزند.
- [ ] انسان از جوانی و سلامتی اش در طاعت و بندگی استفاده کند قبل از اینکه بیمار و پیر شود.
- [ ] الله بی نهایت کَرَم و لطف دارد در زمانیکه بیمار و ناتوان می شویم پاداش اعمالی که در جوانی و سلامتی انجام می دادیم را به ما می دهد.
- [ ] در روز قیامت الله بین بندگانش عادلانه داوری می کند هر کس در دنیا کیفر و عقوبت نشد در روز قیامت محاسبه می گردد، به همین دلیل درست نیست بگوییم: چرا الله انسان های بد را عقوبت نمی کند؟ چون می دانیم آنها را در آخرت عقوبت می دهد.

سورة العلق

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) اقْرَأْ وَرَبُّکَ الْأَکْرَمُ (۳) الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ یَعْلَمْ (۵) کَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَیَطْغَى (۶) أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَى (۷) إِنَّ إِلَى رَبِّکَ الرُّجْعَى (۸) أَرَأَیْتَ الَّذِی یَنْهَى (۹) عَبْدًا إِذَا صَلَّى (۱۰) أَرَأَیْتَ إِنْ کَانَ عَلَى الْهُدَى (۱۱) أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى (۱۲) أَرَأَیْتَ إِنْ کَذَّبَ وَتَوَلَّى (۱۳) أَلَمْ یَعْلَمْ بِأَنَّ اللهَ یَرَى (۱۴) کَلَّا لَئِنْ لَمْ یَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِیَةِ (۱۵) نَاصِیَةٍ کَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (۱۶) فَلْیَدْعُ نَادِیَهُ (۱۷) سَنَدْعُ الزَّبَانِیَةَ (۱۸) کَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ (۱۹)

معنی اصطلاحات : (عَلَق) مراحل اولیه جنین در شکم مادر. (السَفْعُ): کشیدن و زدن. (النَّاصِیَةَ) پیشانی (النادی): مجلس . (الزَّبَانِیَةَ) فرشتگان مامور جهنم.

معنی آیات : (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ) بخوان به نام پروردگارت ، قرائت قرآن را با نام الله آغاز کن. (الَّذِی خَلَقَ) آن پروردگاری که همه چیز را آفرید. (خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ) انسان را از خون بسته آفرید، انسان در شکم مادرش خون بسته است سپس الله او را به انسان کامل تبدیل می کند. (اقْرَأْ) قرآن بخوان. (وَرَبُّکَ الْأَکْرَمُ) پروردگارت گرامی است، بدان پروردگارت قرآن را به تو آموزش می دهد و فهمش را به تو عطا می کند. (الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ) پروردگاری که نوشتن با قلم را آموخت. قلم را آفرید و وسیله برای علم آموزی قرار داد.

(عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ) به انسان آنچه را نمی دانست آموخت، و علم آموزی را برای انسان آسان کرد.

(كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَى أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَى) قطعا انسان سر به طغيان برمی دارد هنگامی که خود را بی نیاز ببیند. انسانی که تقوای الله را ندارند وقتی بی نیاز، ثروتمند و قدرتمند شد سرکش و متکبر می شود و حق را نمی پذیرد. (إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى) یقینا بازگشت به سوی پروردگار توست، مردم همگی روز قیامت به سوی الله برمی گردند تا اینکه آنها را محاسبه کند؛ چگونه مردم این روز را فراموش می کنند و عمل صالح انجام نمی دهند.

(أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى ۝ عَبْدًا إِذَا صَلَّى) آیا به کسی که باز می دارد نگریسته ای؟ بنده را چون به نماز می ایستد. در مورد ابوجهل سخن می گوید وقتی دید رسول الله ﷺ کنار کعبه نماز می خواند،رفت تا او را اذیت کند، وقتی به رسول الله ﷺ نزدیک شد، گودالی پر از آتش بین خودش و رسول ﷺ الله دید، ترسید و فرار کرد. (أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى) به من بگو اگر بر هدایت می بود. آیا ابوجهل قبل از اینکه بخواهد رسول الله را از نماز بازدارد نمی فهمید که او مومن است و الله را می پرستد؟! (أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى) یا اینکه به تقوا دستور می داد، آیا نمی فهمید که رسول الله مردم را به طاعت و بندگی الله دستور می دهد؟! (أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى) به من بگو اگر تکذیب کند و روی گردان شود؟. آیا ابوجهل از رسول الله می خواهد که اسلام را تکذیب کند و آن را رها کند؟! (أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى) مگر ندانسته که الله می بیند؟ آیا ابوجهل نمی داند که الله افعال شنیع و زشت او را می بیند؟! (كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ) نه! اگر باز نیاید، پیشانیش را خواهیم کشید. اگر این کافر از اذیت رساندن به رسول الله دست نکشد او را از ناحیه پیشانی می کشیم. (نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ) پیشانی دروغگوی گنهکار. (فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ) پس باید اهل مجلسش را فراخواند. اگر این کار را بکند. (سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ) ما نیز فرشته مامور دوزخ را فرا می خوانیم. تا جلو کار آنها را بگیرند.

(كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ) هرگز از او اطاعت نکن و سجده ببر و تقرب بجو. از او نترس و نمازت را کامل بکن.

و ما مسلمانان نباید از کفار بترسیم بلکه الله را همانگونه که دستور داده باید عبادت کنیم الله حتما از ما حمایت می کند.

** تمرین در منزل (۲۶) **

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] الله همه چیز را آفریده.
- [ ] الله متعال ما را دوست دارد، اینکه علم بیاموزیم چون برای ما ابزار علم آموزی را آفریده.
- [ ] وقتی انسان مالی به دست آورد باید به یاد داشته باشد این فضل الله است و با مالش به الله نزدیک شود و متکبر نشود.
- [ ] انسان باید همیشه به یاد داشته باشد به سوی پروردگارش بر می گردد و محاسبه می شود پس عمل بد انجام ندهد.
- [ ] از بزرگترین ستم ها این است که مسلمانی را از عبادت منع کنیم.
- [ ] هر کس به الله نزدیک شود ، الله از او حمایت می کند.
- [ ] مسلمان همیشه باید مردم را به طاعت و بندگی الله دعوت دهد و دین صحیح را به مردم آموزش دهد همانطوریکه رسول الله ﷺ مردم را به تقوا دستور می داد.
- [ ] هر وقت نماز می خوانیم نیتمان باید جهت تقرب به الله باشد.
- [ ] واجب است از الله شرم کنیم چون الله ما را می بیند.

سورة القدر

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَيْلَةِ الْقَدْرِ (١) وَمَا أَدْرَاکَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (٢) لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (٣) تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴) سَلَامٌ هِیَ حَتَّی مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)

معنی آیات : (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَيْلَةِ الْقَدْرِ) الله متعال می فرماید :قرآن را در شب قدر نازل کردیم و شب قدر یکی از شب های دهگانه آخر رمضان می باشد. (وَمَا أَدْرَاکَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ) و تو چه می دانی شب قدر چیست؟ شب با عظمتی که الله اهمیتش را به ما خبر داده است. (لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ) شب قدر از هزار ماه بهتر است، یعنی از۸۳ سال برتر است. (تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا) فرشتگاه همراه روح (جبریل) در این شب نازل می شوند. (بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ) با اجازه پرودگارشان برای هر کاری، کارهایی که الله به آنها دستور داده است. (سَلَامٌ هِیَ حَتَّی مَطْلَعِ الْفَجْرِ) آن شب، شب سلامت و رحمت است تا صبح. این شب با طلوع فجر پایان می یابد.

نکته : شب قدر زمانش مشخص نیست یک سال شب ۲۵ رمضان است و سال دیگر شب دیگر از شب های دهگانه آخر رمضان، و مشهورترین اقوال این است که شب ۲۷ است و گفته شده شب ۲۹ است.

** تمرین در منزل (۲۷) **

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] شایسته نیست مسلمان این پاداش بزرگ را از دست بدهد، پس باید وقت را به عبادت سپری کند.
- [ ] ده شب پایانی رمضان نهایت تلاشش را بکند تا این شب را درک کند.
- [ ] لطف وکرم الله متعال برما این است که یک شب را برای ما بهتر از ۸۳ سال قرار داده است.
- [ ] فرشتگان خیلی زیادی در این شب به زمین می آیند.
- [ ] روح نام دیگر جبریل است.

سورة البينة

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ (١) رَسُولٌ مِنَ اللهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً (٢) فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ (٣) وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ (٤) وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ (٥) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (٦) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (٧) جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (٨)

معنی اصطلاحات: (أَهْلِ الْكِتَابِ) یهود ونصارا. (حُنَفَاءَ) کسانی که از شرک دوری می کنند. (الْبَرِيَّةِ) انسانها / مخلوقات.

معنی آیات:(لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ) اهل کتاب و مشرکان تا زمانی که حجت بر آنها نرسد به حال خود رها نمی شوند. (رَسُولٌ مِنَ اللهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً) فرستاده ای از سوی الله که صحیفه های پاک می خواند. این فرستاده محمد ﷺ رسول الله است که قرآن را برای آنها می خواند.

(فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ) در آن نوشته های راست و درست است. در قرآن احکام خیلی ارزشمندی نوشته شده است. (وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ) اهل کتاب پراکنده نشدند مگر پس از آن که برای آنان حجت آشکار رسید. اهل کتاب ایمان داشتند که الله محمد ﷺ را مبعوث می کند. اما وقتی رسول الله ﷺ مبعوث شد متفرق شدند بعضی ایمان آورند و بعضی کافر شدند. (وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللهَ) فرمان نیافتند مگر اینکه الله را عبادت کنند. محمد ﷺ آنها را دعوت داد تا الله را عبادت کنند (مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ) و عبادت را خالصانه برای الله یکتا انجام دهند. (حُنَفَاءَ) به دور از شرک (وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ) نماز بخوانند و زکات دهند و این آئین راستین است.

(إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا) به یقین کافران از میان اهل کتاب و مشرکان در آتش جهنم جاودانند. کسانی که به محمد ﷺ کفر ورزیدند چه از اهل کتاب باشند و چه از بت پرستان، الله همگی آنها را در جهنم جاویدان می کند. (أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ) آنان بدترین مخلوقاتند. چون اینان محمد ﷺ را تکذیب کردند و بدترین اشتبا و خطا که انسان مرتکب می شود همین است.

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ)کسانی که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند بهترین مخلوقات هستند. هر چند که بعضی وقت ها اشتباه کنند و مرتکب گناه شوند. (جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا) پاداششان نزد پروردگارشان باغ های بهشتی است که زیر آن رودها روان است، جاودانه در آن خواهند ماند. الله به خاطر ایمان و کارهای شایسته به آنها پاداش می دهد.

(رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ) الله از آنان راضی شد. چون آنها مومن و صالح اند. (وَرَضُوا عَنْهُ) و ایشان هم از الله خشنودند. چون الله خیر و خوبی ها و نعمت های بهشتی به آنان می دهد. (ذَلِکَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ) و این از آن کسی خواهد بود که از پروردگار خویش بهراسد. این نعمت ها برای کسانی است که در دنیا از الله هراس داشتند و از حرام ها دوری کردند اما کسانی که مرتکب گناه شدند و توبه نکردند قبل از ورود به بهشت، مستحق عقاب و عذاب می شوند.

** تمرین در منزل (۲۸) **

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] کسی که به الله و رسولش و قرآن ایمان نیاورد، از جهنمیان است.
- [ ] تعدادی از یهود ونصار به محمّد صلی‌الله علیه‌وسلم ایمان آوردند و مسلمان شدند و تعدادی هم کافر شدند.
- [ ] عبادت الله یکتا ، اصل اسلام است.
- [ ] نماز و زکات از بزرگترین شرایع اسلام است.
- [ ] این جمله که دلت صاف باشه و اسلام به دل و قلب است جمله ای اشتباه است ، اسلام هم به قلب و هم به اعمال است.
- [ ] کارهایی انجام ندهیم که الله از ما خشمگین شود بلکه کارهایی انجام می دهیم که الله خشنود شود.
- [ ] هرکس به محمد صلی‌الله علیه‌وسلم کافر شود وارد جهنم می شود.

سورة الزلزلة

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (١) وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (٢) وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (٣) يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (٤) بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا (٥) يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (٦) فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (٧) وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (٨)

معنی اصطلاحات : (الزلزلة): لرزش شدید. (أشتات): پراکنده.

معنی آیات : سوره در مورد حوادث روز قیامت صحبت می کند وقتی قیامت به وقوع می پیوندد این اتفاقات رخ می دهد.

(إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا) هنگامیکه زمین سخت به لرزه انداخته می شود. زمانی است که الله اجازه وقوع قیامت را می دهد. (وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا) و زمین بارهای سنگین خود را بیرون می افکند. با لرزش زمین تمام طلا و نقره ها از زمین بیرون می آید انسان ها همه این گنجینه ها را می بینند اما کسی به آن اعتنا نمی ورزد، دزدان و انسانهای کلاهبردار پشیمان می شوند و می گویند به خاطر این ها ما نافرمانی الله کردیم!! (وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا) انسان می گوید آن را چه شده است، و از تغیراتی که در زمین می بیند حیران و شگفت زده می شود.

(يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا) آن روز زمين از خبرهای خود سخن می گويد. و زمين گواهی و شهادت می دهد از آن كارهای كه روی آن انجام داده اند (بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا) چرا كه پروردگارت به آن حكم كرده است. (يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ) در آن روز مردم پراكنده برمی آيند تا اعمالشان به آنان نمايانده شود. در روز قيامت بعد از اينكه الله بندگانش را محاسبه می كند، مردم متفرق می شوند و به دسته هايی تقسيم می شوند و هر گروه به مكانهايی كه در جهنم و بهشت برای آنها آماده شده وارد می شوند. (فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۝ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ) پس هركس به اندازه ذره ای كار نيک كرده باشد آن را خواهد ديد و هر كس به اندازه ذره ای كار بد كرده باشد آن را خواهد ديد. هر عملی كه انسان انجام داده باشد، نتيجه آن را در آخرت خواهد ديد، يا با نعمت های بهشتی و يا با عذاب جهنم.

** تمرين در منزل (۲۹) **

شماره آياتی كه با جمله ها مرتبط است را بنويسيد.

- ☐ مومن برای بدست آوردن متاع دنيوی نبايد نافرمانی الله بكند.
- ☐ تمام مخلوقات من جمله زمين از الله فرمانبری می كنند.
- ☐ زمين می داند كه انسان ها چه كارهای بر روی آن انجام می دهند و روز قيامت همه آنها را شهادت می دهد.
- ☐ هر كاری كه انجام داديم چه بزرگ و چه كوچک ، نزد الله محاسبه خواهيم شد.

سورة العاديات

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (۱) فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (۲) فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا (۳) فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا (۴) فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا (۵) إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (۶) وَإِنَّهُ عَلَى ذَلِكَ لَشَهِيدٌ (۷) وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (۸) أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (۹) وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (۱۰) إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ (۱۱)

معنی اصطلاحات : (الضبح): صدای نفس اسب هنگام دویدن. (أوری): آتش افروزندگان. (النقع): خاک. (الکنود): ناسپاس، کفران نعمت.

معنی آیات : (وَالْعَادِيَاتِ) سوگند به اسب. الله متعال به اسب سوگند یاد می کند. (ضَبْحًا) که نفس زنان پیش می روند. این حالت را فقط اسب در بین حیوانات دارد. (فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا) سوگند به اسب هایی که جرقه می افروزند. اصطکاک نعل اسب با سنگریزه ها که جرقه بوجود می آورد. (فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا) سوگند به اسب هایی که در وقت صبح یورش می برند. و بر دشمنان می تازند.

(فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا) در آن هنگام غبار بر انگیزند. وقتی اسب با سرعت حرکت می کند پشت سرش غبار بوجود می آید. (فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا) و آن گاه به میان جمع می تازند. اسب سواران مسلمان وارد لشکر دشمن می شوند و با آنها می جنگند.

(إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ) بی گمان انسان نسبت به پروردگار خود ناسپاس است. انسان فاسد و غیر صالح، الله را به خاطر نعمت سلامتی و روزی نیکی که به او داده است شکر نمی کند به اینگونه که از الله اطاعت کند و از آنچه الله را خشمگین می کند دوری کند. (وَإِنَّهُ عَلَى ذَلِكَ لَشَهِيدٌ) و همانا خود انسان بر این گواه و شاهد است. و انسان این کوتاهی و ناسپاسی نعمت ها را می فهمد. (وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ) و او علاقه شدید به دارایی و مال دارد. و جمع آوری ثروت و مال اندوزی او را از طاعت و بندگی الله مشغول ساخته و این مال اندوزی سبب شده انسان از راههای حرام و نامشروع و با نافرمانی الله مال جمع کند. (أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ) مگر نمی داند هنگامیکه آنچه در قبور است بیرون آورده شود. روز قیامت انسان ها از قبرهایشان بیرون آورده می شوند. (وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ) و راز دل ها آشکار گردانده شود. در روز قیامت حقیقت درونی انسان آشکار می گردد. (إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ) در آن روز پروردگارشان از آنان آگاه است. الله متعال از خود انسان به حالش آگاهتر است و الله او را محاسبه می کند.

** تمرین در منزل (۳۰) **

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] اسب حیوان نجیب و گرامی است.
- [ ] اسب اگر صاحبش با او نیک رفتاری کند برای صاحبش جان می دهد و خودش را در میدان جنگ وارد می کند و همچنین انسان باید طاعت و بندگی الله را به نحو احسن انجام دهد چون الله به او نعمت های زیادی داده است.
- [ ] مسلمان باید شجاع و نترس باشد.
- [ ] زیادی حب مال انسان را از اطاعت پروردگار دور می کند و کاری می کند انسان از راه های حرام مال بدست آورد، پس باید از حب مال دوری کنیم.
- [ ] الله از آنچه در دل ماست با خبر است.
- [ ] همیشه به چیزهای خوب فکر کنیم و از فکر کردن به چیزهای بد دوری کنیم.

سورة القارعة

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

الْقَارِعَةُ (١) مَا الْقَارِعَةُ (٢) وَمَا أَدْرَاکَ مَا الْقَارِعَةُ (٣) يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۴) وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (۵) فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (۶) فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (٧) وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (٨) فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (٩) وَمَا أَدْرَاکَ مَا هِيَهْ (١٠) نَارٌ حَامِيَةٌ (١١)

معنی اصطلاحات : (الْقَارِعَةُ) از نام های روز قیامت است. (الْعِهْنِ) پشم. (الموازین): ترازو.

معنی آیات : (الْقَارِعَةُ) فروکوبنده، یکی از نام های قیامت است. (مَا الْقَارِعَةُ ◌ وَمَا أَدْرَاکَ مَا الْقَارِعَةُ) فرو کوبنده چیست؟ و تو چه می دانی فرو کوبنده چیست؟ تو در مورد این روز بزرگ چیزی نمی دانی. (يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ) روزی است که مردم همچون پروانه پراکنده خواهند بود. مردم در این روز مانند پروانها به دور نور هستند و نمی دانند کجا می روند و چه کار می کنند. (وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ) کوه ها مانند پشم رنگین حلاجی شده خواهند شد. (فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ) اما هر کس ترازوی او سنگین باشد. در روز قیامت اعمال بندگان با ترازو وزن می شود و هر کس کفه ی اعمال نیکش از کفه ی اعمال بدش سنگین تر شود. (فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ) او در زندگی رضایت بخشی به سر می برد. با خوشبختی و رضایت کامل در بهشت زندگی می کند.

(وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ) اما کسی که ترازوی او سبک باشد. (فَأُمُّهُ) مادر او . یعنی مسکن و محل اقامتش (هَاوِيَةٌ) پرتگاه دوزخ است. هاویه یکی از نام های جهنم است. (وَمَا أَدْرَاکَ مَا هِيَهْ ۝ نَارٌ حَامِيَةٌ) و تو چه می دانی آن چیست؟ آتش بزرگ و بسیار گرم و سوزان است. الله متعال صفت و ویژگی هاویه را بیان می کند.

** تمرین در منزل **

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] یکی از نام های قیامت قارعه است.
- [ ] باید اعمال صالح زیاد انجام دهیم تا کفه ی اعمال نیک ما سنگین شود.
- [ ] باید زیاد استغفار و توبه کنیم تا اینکه کفه ی اعمال بد ما سنگین نشود.

سورة التكاثر

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ (١) حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (٢) كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (٣) ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۴) كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵) لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (۶) ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (٧) ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (٨)

معنی اصطلاحات : (التکاثر) مسابقه افزون طلبی در مال و اولاد (الجحیم) آتش جهنم.

معنی آیات : (أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ) افزون طلبی شما را غافل ساخت. محبت زیادی شما به مال و فرزند شما را از طاعت الله متعال مشغول ساخت. (حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ) تا وقتی که به گورستان رسیدید. به آنها مشغول می شوید تا اینکه می میرید و داخل قبر گذاشته می شوید. (كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ) نه!خواهید دانست، باز هم خواهید دانست. در روز قیامت نتیجه این کارتان را می فهمید. (كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ) اگر به علم یقین بدانید. اگر می دانستید و می فهمیدید در قیامت چه اتفاقی خواهد افتاد. (لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ) شما قطعا جهنم را خواهید دید. (ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ) سپس آن را به دیده و چشم یقین خواهید دید. این برای کافران است. الله به آنها می فرماید: وارد جهنم خواهید شد بعد از اینکه آن را دیدید و به یقین خواهید رسید.

(ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ) سپس در آن روز از ناز و نعمت بازخواست خواهید شد. بعد از اینکه وارد جهنم شدند به آنها گفته می شود : آیا شما نعمتی در دنیا دیده اید، می گویند: نه! چون دنیا فانی بود و از بین رفت و آتش جهنم تمام لذت های دنیوی را از ذهنشان پاک کرد.

**** تمرین در منزل (۳۲) ****

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] نباید امور دنیا ما را از طاعت و بندگی مشغول بسازد.
- [ ] باید فکر کنیم به آنچه بعد از مرگ رخ می دهد.
- [ ] باید بدانیم آخرت برای کسانی که نافرمانی می کنند عذاب است و برای فرمانبرداران نعمت است.
- [ ] مومنان جهنم را می بینند و وارد آن نمی شوند تا اینکه قدر نعمت های الله را بدانند که الله به آنها توفیق ایمان دادند و آنها را از آتش جهنم نجات دادند.
- [ ] کافر با عذاب جهنم تمام لذت ها و نعمت های دنیوی از ذهنش پاک می شود.

سورة العصر

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

وَالْعَصْرِ (١) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (٢) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (٣)

معنی اصطلاحات : (خُسْرٍ) خسارت ، زیان.

معنی آیات : (وَالْعَصْرِ) سوگند به زمان. الله به عصر و زمان سوگند یاد می کنند. (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) همه انسان ها در زیانند. انسان هر چه در دنیا بدست آورد باز هم زیانکار است چون دنیا کوتاه است پس هر چه بدست بیاری از بین می رود به همین دلیل هرکسی در دنیا کسب می کند زیانکار است مگر کسی که برای آخرت کار کند. (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا) مگر کسانی که ایمان آوردند. و ایمانشان را در قلب و عمل قرار دادند. (وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) و کارهای شایسته کرده اند. اعمال و کارهایی که الله به آن دستور داده است. (وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ) و همدیگر را به حق سفارش کردند. همدیگر را به طاعت و بندگی الله و دوری از گناه و معصیت توصیه کردند. (وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ) و همدیگر را به صبر توصیه نموده اند.

همدیگر را به صبر بر ترک حرام و صبر بر انجام عبادت توصیه کردند و همچنین صبر بر اذیت و آزار مخالفین شریعت الله.

پس هر کس ایمان بیاورد و عمل صالح و شایسته انجام دهد و مردم را به پایبندی به شریعت الله نصیحت کند و خودش بر آن صبر کند، با این اوصاف زیان و خسارت نمی بیند و الله او را به بهشت وارد می کند که هر آرزویی دارد آنجا برآورده می شود.

** تمرین در منزل (۳۳) **

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] کسی که مومن نیست هر آنچه در دنیا بدست آورد، زیان و خسارت است.
- [ ] در آمد، سود و مکاسب دنیا موقت است و سود آخرت همیشگی و دائمی.
- [ ] مومن اگر از کسی خطا دید باید به روش خوب و با اخلاق زیبا نصیحتش کند.
- [ ] مومن باید برادرانش را به عبادت الله متعال فراخواند.
- [ ] اگر مومن بعضی اوقات در عبادت خسته شد باید صبر کند.
- [ ] اگر مومن چیز حرامی اشتها کرد باید آن را ترک کند و شکیبا باشد.

سورة الهمزة

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ (١) الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (٢) يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (٣) كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (۵) نَارُ اللهِ الْمُوقَدَةُ (۶) الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ (٧) إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُؤْصَدَةٌ (٨) فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (٩)

معنی اصطلاحات : (وَيْلٌ) کلمه ی تهدید است. (الهُمزۃ واللمزۃ): کسانی که در مورد دیگران به بدی صحبت می کند. (الْحُطَمَةِ) از نام های جهنم است. (مُؤْصَدَةٌ) در بسته، سرپوشیده.

معنی آیات : (وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ) وای به حال هر عیب جوی طعنه زن. الله متعال بر حذر می دارد انسانهای که در مورد مردم سخن بد می گویند. (الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ) کسی که مال جمع کرد و آن را شمارش کرد. الله در مورد آن دسته از ثروتمندان صحبت می کند که وقتی به جایی رسیدند فقرا را به چشم ندارند و آنها را مسخره می کنند. (يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ) می پندارد که مالش او را جاودانه می دارد. این ثروتمندی که به مردم بدی می کند فکر می کند همیشه در همین حالت باقی می ماند. (كَلَّا) هرگز. همیشه در این حالت باقی نمی ماند. (لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ) در حطمه انداخته می شود. (وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ) و تو چه می دانی حطمه چیست؟

(نَارُ اللهِ الْمُوقَدَةُ) آتش برافروخته ی خداست. این آتشی است که الله در آخرت بوسیله آن ظالمان را عذاب می دهد. (الَّتِی تَطَّلِعُ عَلَی الْأَفْئِدَةِ) آتشی که بر دلها مسلط و چیره می گردد. از شدت گرمایش ، حرارت به قلب کسانی داخل آن می شوند می رسد. (إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُؤْصَدَةٌ) بی گمان آن بر آنان فروبسته شده است. بعد از اینکه در آتش جهنم انداخته شدند درب جهنم، محکم بسته می شود. (فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ) در ستون های دراز. درهای جهنم بوسیله ستون ها محکم بسته شده است.

** تمرین در منزل (۳۴) **

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- ☐ جایز نیست که در مورد مردم به بدی صحبت کنیم.
- ☐ مومن در کلامش صادق است و در مورد عیوب مردم صحبت نمی کند.
- ☐ ثروتمند نباید فقرا را تحقیر کند.
- ☐ انسان باید دائما جایگاهش را در آخرت بیاد داشته باشد.
- ☐ الله متعال انتقام مظلومین را در قیامت می گیرد.

سورة الفيل

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (١) أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (٢) وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (٣) تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (۴) فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ (۵)

معنی اصطلاحات: (أبابیل) دسته دسته / گروه گروه. (سِجِّیل) سنگی که از گل ساخته می شود. (عَصْف) برگ خشک درخت / کاه.

معنی آیات: (أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ) آیا ندانسته ای پروردگارت با یاران فیل چه کار کرد. اصحاب فیل: قوم کافری در یمن بودند که فرمانده ی آنها (ابرهه حبشی) خواست کعبه را خراب کند، با سپاهیانش برای تخریب کعبه حرکت کردند و با خود فیل برده بودند تا بتوانند کعبه را منهدم کنند. (أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ) آیا نیرنگ آنان را در تباهی قرار نداد. نقشه ها و نیرنگشان را الله به خودشان برگردانده وقتی نزدیک کعبه شدند فیل ها از حرکت ایستادند. (وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ) گروه گروه پرنده بر آنان فرستاد. (تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ) به سوی آنان سنگریزه هایی از سنگ گل می ریختند. (فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ) سرانجام آنان را مانند بازمانده ی کاه جویده شده قرار داد. مانند کاهی که حیوان از آن خورده و جویده شده باشد.

** تمرین در منزل (۳۵) **

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] **جایز نیست که انسان به مساجد و مقدسات دست درازی کند.**
- [ ] **عاقبت و سرانجام ظالم هلاکت است.**
- [ ] **الله قادر است که محلوقاتش را آنگونه که می خواهد تسخیر کند.**

سورة قريش

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ (١) إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (٢) فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (٣) الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (٤)

معنى اصطلاحات : (الإيلاف): الفت دادن. (قُرَيْشٍ) قبیله رسول الله صلى الله عليه وسلم. (الْبَيْتِ) کعبه.

معنى آيات : (لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ ۝ إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ) به خاطر اُنس و الفت قریش ، به خاطر انس و الفت ایشان به کوچ زمستانه و تابستانه. الله متعال قریش را یادآوری می کنند به اینکه برای آنها میسر نموده که در سال دو سفر تجاری انجام دهند و مردم به آنها احترام بگذارند چون آنها همسایه های کعبه بودند. (فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ) پس باید پروردگار این خانه را پرستش کنند. (الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ) کسی که آنها را در گرسنگی خوراک داد و در بیمناکی و ترس امن و امان بخشید. الله دوباره به آنها نعمت دیگری یادآور می شود پس درست نیست به پروردگارشان کفر بورزند در حالیکه الله به آنها غذا و امنیت داده است.

** تمرین در منزل (۳۶) **

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] هرگاه الله به بنده اش نعمتی داد، بنده باید عبادت و بندگی را بیشتر کند.
- [ ] الله متعال کسی است که به مردم رزق و روزی می دهد.
- [ ] الله متعال کسی است که نعمت امنیت به ما داده است.

سورة الماعون

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

أَرَأَيْتَ الَّذِی یُکَذِّبُ بِالدِّینِ (۱) فَذَلِکَ الَّذِی یَدُعُّ الْیَتِیمَ (۲) وَلَا یَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْکِینِ (۳) فَوَیْلٌ لِلْمُصَلِّینَ (۴) الَّذِینَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵) الَّذِینَ هُمْ یُرَاءُونَ (۶) وَیَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

معنی اصطلاحات : (الدِّینِ) حسابِ روز قیامت (یَدُعُّ) می راند و طرد می کند. (یَحُضُّ) تشویق و ترغیب می کند. (الْمِسْکِینِ) فقیر. (سَاهُونَ) غافلان. (یُرَاءُونَ) با اعماشان خودنمایی می کنند تا مردم ببینندو آنها را مدح کنند. (الْمَاعُونَ) کمک و بخشش.

معنی آیات: (أَرَأَیْتَ الَّذِی یُکَذِّبُ بِالدِّینِ) آیا نگریسته ای به کسی که جزای اعمال را دروغ انگاشت؟ آیا کارهای کسانی که روزقیامت را باور ندارند، می دانی چیست؟! (فَذَلِکَ الَّذِی یَدُعُّ الْیَتِیمَ) پس آن شخص همان است که یتیم را از خود می راند. یتیم را با خشونت از خود می راند و به او رحم نمی کند. (وَلَا یَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْکِینِ) و بر خوراک دادن به یتیم و بینوا تشویق و ترغیب نمی کند.

(فَوَیْلٌ لِلْمُصَلِّینَ ۝ الَّذِینَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ) پس وای بر آن نمازگزاران، همان کسانی که از نماز خویش غافلند. همانطوریکه با مردم بدرفتاری می کنند و یکی از نشانه هایشان عدم باور آنها به روز قیامت بود.

همچنین اهمیت ندادن به حقوق الله و ادا نکردن نماز هم از کارهای کفار است. پس الله کسانی که از نماز غافلند و به آن اهمیت نمی دهند و آن را به تاخیر می اندازند را هشدار می دهد، پس حال کسی که نماز نمی خواند چگونه خواهد بود ؟! (الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ) آنان که خودنمایی می کنند. دوست دارند اعمال نیکشان را به مردم نشان دهند تا اینکه مردم آنها را مدح کنند، این افراد هیچ پاداشی نزد الله ندارند. (وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ) و از امانت دادن وسایل کمکی خودداری می کنند. علاوه بر اینکه مردم را به غذا دادن به فقرا تشویق نمی کنند و آنها را از زکات منع و همچنین از انفاق و امانت دادن وسایل به همدیگر منع می کنند.

**** تمرین در منزل (۳۷) ****

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] شایسته مسلمان نیست که صفات کفار را داشته باشد.
- [ ] مسلمان باید اعمالی انجام دهد که برای قیامتش سودمند باشد.
- [ ] بر ما واجب است به یتیم رحم کنیم.
- [ ] باید ثروتمندان را نصیحت کنیم تا به فقرا صدقه دهند.
- [ ] باید برادرانمان را در حد توان کمک کنیم.
- [ ] باید به نماز اهمیت دهیم و به نحو احسن نماز بخوانیم.
- [ ] زمانی که کار خوب انجام می دهیم نباید انتظار تعریف و تمجید از مردم را داشته باشیم.

سورة الکوثر

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

إِنَّا أَعْطَيْنَاکَ الْکَوْثَرَ (١) فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ (٢) إِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ (٣)

معنی اصطلاحات : (الْکَوْثَر) نام رودخانه ی در بهشت. (انْحَرْ) ذبح کن، یعنی قربانی. (شَانِئ) دشمن کینه توز. (الْأَبْتَرُ) کسی که هیچ فرزندی ندارد.

معنی آیات : یکی از کفار نسبت به رسول الله ﷺ بی ادبی کرد و رسول الله ﷺ را سرزنش می کرد که فرزند پسر ندارد که نامش را زنده کند. الله متعال فرمودند: (إِنَّا أَعْطَيْنَاکَ الْکَوْثَرَ) به راستی که ما به تو کوثر دادیم. الله متعال به محمد ﷺ رودخانه ای در بهشت عطا نمودند که روز قیامت مسلمانان از آن می نوشند و هر کس از این رودخانه بنوشد هرگز تشنه نمی شود. و بدعت گزاران و کسانی که چیزی به دین اضافه کرده اند از این نعمت رانده می شوند، و همچنین هرچند که محمد ﷺ فرزندان پسرش زنده نماندند ولی میلیون ها انسان از او پیروی می کنند. (فَصَلِّ لِرَبِّکَ) پس برای پروردگارت نماز بگذار. به خاطر این عطا و بخشش با نماز، شکر پروردگارت کن. (وَانْحَرْ) و قربانی کن. و جهت تقرب به الله قربانی کن. (إِنَّ شَانِئَکَ) همانا دشمن تو. (هُوَ الْأَبْتَرُ) ابتر و بی نام و نشان است. هیچ کس از او به خوبی یاد نمی کند در صورتیکه مسلمانان برتو و بر نسل و خاندان تو صلوات و درود می فرستند.

اللهم صلِّ علی محمد وآل محمد کما صلیت علی إبراهیم وعلی آل إبراهیم، وبارک علی محمد وعلی آل محمد کما بارکت علی إبراهیم وعلی آل إبراهیم، إنک حمید مجید

**** تمرین در منزل (۳۸) ****

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- **کوثر رودخانه ای است که الله به رسول الله ﷺ عطا نموده است.**
- **برای شکر نعمت های الله باید زیاد عبادت کنیم.**
- **الله متعال دوست دارد بنده نماز بخواند.**
- **الله متعال از رسول الله ﷺ دفاع می کند.**

سورة الكافرون

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

قُلْ يَاأَيُّهَا الْكَافِرُونَ (١) لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (٢) وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (٣) وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ (۴) وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵) لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)

معنی اصطلاحات : (الْكَافِرُونَ) کسی که مسلمان نباشد.

معنی آیات : (قُلْ يَاأَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۝ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ) بگو ای کافران، آنچه شما می پرستید نمی پرستم. الله متعال امر می کند که ما بیزاری و برائت بجوییم از آنچه کفار عبادت می کنند. و به دیگران هم بگوییم، ما به دینمان افتخار می کنیم و با دینداری احساس عزت می کنیم و از هیچ کس نمی ترسیم. (وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ) شما نیز نمی پرستید آنچه من می پرستم. شما مشرکان هم پرودگار من را نمی پرستید. (وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ) و نه من آنچه شما می پرستید، می پرستم. (وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ) و شما نیز نمی پرستید آنچه من می پرستم. اگر مسلمان نشوید هر کاری کنید نمی توانید الله را به درستی عبادت کنید. (لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ) دین شما برای خودتان و دین من برای خودم. شما کافر هستید و من مومن هستم و از شما بیزارم.

** تمرین در منزل (۳۹) **

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] کسی که مسلمان نباشد، کافر است.
- [ ] باید از عبادت غیر الله بیزاری بجوییم.
- [ ] نباید به عبادت غیر الله راضی و خشنود شویم.
- [ ] مشرکان در حقیقت الله را عبادت نمی کنند چون برای الله شریک قائلند.
- [ ] ذره ای به دین کفار نزدیک نمی شوم.
- [ ] در دینمان با هیچ کس تعارف نداریم.

سورة النصر

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللهِ وَالْفَتْحُ (١) وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللهِ أَفْوَاجًا (٢) فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (٣)

معنی اصطلاحات : (الْفَتْحُ) فتح مکه، مکه زیر نظر مسلمانان قرار گرفت. (أَفْوَاجًا) گروه ها. (التسبیح): منزه دانستن الله از صفات وافعال بد و زشت. (الحَمد): مدح و ثنا.

معنی آیات : (إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللهِ وَالْفَتْحُ) هنگامی که یاری و پیروزی الله فرا رسد. و مکه در اختیار مسلمانان قرار گرفت. (وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللهِ أَفْوَاجًا) مردم را ببینی که دسته دسته و گروه گروه وارد دین الله می شوند. چون آنها منتظر بودن مسلمانان پیروز شوند وقتی مسلمانان مکه را فتح کردند همگی مسلمان شدند. (فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ) پروردگارت را سپاس و ستایش کن. پس بگو سبحان الله والحمد لله یا سبحان الله وبحمده، جهت تعظیم و بزرگداشت الله به خاطر نعمتی که به تو داد. (وَاسْتَغْفِرْهُ) و از او آمرزش بخواه. از کوتاهی هایی که در عبادت الله داشتی. (إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا) بی گمان الله توبه پذیر است. و توبه کسی که صادقانه از الله آمرزش بخواهد و توبه کند را می پذیرد.

** تمرین در منزل (۴۰) **

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] **هرگاه مومن واقعی باشیم الله ما را یاری می دهد.**
- [ ] **هنگام دیدن چیزی که ما را خوشحال و شگفت زده کند می گوییم : "سبحان الله"**
- [ ] **در مقابل نعمت های الله اعمال صالح انجام دهیم.**
- [ ] **در هر زمان از الله متعال آمرزش می خواهیم.**
- [ ] **الله متعال توبه کسانی که از کارهایشان پشیمان شدند و توبه کنند را می پذیرد.**
- [ ] **بعضی از مردم توبه را به خاطر دلبستگی به دنیا به تاخیر می اندازند و می گویند وقتی پیر شدیم توبه می کنیم. اما شاید قبل از اینکه توبه کنند، بمیرند.**

سورة المسد

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

تَبَّتْ يَدَا أَبِی لَهَبٍ وَتَبَّ (١) مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (٢) سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (٣) وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴) فِی جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ (۵)

معنی اصطلاحات : (تَبَّتْ) هلاک شد، نابود گردید. (أبو لهب): لقب اولین کسی که رسول الله ﷺ. را تکذیب نمود و ابو لهب عموی رسول الله ﷺ بود. (الجِید): گردن. (يَصْلَى) بریان می شود. (مَسَدٍ) ریسمان محکم.

معنی آیات : (تَبَّتْ يَدَا أَبِی لَهَبٍ وَتَبَّ) شکسته باد دو دست ابولهب و خودش هلاک باد. (مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ) دارائی هایش سودی به او نمی رساند. ثروتی که جمع کرده نمی تواند عذاب الله را از او دور کند. (وَمَا كَسَبَ) و آنچه بدست آورده است . یعنی فرزندانش نیز نفعی به او نمی رسانند. (سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ) به آتش شعله ور در خواهد آمد. سوخته می شود و با آتش سوزان بریان می گردد. (وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ) و زنش هیزم کش است. زنش که خوار ها را حمل می کرد تا مسیر رسول الله ﷺ را ببندد. (فِی جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ) در گردن او طنابی از لیف خرماست. همراه همسرش وارد آتش می شود، همانطوریکه در دنیا با طناب هیزم حمل می کرد، الله در آتش طنابی محکم تر جهت خواری و ذلتش به گردن او خواهد گماشت.

**** تمرین در منزل (۴۱) ****

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] **کسب و کارهای دنیوی بدون تقوای الله سودی ندارد.**
- [ ] **الله متعال هر کسی به رسول الله ﷺ بدی کند را عذاب می دهد.**
- [ ] **عذاب آخرت از جنس اعمالی است که در دنیا انجام می شود.**

سورة الإخلاص

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ (۱) اللهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳)

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

معنی اصطلاحات: (اللهُ أَحَدٌ) یگانه است. (الصَّمَدُ) کسی که مردم موقع نیاز به او پناه می برند. (كُفُوًا) همانند و همتا.

معنی آیات: (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ) بگو الله یگانه یکتا است. واجب است اقرار کنیم الله یکتاست و دومی ندارد. (اللهُ الصَّمَدُ) الله بی نیاز است. الله کسی است که موقع نیازهایمان به او پناه می بریم و هیچ کس غیر از الله را فرانمی خوانیم و صدا نمی زنیم و در موقع سختی ها عباراتی مثل «یا محمد»، «یا حسین» ، «یا أولیاء الله» نمی گوییم، بلکه می گوییم «یا رب» ، «یا الله». (لَمْ يَلِدْ) نه زاده. هیچ فرزندی ندارد. (وَلَمْ يُولَدْ) و نه زاده شده است. پدر و مادر ندارد. (وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ) و کسی همتا و همگون او نمی باشد. هیچ کس در صفات مثل الله نیست و هیچ کس به قدر و منزلت الله نمی رسد.

** تمرین در منزل (۴۲) **

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] **الله یکتا است و هیچ معبودی به حق جز او وجود ندارد.**
- [ ] **سخن کسی که می گوید عیسی ﷺ پسر الله است باطل است.**
- [ ] **الله نباید به هیچ یک از مخلوقاتش تشبیه شود.**
- [ ] **دعاء از غیر الله متعال جایز نیست.**
- [ ] **الله متعال بوده است بدون اینکه کسی او را به وجود بیاورد و هیچ کس غیر از الله نبوده است.**
- [ ] **جایز نیست کسی را مانند الله بزرگ بداریم.**
- [ ] **سخن هیچ کس را بر سخن الله مقدم نمی داریم.**

سورة الفلق

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲) وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳) وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴) وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

معنی اصطلاحات : (أَعُوذُ) پناه می برم/ متوسل می شوم. (الْفَلَقِ) صبح. (غَاسِقٍ) شب. (وَقَبَ) فرا پوشید، تاریک شد. (النَفْثُ): دمیدن همراه با مقداری آب دهان. (حَاسِدٍ) کسی که آرزوی از بین رفتن نعمت دیگران دارد.

معنی آیات : (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) بگو پناه می برم به پروردگار سپیده دم. پروردگاری که روز را بعد از شب آفرید. (مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ) از شر هر آنچه آفریده است. تمام مخلوقاتش (وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ) از شر شب تاریک چون فروپوشاند. از تاریکی شب و خروج حشرات و حیوانات موذی و شدت گرفتن بیماری در شب و دزدان تاریکی و غیره. (وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ) و از شر زنانی که در گره می دمند. زنان ساحری که در طناب و ریسمان گره زده می دمند و این از کارهای ساحران است. (وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ) و از شر حسود بدانگاه که حسد می ورزد. از شر کسی که دوست دارد نعمت های که الله به من داده از بین برود.

**** تمرین در منزل (۴۳) ****

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- ☐ **همیشه به الله پناه می بریم تا از ما حمایت کند و بدی ها را از ما دور سازد.**
- ☐ **سحر در دین ما ممنوع است و ساحران بدترین افراد هستند.**
- ☐ **جایز نیست آرزوی از بین رفتن نعمت کسی بکنیم.**
- ☐ **در مورد نعمت های که الله به ما داده است با کسی صحبت نمی کنیم تا کسی به ما حسودی نکند.**
- ☐ **مؤمن خیرخواه برادرانش می باشد.**
- ☐ **در شب باید احتیاط کنیم و مواظب باشیم.**

سورة الناس

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (١) مَلِكِ النَّاسِ (٢) إِلَهِ النَّاسِ (٣) مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (٤) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (٥) مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (٦)

معنی اصطلاحات : (أَعُوذُ) پناه می برم/ متوسل می شوم. (الْوَسْوَاسِ) شیطان. (الوسوسۀ) صدای پنهانی. (خَنَسَ): واپس رونده. (الْجِنَّةِ) جن.

معنی آیات : (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) بگو به پروردگار مردم پناه می برم. الله به ما یاد داده اند با گفتن: «أعوذ بالله»، چگونه به او متوسل شویم (رَبِّ النَّاسِ) آفریدگار مردم و پروردگار آنها. (مَلِکِ النَّاسِ) فرمانروای مردم. کسی که مالک و صاحب مردم است و بر آنها حکم می کند. (إِلَهِ النَّاسِ) معبود مردم. کسی که مردم او را می پرستند. (مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ) از شر وسوسه گری که واپس می رود. از شر شیطلانی که با توسل به الله فرار می کند. (الْوَسْوَاسِ) کسی که زیاد مردم را به معصیت الله دستور می دهد. (الْخَنَّاسِ) کسی که کارهایش را مخفیانه و پنهانی انجام می دهد بدون اینکه بفهمیم. (الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ) کسی که در دلهای مردم وسوسه می کند. کسی که در دل مردم پنهانی کلماتی القا می کند و آنها را به گناه و نافرمانی تشویق می کند.(مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ) از جنیان یا مردم. این شیطانی که مردم را به نافرمانی و گناه تشویق و ترغیب می کند می تواند از جنیان باشد یا از بشر

**** تمرین در منزل (۴۴) ****

شماره آیاتی که با جمله ها مرتبط است را بنویسید.

- [ ] پناه نمی برم مگر به الله متعال.
- [ ] بشری که به مردم گناه آموزش می دهد شیاطین هستند.
- [ ] عبادت غیر از الله جایز نیست.
- [ ] زمانیکه انسان به گناه فکر می کند این وسوسه شیطان است.
- [ ] هرگاه گناه به ذهن ما خطور کرد بلافاصله به الله از شر شیطان رانده شده پناه ببریم.
- [ ] هرگاه کسی ما را به کاری راهنمایی کرد که الله خشنود نمی شود آن شخص را رها کنیم و به الله پناه ببریم.

فصــل ششــم : داســتان

در این فصل داستانهایی که مناسب فهم دانش آموز باشد، آموزش داده می شود و با کمک دانش آموز از این داستان ها، نتیجه گیری می شود.

تمام داستانها از احادیث صحیح گرفته شده و در شروع داستان منابع آن ذکر شده است.

مردی که به سگ آب داد

صحیح بخاری و صحیح مسلم

رسول الله ﷺ برای اصحابش تعریف می کند که مردی در راهی می رفت، سخت تشنه شد و دنبال آب می گشت تا اینکه چاهی دید، داخل چاه رفت و آب آشامید، زمانیکه از چاه بیرون آمد تا به مسیرش ادامه دهد، ناگهان سگی را دید که از شدت تشنگی زبانش بیرون آمده و از تشنگی خاک خیس را زبان می زند. مرد با خودش گفت: این سگ هم مثل من به سختی تشنه شده، دلش به حالش سوخت و داخل چاه رفت و چیزی را پیدا نکرد تا آب داخلش کند، پس آب را درون کفشش کرد و سگ را سیراب کرد، الله متعال مزد و پاداش این عملش را داد و او را آمرزید. صحابه گفتند: یا رسول الله، آیا در کمک کردن به چارپایان پاداش داده می شویم؟ رسول الله ﷺ فرمودند: (فی کل ذات کَبِدٍ رَطْبَة أجر) : **«در (کمک به) هر جگر تازه ای (حیوانی) پاداش است» .**

نتیجه می گیریم:

- **مسلمان کارهای خیر انجام دهد حتی برای حیوانان.**
- **الله متعال نیکی به دیگران را دوست دارد و پاداش می دهد.**
- **درست نیست حیوانات را اذیت کنیم.**
- **واجب است به دیگران کمک کنیم.**
- **آب را هدر ندهیم چون به آن نیاز داریم.**

کنیزی که چوپان گوسفندان بود

صحیح بخاری

مُعَاوِيَه پسر حَكَمِ سُلَمِيِّ رضی الله عنه روايت كرده است:

معاویه پسر حکم سُلَمیّ -رضی الله عنه- کنیزی داشت که چوپانی گوسفندان می کرد، روزی برای سرکشی گوسفندانش رفت، و گرگی دید که یکی از گوسفندانش را خورده، معاویه خیلی عصبانی شد و کنیزش را زد، چون که در نگهداری گوسفندان کم کاری کرده بود. طولی نکشید معاویه از کارش پشیمان شد، و نزد رسول الله ﷺ رفت و داستان را تعریف کرد، تا حکم الله را در مورد کارش بفهمد، رسول الله ﷺ از کارش ناراحت شد، و او را سرزنش کرد و توضیح دادند که خداوند از زدن کنیز خشنود نمی شود، و اسلام به خوشرفتاری با بردگان و خدمتکاران تشویق نموده، همانطوریکه با سایر مردم باید خوشرفتار باشیم.

معاویه به رسول الله ﷺ گفت : یا رسول الله آیا کنیز را آزاد کنم؟

معاویه می خواست کنیز را در مقابل رفتارش آزاد کند، تا الله و رسول الله ﷺ را خشنود و راضی کند. رسول الله ﷺ فرمودند: او را نزد من بیاور.

وقتی کنیز را نزد رسول الله ﷺ برد، رسول الله ﷺ خواستند او را آزمایش و امتحان کنند که آیا مومن هست یا نه، به کنیز فرمودند: الله کجاست؟ کنیز گفت : در آسمان است. رسول الله ﷺ فرمودند : من کیستم؟ کنیز گفت : تو رسول الله هستی، رسول الله ﷺ به معاویه فرمودند : او را آزاد کن زیرا او مومن است.

نتیجه می گیریم:

- **مسلمان باید نسبت به خدمتکاران و ضعفا خوشرفتار باشد و هرگاه خطا کردند آنها را نزنند.**
- **مسلمان باید خشمش را کنترل کند.**
- **به اشتباهاتمان اعتراف کنیم.**
- **از علما احکام شرعی که نمی دانیم بپرسیم.**
- **هرگاه در حق دیگران خطا کردیم در مقابلش کار خوبی برایش انجام دهیم.**
- **الله در آسمان و بالای عرش هستند.**

برص (بیماری پیسی) و کچل و کور

صحیح بخاری و صحیح مسلم

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: « سه مرد در بنی اسرائیل بودند : یکی، بیماری پیسی داشت و دیگری، کچَل بود و سومی نابینا، الله خواست آنها را مورد آزمایش، قرار دهد. فرشته ای بسوی آنان فرستاد.

فرشته نزد مردی که پیسی داشت رفت و گفت: آرزویت چیست؟ گفت: رنگ پوستم زیبا گردد و از بیماری پیسی شفا پیدا کنم، فرشته، دستی بر او کشید و الله او را شفا داد، رنگ پوستش زیبا گردید.

سپس، فرشته پرسید: محبوبترین مال نزد تو چیست؟ گفت: شتر. پس به او شتری آبستن، عنایت کرد و شترش زایید و شترانش زیاد شد و با آنها تجارت کرد و توانگر و تاجر شد.

سپس، فرشته نزد مرد کَچل رفت و گفت : آرزویت چیست؟ گفت:آرزو دارم الله موی زیبا به من عطا کند،فرشته، دستی به سرش کشید. الله موهایش را رویاند. آنگاه، فرشته پرسید: کدام مال نزد تو محبوبتر است؟ گفت: گاو، الله گاوی آبستن به او عطا کرد و گاو زایید و گاوهایش زیاد شد و با آنها تجارت کرد و توانگر و تاجر شد.

سرانجام فرشته نزد فرد نابینا رفت و گفت: آرزویت چیست؟ گفت: اینکه الله چشمانم را شفا دهد تا مردم را ببینم، فرشته دستی بر چشمانش کشید و الله او را شفا داد. آنگاه، فرشته پرسید: محبوبترین مال نزد تو چیست؟

گفت: گوسفند. پس گوسفندی آبستن به او عطا کرد. و گوسفندانش زیاد شد و با آنها تجارت کرد و توانگر و تاجر شد.

فرشته بعد از مدتی نزد مرد پیسی رفت و خودش را شبیه فقرا کرد، و به مرد پیسی گفت: من فقیرم، به من شتری بده تا به عنوان سواری استفاده کنم، آن مرد، گفت: من تعهدات زیادی دارم و امکانش نیست شتر به تو بدهم. فرشته گفت: آیا تو فقیر نبودی الله تو را تاجر نمود و بیماری پیسی داشتی و الله تو را شفا داد. مرد گفت : نه این درست نیست بلکه من تاجر بودم و این اموال را از پدرم به ارث بردم. فرشته گفت: اگر دروغ می گویی، خداوند تو را به همان حال اول بر گرداند. الله اموالش را از او گرفت و به همان حالت اول بیماری پیسی اش را بر گرداند.

آنگاه، فرشته به شکل همان فرد کَچل، نزد او رفت و سخنانی را که به فرد اول گفته بود، به او نیز گفت. او هم مانند همان شخص اول، به او جواب داد. فرشته گفت: اگر دروغ می گویی، خداوند تو را به حالت اول، بر گرداند.

سر انجام، فرشته به شکل مرد نابینا نزد او رفت و گفت: مردی مسکین و فقیرم . از آن گوسفندی که الله به تو عطا کرده ،گوسفندی به من بده، آن مرد گفت : من نابینا بودم. الله، بینایی ام را به من باز گردانید و فقیر بودم الله مرا غنی ساخت. هر چقدر می خواهی، بردار.هر چه بخاطر رضای الله برداری، از تو دریغ نخواهم کرد.

فرشته گفت: من احتیاجی ندارم الله شما را مورد آزمایش، قرار داد. الله بر مردی که بیماری پیسی داشت و مردی که کچل بود خشم گرفت و از تو خشنود گردید.

نتیجه می گیریم:

- مسلمان به نعمت ها و فضل الله بر خودش اعتراف می کند.
- وقتی نیازمندی دیدیم ، نعمت های الله بر خودمان را بیاد بیاوریم و کمکش کنیم.
- مسلمان دروغ نمی گوید.
- الله ما را با نا آرامی ها و آشفتگی مانند فقر و بیماری آزمایش می کند تا ما صبر کنیم و بعضی اوقات ما را با آنچه ما را به شگفت می آورد مانند رزق و روزی و قدرت امتحان می کند، تا به دیگران کمک کنیم و از نعمتها به گونه ای استفاده کنیم تا الله خشنود شود.
- الله قادر است هر چیزی را به ما عطا کند پس زیاد دعا کنیم.
- إنکار نعمت های الله وفضلش بر بندگان از اسباب خسران و از بین رفتن نعمت هاست.

مسیح عیسی ابن مریم ﷺ

این داستان از منابع مختلفی گرفته شده که مهمترین آن کتاب الله متعال است.

مریم رضی الله عنها زن صالحی بود که به مسجد خدمت می کرد و ازدواج نکرده بود، روزی در مسجد پروردگارش را عبادت می کرد که الله جبریل را به سوی او فرستاد، وقتی مریم، جبریل را دید وحشت زده شد و ترسید، جبریل به او گفت : نترس. جبریل را الله به سوی مریم فرستاده بود و الله متعال می خواهد در شکمش فرزندی بیافریند تا نشانه ای برای مردم باشد و الله عیسی را بدون پدر آفرید.

زمانیکه مسیح ﷺ متولد شد، مریم از عملکرد مردم نسبت به خودش می ترسید، با مادرش صحبت کرد و گفت نترس و اندوهگین مباش. الله در پایین تر از تو چشمه ای قرار داده تا از آن بنوشی و این درخت نخل را تکان بده تا رطب تازه از آن بریزد.

الله به مریم دستور دادند تا با هیچ کس صحبت نکند، مسیح ﷺ در حالیکه در گهواره است با آنها صحبت خواهد کرد.

وقتی مریم وارد شهرشد مردم به او گفتند: چگونه بچه دار شدی در حالیکه مجرد هستی؟! مریم به آنها اشاره کرد که از بچه بپرسید، مردم گفتند : چگونه با او صحبت کنیم در حالیکه کودک است، در این حال عیسی ﷺ فرمود : (إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ۝ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ۝ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ۝ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا).

(هنگامی که عیسی سخن ایشان را شنید) گفت: من بنده‌ی خدایم، برای من کتاب (آسمانی انجیل) را خواهد فرستاد و مرا پیغمبر خواهد کرد۝ و مرا - در هر کجا که باشم - شخص پربرکت و سودمندی (برای مردمان) می‌نماید، و مرا به نماز خواندن و زکات دادن - تا وقتی که زنده باشم - سفارش می‌فرماید ۝ و (مرا سفارش می‌فرماید) به نیکی و نیکرفتاری در حق مادرم. و مرا (نسبت به مردم) زورگو و بدرفتار نمی‌سازد ۝ و سلام (خدا) بر من است (در سراسر زندگی،) آن روز که متولّد شده‌ام، و آن روز که می‌میرم، و آن روز که زنده و برانگیخته می‌شوم).

عیسی ﷺ بین یهودیان زندگی می کرد و مردم را به عبادت الله یکتا و پیروی از انجیل دعوت می کرد؛ و معجزاتی داشت که عبارتند از : بر کسی که بیماری پیسی داشت یا کور بود، دست می کشید و به اذن الله شفا می یافتند. گِل را به شکل پرنده می ساخت و با اجازه الله پرنده می شد، مردم این معجزات را می دیدند و می دانستند عیسی فرستاده الله است پس ایمان آوردند به آنچه آنها را به آن امر می کرد. و گروه بزرگی از یهودیان بویژه علمایشان این را بد می دانستند چون عیسی بر حق بود و اینها دین یهود را تحریف کرده بودند، از همین رو به پادشاه گفتند : عیسی دروغگوست و می خواهد پادشاهی را از تو بگیرد. با این اوصاف پادشاه دستور به قتل و کشتن عیسی ﷺ داد.

وقتی خبر به عیسی ﷺ رسید ، خودش را در مکانی پنهان کرد. پادشاه جایزه تعیین نمود برای کسی که پادشاه را از مکان عیسی ﷺ با خبر کند، یکی از پیروان عیسی که نامش یهوذا بود، طمع کرد و نفسش در مقابل مال ضعیف شد و پادشاه را از مکان عیسی با خبر ساخت.

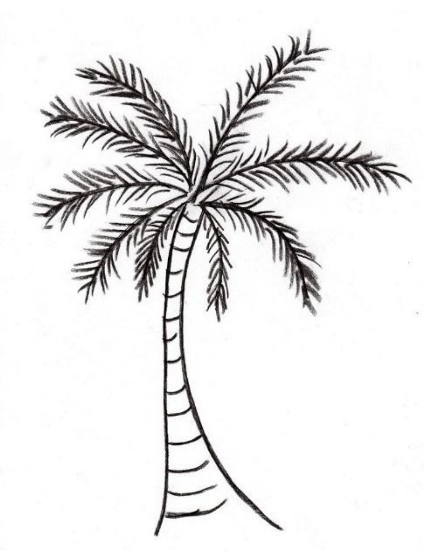
وقتی که رفتند عیسی ﷺ را دستگیر کنند، الله قبل از رسیدن آنها، عیسی را به خواب فرو برد و او را به آسمان بالا برد، سپس شخصی شبیه به عیسی را جلو آنها قرار داد، وقتی این شخص را دیدند او را به صلیب آویزان کردند تا مرد و گمان کردند که عیسی ﷺ را کشتند.

نتیجه می گیریم:

- **عیسی پسر مریم ﷺ بنده ای از بندگان الله است.**
- **مسلمانان مسیح ﷺ دوست دارند.**
- **مسیح ﷺ کشته نشد، و الان در آسمان زنده می باشد.**
- **استفاده از اسباب واجب است همراه با توکل بر الله.**
- **الله قادر و تواناست، همانطور که عیسی ﷺ را آفرید ، عیسی به اذن الله شفا می داد.**

سود معامله و تجارت ابو دحداح

مسند امام احمد



مردی نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله من می خواهم دیوار باغم را مرمت کنم، و آنجا یک نخل از فلانی وجود دارد می خواهم آنجا دیوار بکشم، به آن شخص بگو آن نخل را به من بدهد.

رسول الله ﷺ به مرد فرمودند: نخل را به او بده الله در مقابلش نخلی در بهشت به تو عطا می کند. مرد خودداری کرد، چون مال دیگری نداشت و می خواست آن را بفروشد.

وقتی ابو دحداح رضی الله عنه قضیه را شنید، مشتاق شد که نخلی در بهشت داشته باشد چون آنچه در بهشت است بهتر از کل دنیاست. ابو دحداح نزد صاحب نخل رفت وبه او گفت : نخلت را به من بفروش. مرد گفت در مقابلش چه می دهی؟ ابودحداح گفت : کل باغم را می دهم. مرد راضی شد و نخل را فروخت.

ابودحداح فوراً نزد رسول الله ﷺ رفت و گفت : من نخل را در مقابل کل باغم خریدم، باغم را دادم تا نخل را از مرد بخرم. رسول الله ﷺ به او فرمودند : نخلت را با میوهایش در بهشت خواهی گرفت.

سپس ابودحداح به طرف باغش رفت و زنش در باغ بود، خودش داخل باغ نرفت و از بیرون زنش را صدا زد : ام دحداح از باغ بیرون بیا، چون باغ را با نخلی در بهشت عوض کردم. همسرش به او گفت : ابودحداح در معامله سود کرد.

نتیجه می گیریم:

- **مسلمان باید نهایت تلاش و کوشش برای بدست آوردن بهشت، انجام دهد.**
- **مسلم شایسته تمام تلاشش را انجام می دهد تا از رسول الله ﷺ. اطاعت کند.**
- **بر مسلمان واجب است تا حد ممکن برادر را کمک کند.**
- **همسر صالح و شایسته شوهرش را به عبادت و بندگی الله تشویق می کند.**

داستان اسلام سلمان فارسی رضی الله عنه

روایت امام احمد

صحابی بزرگوار سلمان فارسی رضی الله عنه می گوید : از سرزمین فارس و اصفهان بوده است، و قومش آتش را می پرستیدند و پدرش او را بر آتش پرستی تربیت کرده بود، تا جایی که مسئول آتش شده بود و هیزم به آن اضافه می کرد تا اینکه روشن بماند.

روزی در مسیری می رفت که کلیسای نصارا را دید و صدای آنها را در حال عبادت شنید. از کنجکاوی وارد کلیسا شد تا ببیند چه کار می کنند وقتی آنها را دید به خودش گفت دین اینها از پرستش آتش بهتر است. و مشتاق شد که به دین آنها وارد شود. از آنها پرسیداین دین آغازش از کجا بوده؟ گفتند : از شام (فلسطین). پس به سمت فلسطین سفر کرد، و آنجا به جستجوی بزرگترین علمای آنها پرداخت و نزد عالم بزرگ نصارا رفت، و به او گفت : من می خواهم به این دین وارد شوم. و مشتاقم به عنوان خدمتکار نزد تو در کلیسا باشم و دین را از تو یاد بگیرم و همراهت نماز بخوانم .

سلمان را وارد کلیسا کرد، سلمان کاهن کلیسا را زیر نظر گرفت. کاهن مردم را به صدقه دستور می داد. وقتی که مردم صدقات خود را به او تحویل دادند تا اینکه بین مردم پخش کند کاهن همه را برای خودش بر می داشت، سلمان از این کارش خیلی بدش می آمد اما با این وجود نزد راهب ماند تا راهب مرد.

مردم آمدند تا او را دفن کنند، سلمان به آنها گفت : این راهب مرد بدی بود و آنها را با خبر ساخت که صدقات را برای خودش برمی داشته و به فقرا نمی داده و مردم را به محلی که صدقات، راهنمایی کردو آنجا طلا و نقره های بسیار زیادی بود، وقتی مردم اموال را دیدند گفتند: ما هرگز این راهب را دفن نمی کنیم او را به صلیب کشیدند و جسدش را سنگسار کردند، و سپس کاهن و راهب جدید آوردند، این راهب شخص امانتدار و عابدی بود، سلمان خیلی او را دوست داشت. و با او زندگی کرد تا نزدیک مرگش شد، سلمان به راهب گفت : من تو را آنقدر دوست داشتم که تا الان هیچ شخصی را اینقدر دوست نداشتم و الان مرگت نزدیک شده، چه توصیه و سفارشی برایم داری؟ راهب گفت بیشتر راهبان دین را تحریف کردند و طبق میلشان تغییر دادند، مگر شخصی که در شهر موصل عراق است، سلمان نزدش رفت و کنارش ماند. تا اینکه مرد و هنگام مرگش سلمان را وصیت کرد، به نزد راهبی در منطقه نصیبین کوچ کند، سلمان نزدش رفت و کنارش ماند تا اینکه مرد، و هنگام مرگش سلمان را وصیت کرد، به نزد راهبی در منطقه عموریه کوچ کند، بعمّوريۀ، وقتی زمان مرگش فرا رسید به سلمان رضی الله عنه گفت : فرزندم، به الله قسم یاد می کنم هیچ کسی را نمی شناسم که مستحق باشد تو را راهنمایی کنم نزدش بروی، اما در این زمان پیامبری پیرو دین ابراهیم علیه السلام در سرزمین عرب می آید و به مدینه(ویژگی های مدینه را توصیف کرد) هجرت می کند و به سلمان گفت این پیامبر علامت و نشانه هایی دارد که عبارتند از: هدیه را می خورد و صدقه را نمی خورد و بین دو کتفش مهر نبوت دارد، به سلمان گفت اگر می توانی به این شهر هجرت کن، سپس راهب مرد.

سلمان رضی الله عنه به مدینه سفر کرد، پیامبر را طبق توصیفات راهب شناخت، سلمان رضی الله عنه خرما برداشت و نزد رسول الله ﷺ رفت و به عنوان صدقه به پیامبر داد تا نگاه کند رسول الله ﷺ صدقه را قبول می کند یا نه، رسول الله ﷺ به یارانش فرمودند : شما بخوردید و خودش نخورد. این نشانه و علامت اول بود.

بعد از مدتی خرما برداشت و نزد رسول الله ﷺ رفت و به عنوان هدیه به رسول الله ﷺ داد، رسول الله ﷺ از آن خوردند و به یارانش هم دادند، این نشانه و علامت دوم بود.

رسول الله ﷺ راه می رفت که سلمان رضی الله عنه به او ملحق شد تا مهر نبوت راببیند، زمانیکه دید مطمئن شد که این پیامبر راستگو می باشد، سلمان به گریه افتاد و رسول الله ﷺ را بوسید و داستانش را برای رسول الله ﷺ بازگو کرد و ایمان آورد و از اصحاب و یاران با وفای رسول الله ﷺ شد.

نتیجه می گیریم:

- **علمای نصاری رسول الله محمد ﷺ را می شناختند.**
- **حرص و تلاش جهت جستجو و یافتن حقیقت.**
- **نعمت الله بر ما این است که بدون سختی و تلاش ما را مسلمان قرار داده است.**

اسلام مادر ابو هُریرَه

صحیح مسلم

ابو هریره رضی الله عنه روایت می کند :

مادر ابو هریره رضی الله عنه مشرک بود، و ابو هریره همیشه مادرش را به اسلام دعوت می داد اما مادرش نمی پذیرفت، روزی ابو هریره نزد مادرش رفت و او را به اسلام دعوت داد و از خوبی ها و محاسن اسلام به او گفت بازهم مادش اسلام را قبول نکرد و این دفعه کلام زشتی نسبت به رسول الله ﷺ گفت.

ابو هریره از سخن مادرش آزرده خاطر و بسیار ناراحت شد، چون هیچ مسلمانی از توهین به رسول الله ﷺ خشنود و راضی نمی شود. ابوهریره هیچ پاسخی نداد چون مادرش بود به همین دلیل از دردناک بودن این قضیه خیلی گریه کرد و نزد رسول الله ﷺ رفت و قضیه را به رسول الله ﷺ تعریف کرد، و از او خواست برای مادرش دعای هدایت کند. رسول الله ﷺ فرمودند: (اللهُمَّ اهْدِ أُمَّ أَبِى هُرَيْرَةَ) **پروردگارا مادر ابوهریره را هدایت بفرما. ابوهریره از دعای رسول الله ﷺ بسیار خوشحال و شاد شد چون می فهمید الله دعای رسول الله ﷺ را می پذیرد، شتابان نزد مادرش رفت تا او مژده دهد.**

وقتی به خانه رسید متوجه شد درب خانه قفل است و از خانه صدای آب به گوش می رسید، حقیقتا مادر ابوهریره غسل می کرد وقتی غسلش تمام شد لباس و حجابش را پوشید و درب را باز کرد و گفت : «أشهد أن لا إله إلا الله، وأن محمدًا عبده ورسوله"**، و با گفتن این جمله مسلمان شد .**

ابوهریره از شدت خوشحالی گریه می کرد، و با همین حالت نزد رسول الله ﷺ رفت تا او را با خبر سازد که الله دعایش را پذیرفته و مادرش مسلمان شده است، رسول الله ﷺ به خاطر اجابت دعایش الله را حمد وشکر گفتند.

وقتی ابوهریره مشاهده کرد الله متعال چگونه دعای رسول الله ﷺ را اجابت کرد، از رسول الله ﷺ درخواست نمود تا دعا کند، مومنان او و مادرش را دوست بدارند، رسول الله ﷺ نیز دعا نمودند به همین دلیل است هر مسلمان و مومنی وقتی نام ابوهریره را می شنود او را دوست می دارد.

ما ابوهریره رضی الله عنه را دوست داریم و ابوهریره یکی از بهترین یاران رسول الله ﷺ بودند، ابوهریره وقتش را آزاد کرده بود تا در مجالس رسول الله ﷺ شرکت کند و سخنان رسول الله ﷺ را بشنود و حفظ کند و برای مسلمانان تبلیغ کند، ابوهریره خدمات زیادی را به اسلام و مسلمانان ارائه دادند، الله به او جزای خیر دهد و ما را همراه ابوهریره و رسول الله ﷺ در بهشت گرد آورد.

نتیجه می گیریم:

- **یکی از دلایل نبوت رسول الله ﷺ ، اجابت سریع دعاهای ایشان می باشد.**
- **مومن تلاش می کند تا خانواده اش را به دستورات الهی راهنمایی کند.**
- **به مادرانمان بدی نکنیم اگر چه که سخنانی از آنها بشنویم که با مزاج ما نمی خواند بلکه برای آنها دعا کنیم.**
- **مومن از شنیدن سخنان بد نسبت به الله و رسول الله ﷺ و دین اسلام، خشنود و راضی نمی شود.**
- **اخلاق خوب و زیبای رسول ﷺ، وقتی شنید آن زن به او بد و بیراه گفته او را دعا کرد تا هدایت شود و او را نفرین نکرد.**
- **اخلاقمان را با مردم خوب کنیم و آنها را دعا کنیم.**
- **از دعا برای انجام کارهایمان کمک می خواهیم.**
- **جایز است از انسان های صالح بخواهیم برای ما دعا کنند.**
- **مومنان، ابو هریره رضی الله عنه را دوست دارند.**

کشته شدن عمر بن الخطاب رضی الله عنه

امیر المومنین، عمر بن الخطاب رضی الله عنه بهترین این امت بعد از وفات ابوبکر صدیق رضی الله عنه بود و با نهایت عدالت حکومت می کرد، به گونه ای برنامه ریزی کرده بود که هیچ فقیری در سرزمین مسلمانان نباشد .

روی الآجرّی فی «الشریعة» (۱۳۹۹)، والطبری فی تاریخه، والحاکم فی المستدرک (۴۵۱۲) عن المسور بن مخرمة، ولا أعرف لها إسنادًا صحیحًا، إلا أنها مشهورة، وأوردتها لضبط سیاق القصة.

عمر بن الخطاب رضی الله عنه روزی، در بازار با شخص کافری به نام أبو لؤلؤ که برده یکی از اصحاب بود، ملاقات کرد و از عمر خواست با سید و آقایش که یکی از اصحاب بود صحبت کند تا کار را سبک تر کند؛ عمر از ابولولو پرسید: چقدر می گیری (درآمد داری)، ابولولو گفت : دو درهم. عمر رضی الله عنه گفت : حقوق خوبی می گیری و عمر قصد داشت با سید و آقایش در مورد برده اش ابو لولو صحبت کند اما به ابولولو نگفت. ابولولو فکر کرد عمر نمی خواهد در موردش با آقایش صحبت کند، پس نسبت به عمر، کینه به دل گرفت و قصد کرد که عمر را بکشد، پس خنجری که دو طرفش تیز بود ساخت و آن را به سم آغشته کرد تا عمر رضی الله عنه را بکشد.

در صحیح بخاری از عَمْرِو بْنِ مَيْمُون روایت است :

عمر رضی الله عنه شبی برای ادای نماز به مسجد آمد و عمر نماز را امامت می کرد و ابولولو بین نمازگزاران ایستاده بود و کسی او را نشناخت چون شب و تاریک بود و در آن زمان مساجد چراغ نداشتند.

وقتی عمر جلو رفت و نماز را آغاز نمود، ابو لولو از صف جلو آمد، و سه ضربه به عمر زد، عمر رضی الله عنه فریاد زد : "سگ مرا کشت"، ابولولو کافر تلاش کرد فرار کند و در مسیرش سیزده نفر از نمازگزاران را زخمی کرد که هفت نفر آنها مردند، یکی از مسلمان تکه لباسی بر سرش انداخت و او را در آن تکه لباس پیچید. وقتی آن کافر فهمید راه فراری ندارد، خودش را کشت؛ اما عمر رضی الله عنه دست عبدالرحمن بن عوف را گرفت و او را امام نماز قرار داد تا مردم نماز را کامل کنند.

بعد از نماز عمر به ابن عباس گفت : نگاه کن چه کسی به من ضربه زد، ابن عباس پرسید و نزد عمر آمد و گفت : ابولولو به شما ضربه زد. عمر گفت : الله او را بکشد، من به سید و آقایش گفتم که کارش را کمتر کند و کمتر از او کار بکشد.

عمر رضی الله عنه را به خانه بردند، و مردم بسیار اندوهگین بودند. وقتی به خانه رسید به فرزندش عبدالله گفت: قرض و دین های من را بررسی کن و همه را پرداخت کند اگر اموال خودم کفایت نکرد جهت ادای دیونم از خانواده و خویشاوندانم بگیر.

سپس به پسرش دستور داد نزد ام المومنین عایشه رضی الله عنها همسر رسول الله ﷺ برود، و از او اجازه بگیرد تا در کنار رسول الله ﷺ دفن شود، چون رسول الله ﷺ در خانه ام المومنین عایشه دفن بود. و عایشه اجازه داد.

سپس از عمر رضی الله عنه خواستند تا خلیفه بعد از خودش را انتخاب کند و عمر شش نفر از یاران رسول الله ﷺ که به بهشت بشارت شده بودند را انتخاب کرد و از آنها خواست یکی از خودشان را به عنوان خلیفه انتخاب کنند.

و به آنها سفارش کرد، فرزندش نباید خلیفه شود هر چند فرزند عمر از علما و بزرگان صحابه بود، و عمر نمی خواست خلافت، مورثی باشد.

عمر کسی که بعدش می آید را به مراعات حقوق مسلمانان و عدالت سفارش نمودند و سپس وفات یافتند.

در صحیح بخاری، ابن عباس رضی الله عنه می گوید: مردم اطراف عمر جمع شده بودند و برایش دعا می کردند و در همین وقت علی رضی الله عنه از پشت ابن عباس آمد و دو دستش را بر دو کتف ابن عباس گذاشت و گفت : من دوست دارم الله را ملاقات کنم و اعمالم مثل اعمال تو باشد، به الله سوگند من یقین دارم الله تو را همراه دو دوستت رسول الله ﷺ و ابوبکر قرار می دهد و من از رسول الله ﷺ زیاد شنیدم که می فرمودند : من و ابوبکر و عمر رفتیم، من و ابوبکر و عمر داخل شدیم، من و ابوبکر و عمر خارج شدیم.

و ما از الله می خواهیم ما را همراه رسول الله ﷺ و وابوبکر و عمر رضی الله عنهما در بهشت گردآورد.

نتیجه می گیریم:

- فضیلت و جایگاه والای عمر در بین اصحاب رضی الله عنهم.
- عدالت ائمه بزرگوار با کفار : عمر از سید و آقای ابولولو خواست تا کمتر از او کار بکشد.
- اهتمام عمر رضی الله عنه به امورمسلمانان، در حال مرگ آنها را توصیه می کند.
- اهمیت نماز تا جاییکه عمر ضربه خورده بود اما با این حال یک نفر را امام قرار داد تا مردم نمازشان را به خاطر این اتفاق ترک نکنند.
- محبت عمر نسبت به رسول الله ﷺ تا جایکه خواست کنارش دفن شود.
- اهمیت پرداخت دیون و قرض ها.
- جایگاه عمر رضی الله عنه نزد ام المومنین عایشه که موافقت نمود تا عمر در خانه اش دفن شود.

اسلام عبد الله بن مسعود

مسند امام احمد

از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است :

ابن مسعود رضی الله عنه برای یکی از بزرگان قریش به نام عقبه بن ابی معیط گوسفند می‌چراند. روزی رسول الله ﷺ و ابو بکر صدیق رضی الله عنه از کنارش عبور کردند، رسولُ الله ﷺ از ابن مسعود مقداری شیر خواستند، ابن مسعود گفت من امانتدارم ، نباید به هیچ کس چیزی نمی دهم، رسول الله درخواست گوسفندی کردند که تا الان بچه نیاورده باشد و شیر نداشته باشد. [چنین گوسفندی ممکن نیست شیر داشته باشد]، ابن مسعود یک گوسفند آورد ، فمسح رسول الله ﷺ به پستان گوسفند دست کشید و از پستان گوسفند شیر آمد پس شیر را در ظرفی دوشید و خودش و ابوبکر از شیر نوشیدند، سپس به پستان گوسفند دستور داد تا شیر نریزد . سپس رسول الله ﷺ وأبو بکر رفتند.

این قضیه در ذهن ابن مسعود رضی الله عنه ماند، تا اینکه روزی نزد رسول الله ﷺ رفت تا از ایشان بپرسد چگونه این کار را انجام دادند.

ابن مسعود گفت: نزد رسول الله آمدم و گفتم: یا رسول الله، این قرآن را به من یاد بده ، رسول الله دستی به سرم کشید و فرمود: الله تو را رحم کند تو نوجوان معلم هستی. ابن مسعود فهمید که محمد ﷺ ، فرستاده الله است و اسلام آورد.

نتیجه می گیریم:

- **امانت واهمیت آن، کاری که ابن مسعود قبل از اسلامش انجام داد.**
- **عِلم را باید از اهل علم یاد گرفت همانطوریکه ابن مسعود نزد رسول الله** صلی الله علیه وسلم **رفت.**
- **آنچه از رسول الله** صلی الله علیه وسلم **رخ داد از معجزاتی هست که نشانه نبوت رسول الله می باشد.**

فتح و آزاد سازی قدس

تاریخ ابن کثیر

در آغاز خلافت امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه قدس در دست نصارا بود، بعد از اینکه مسلمانان در دمشق پیروز شدند و دمشق جزء سرزمین های مسلمانان گردید. فرمانده سپاه مسلمانان ابوعبیده بن جراح، نامه ای به بیت المقدس نوشت و از آنها خواست بدون جنگ، بیت المقدس را به سرزمین مسلمانان اضافه کنند. آنها جوابِ فرمانده مسلمانان را ندادند. پس ابوعبیده با سپاهش بیت المقدس را محاصره نموده وقتی فهمیدند مسلمانان آنها را محاصره کردند و بر آنان پیروز می شوند، درخواست صلح نمودند. و شرط گذاشتند که امیرالمومنین عمربن خطاب بیاید تا کلیدهای بیت المقدس را به خودش تحویل دهیم.

و قصه ای که حاکم در مستدرک روایت کرده :

عمر رضی الله عنه به همراهی ابوعبیده بن جراح به طرف قدس سفر کردند، در راه به زمینی رسیدند که در آن آب و گل بود ، عمر سوار شتر بود، از شترش پایین آمد و کفشش را بیرون آورد و به دست گرفت و زمام و افسار شتر را به دست گرفت، ابوعبیده به او ایراد گرفت و گفت این کار نکن، شاید نصارا تو را در این حال ببینند و این شایسته بزرگترین امیر دنیا در این زمان نیست. عمر رضی الله عنه اینچنین پاسخ داداند : (آه کشیدند و گفتند : ای ابوعبیده اگر کسی غیر از تو این سخن را می گفت، کاری می کردم تا عبرتی برای امت محمد صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّم باشد)

سپس عمر به او گفت : (ما قومی ذلیل و خوار بودیم که الله با اسلام به ما عزت دادند، هرگاه عزت را در غیر از الله بجوییم الله ما را ذلیل و خوار خواهد کرد.)

تاریخ ابن کثیر

عمر رضی الله عنه وارد بیت المقدس شد و کلید ها را به او تحویل دادند و در محراب مسجد تحیۀ المسجد خواند و نماز صبح را همراه مسلمانان خواند.

و در بیت المقدس، با نصارا پیمان بست که امنیت آنها را تامین کنند و کسی حق ندارد به آنها ظلم و ستم کند، و همچنین شروطی برای آنها نوشت که باید رعایت کنند : مثل اینکه به کسانی که مسلمان می شوند، اذیت و آزار نرسانند و اینکه مردم را به شرک دعوت ندهند و مشروب و خمر نفروشند.

نتیجه می گیریم:

- مسلمانان مادامیکه به دینشان پایبند باشند قدرتمند هستند.
- مسلمان باید با دینش احساس عزت کند.
- مسلمان زمانی ذلیل و خوار می شود که ظاهر نمایی کند و دنبال عزت در غیر امور دین باشد.
- مسلم تکبر نمی ورزد هر چند امیر مومنان باشد.
- مسلمانان از کسانی که در دولتشان وارد شود و هر دینی داشته باشد، محافظت می کنند.

نوجوان و ساحر

صحیح مسلم

رسول الله ﷺ فرمودند :

در میان امت های پیش از شما پادشاهی بود که ساحری داشت. وقتی ساحر پیر شد، به پادشاه گفت :من پیر شده ام؛ نوجوانی نزدم بفرست تا به او جادوگری بیاموزم. پادشاه نوجوانی نزدش فرستاد تا نزد ساحر آموزش ببیند. در مسیر نوجوان به سوی ساحر، راهبی وجود داشت؛ باری نوجوان نزد راهب رفت و به سخنانش گوش داد و به او علاقه مند شد. از آن پس، هرگاه تصمیم داشت، نزد ساحر برود، در مسیرش به راهب سر می زد و نزدش می نشست. و چون با تأخیر نزد ساحر می رفت، ساحر کتکش می زد. نوجوان از این بابت نزد راهب دردِ دل کرد. راهب به او گفت : چون از ساحر می ترسی، بگو: خانواده ام مرا معطل کردند و هنگامی که از خانواده ات ترسیدی، بگو :ساحر مرا نگه داشت. نوجوان به همین منوال عمل می کرد تا اینکه روزی جانور بزرگی دید که راه مردم را بسته بود. با خود گفت : امروز برایم روشن می شود که راهب بهتر است یا ساحر، پس سنگی برداشت و گفت :خدایا، اگر کار راهب نزد تو پسندیده تر از کار ساحر است، این جانور را بکُش تا مردم عبور کنند. سپس سنگ را به سوی جانور پرتاب کرد و او را کشت و مردم عبور کردند. سپس نزد راهب رفت و ماجرا را برایش بازگو کرد. راهب به او گفت: پسر جان، تو امروز از من بهتری؛ می بینم که کارَت پیشرفت کرده است و به زودی امتحان خواهی شد. اگر امتحان شدی، مرا معرفی نکن.

نوجوان کورِ مادرزاد و پیسی و سایر بیماری های مردم را درمان می کرد. یکی از همنشینان پادشاه که کور شده بود، این خبر را شنید و با هدیه های فراوانی نزد این نوجوان آمد و به او گفت: اگر مرا شفا دهی، هرچه این جاست، از آنِ تو خواهد بود. نوجوان گفت: من کسی را شفا نمی دهم؛ فقط الله متعال شفا می بخشد. اگر به الله متعال ایمان بیاوری، دعا می کنم تو را شفا دهد. همنشین پادشاه به الله ایمان آورد و الله متعال شفایش داد. سپس نزد پادشاه رفت و مثل گذشته کنارش نشست. پادشاه از او پرسید: چه کسی بینایی ات را به تو برگرداند؟ پاسخ داد : پروردگارم. شاه گفت: مگر پروردگاری جز من داری؟ همنشین پادشاه پاسخ داد: پروردگار من و تو، الله است. پادشاه او را بازداشت کرد و آن قدر شکنجه نمود که سرانجام از آن نوجوان نام برد، به دستور پادشاه آن نوجوان را نزدش آوردند .پادشاه به او گفت :پسر جان! سحر تو به آنجا رسیده که کورِ مادرزاد و پیسی را شفا می دهی و چنین و چنان می کنی؟ نوجوان گفت :من هیچکس را شفا نمی دهم؛ شفادهنده فقط الله متعال است. بنابراین پادشاه او را بازداشت نمود و همواره شکنجه کرد تا اینکه راهب را معرفی نمود. به فرمان پادشاه، راهب را نزدش آوردند و به او گفتند: از دینت برگرد؛ ولی او قبول نکرد. پادشاه دستور داد ارّه ای بیاورند و آن را روی سرش گذاشتند و او را دو نیمه کردند؛ به گونه ای که دو نیمه اش به زمین افتاد. سپس ندیمه اش را آوردند و به او گفتند : از دینت برگرد؛ ولی او نپذیرفت. ارّه را روی سرش گذاشتند و او را دو نیمه کردند و دو نیمه اش به زمین افتاد. آنگاه نوجوان را آوردند و به او گفتند: از دینت برگرد؛ ولی او قبول نکرد. پادشاه او را به تعدادی از یارانش سپرد و گفت :او را به بالای فلان کوه ببرید و وقتی به قلّه ی کوه رسیدید، اگر از دینش برنگشت، او را به پایین پرتاب کنید.

به این ترتیب او را بالای کوه بردند. وی دعا کرد: یا الله، هرگونه که می خواهی، شرّشان را از سرم کوتاه کن. پس کوه به لرزه درآمد و همه ی آنها سقوط کردند. آنگاه نوجوان نزد پادشاه بازگشت. پادشاه از او پرسید : همراهانت چه شدند؟ پاسخ داد : الله مرا از شرشان حفظ کرد.

پادشاه دوباره او را به چند نفر از یارانش سپرد و گفت :او را سوار قایق کنید و به وسط دریا ببرید. اگر از دینش برنگشت، او را درون دریا بیندازید. بدین ترتیب او را بردند .نوجوان دعا کرد :یا الله، هرگونه که می خواهی، مرا از شرشان حفظ کن. قایق واژگون شد و آنها در دریا غرق شدند. دوباره نوجوان نزد پادشاه برگشت .پادشاه از او پرسید : همراهانت چه شدند؟ پاسخ داد :الله مرا از شرشان حفظ کرد .آنگاه به پادشاه گفت : تو فقط در صورتی می توانی مرا بکُشی که کاری که می گویم، انجام دهی. پادشاه پرسید: چه کاری؟ نوجوان گفت :مردم را در میدانی جمع کن و مرا به دار بکش؛ سپس تیری از تیردان خودم بردار و آن را در وسط کمان بگذار و بگو :به نام الله، پروردگار این جوان؛ و سپس مرا هدف بگیر. اگر چنین کنی، می توانی مرا بکشی. پادشاه مردم را در میدان و زمین هموارى جمع کرد و نوجوان را بر شاخه ای از درخت خرما به دار کشید .سپس تیری از تیردان نوجوان برداشت و در وسط کمان گذاشت و گفت :به نام الله، پروردگار این نوجوان؛ و آنگاه تیر را رها کرد که تیر به شقیقه ی نوجوان خورد و دستش را روی شقیقه اش گذاشت و جان باخت .مردم گفتند :به پروردگار این نوجوان ایمان آوردیم. عده ای نزد پادشاه رفتند و گفتند: دیدی؛ آنچه از آن بیم داشتی اتفاق افتاد؛ به خدا سوگند که آنچه از آن می ترسیدی، بر سرت آمد و مردم ایمان آوردند. پادشاه فرمان داد چاله هایی بر سرِ راه ها حفر کنند. چاله هایی حفر کردند و در آنها آتش افروختند .

پادشاه گفت :هرکس از دینش برنگشت، او را در آتش بیندازید یا مجبـورش کنیـد وارد آتش شود. همه این کار را کردند تا اینکه زنی با کودکش پیش آمد و خـودش را عقب کشید تا در آتش نیفتد. کودک به او گفت : مادر جـان، صـبور بـاش کـه تـو برحقی.

نتیجه می گیریم:

- خطر سحر و جادو و اینکه ساحر و جادگر کافر است.
- الله ایمان مومن را امتحان می کند.
- کسانی که قبل از ما بودن بیشتر ابتلا و آزمایش می شدند و این امتحانات سبب نمی شد از دین برگردند بلکه صبرشان و عزت دینشان بیشتر می شد.
- مومن فضل و نعمت ها را به الله نسبت می دهد همانطوریکه نوجوان هنگام شفای مردم می گفت : به برکت دعا این کار انجام می گیرد.
- قدرت الله متعال برای نجات بندگانش از دست ظالمان، بویژه زمانی که او را فراخوانند.
- الله بعضی از مومنان را از اذیت و آزارِ کفار در دنیا نجات نمی دهد مثل راهب و همنشین پادشاه، بلکه درجه ی آنها را در بهشت بالا می برد.
- اهمیت دعا.
- خطر گوش دادن به سخنان گمراهان، نوجوان قبل از کشتن حیوان در دو راهی و سر درگمی قرار به گونه ای که حق را تشخیص نمی داد.

آغاز آفرینش (۱)

وقتی الله اراده کردند بشر را بیافرینند؛ گل از زمین برداشتند و گل را شکل دادند مانند سفال، سپس در آن دمیدند تا اینکه انسان آفریده شد و این پدرمان آدم علیه السلام بود.

فرشتگان در آسمان سکونت داشتند، و ابلیس که از جنیان صالح و مومن بود الله او را به آسمان در جمع فرشتگان برده بود، وقتی الله آدم را آفرید، فرشتگان و ابلیس را امر کرد تا به آدم سجده احترام کنند، و سجده احترام قبل از اسلام جایز بود و الله متعال در اسلام آن را حرام قرار داد. همه فرشتگان سجده کردند به جز ابلیس که تکبر ورزید و سجده نکرد و گفت من هرگز به این مخلوقی که از گل آفریده شده سجده نمی کنم. ما جنیان از آتش آفریده شده ایم و آتش از گل بهتر است. الله از سخنانش به خشم آمد و او را از رحمتش طرد نمود. ابلیس رجیم (رانده شده) از الله درخواست کرد که او را نکشد و او را تا قیامت زنده نگه دارد و همچنین گفت : این بشری که بر من برتری دادی من او را وسوسه می کنم و او را تشویق می کنم با تو مخالفت کند و به تو کفر بورزد. الله متعال به او مهلت دادند و به او فرمودند : (لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْکَ وَمِمَّنْ تَبِعَکَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ)(به یقین دوزخ را هم از تو و هم از کسانی که از تو پیروی کنند پر خواهم کرد).

سپس الله حواء را از پهلوی آدم آفرید تا همسرش باشد و هردوی آنها را در بهشت سکونت دادند. وبه آنها اجازه دادند که از نعمت های بهشتی بخورند مگر یک درخت که اجازه ندارند به آن نزدیک شوند و از آن بخورند.

روزی ابلیس نزد آنها آمد و آنها را وسوسه کرد که اگر از این درخت بخورید الله متعال شما را مثل فرشتگان می کند و هرگز نمی میرید. و قسم یاد کرد که خیرخواه آنهاست. آدم و حواء از آن درخت خوردند و از الله نافرمانی کردند و عقوبتشان این بود که لباس بهشتی از تنشان بیرون آورد، و آنها برگ درختان را به خود چسباندند تا بدنشان را بپوشند و سپس آنها را به زمین فرود آورد.

بعد از اینکه به زمین آمدند، الله کلماتی را به آنها آموزش دادند تا از گناهشان توبه کنند و الله توبه آنها را پذیرفت.

و پیوسته شیطان فرزندان آدم را وسوسه می کند تا از الله نافرمانی کنند همانطوریکه این کار را با پدرمان آدم علیه السلام انجام دادند یه همین دلیل الله متعال به ما هشدار می دهد و می فرمایند: (يَابَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ) (ای فرزندان آدم! شیطان شما را فریب ندهد ، همانگونه که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون کرد، و لباسشان را بیرون آورد تا عورتشان را به آنها نشان دهد، و شیطان و همدستانش، شما را از آنجا که آنها را نمی بینید، می بینند. ما شیطان ها را دوستان کسانی قرار داده ایم که ایمان نمی آورند.)

نتیجه می گیریم :

- الله متعال آدم و فرزندانش را گرامی داشته اند.
- زن از پهلوی مرد آفریده شده است پس بر مرد واجب است با او خوش رفتار باشد و از او محافظت کند و حامی او باشد.
- خطر تکبّر و خطر ترک دستورات الله متعال.
- دشمنی شیاطین با ما.
- لباسی که بدن را می پوشد از نعمت های الله متعال است و عریانی از راه های شیطان است.
- واجب است از نیرنگ شیطان بر حذر باشیم.
- هر کسی که ادعا کند خیرخواه ماست صادق و راستگو نیست.
- اهمیت توبه، و اینکه الله متعال توبه بندگانش را می پذیرد.

آغاز آفرینش (۲)

صحیح ترمذی

وقتی الله متعال آدم را آفرید، پشتش را مسح کرد، و تمامی انسان هایی که الله آفریده است تا قیامت، از پشتش بیرون شدند و الله بین دو چشم هریک از آنها نوری قرار داد و سپس آنها را بر آدم عرضه کرد و به آدم نشان داد؛ آدم گفت: پروردگارا، اینها چه کسانی هستند؟ الله متعال فرمود: اینها فرزندان تو هستند؛ آنگاه آدم در میان آنها مردی را دید که روشنایی و نور مابین چشمانش او را به تعجب واداشت. پس گفت: پروردگارا، این کیست؟ فرمود: این مردی از آخرین امت ها و از فرزندان توست که به او داود گفته می شود؛ سپس آدم عرض کرد: پروردگارا، چقدر به او عمر داده ای؟ الله فرمودند: شصت سال؛ آدم گفت: پروردگارا، چهل سال از عمر مرا به او ببخش.

الله متعال می فرماید : (وَإِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِی آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ) (هنگامی را که پروردگارت فرزندان آدم را از پشت آدمیزادگان پدیدار کرد و ایشان را بر خودشان گواه گرفته است که: آیا من پروردگار شما نیستم؟ آنان گفته‌اند: آری! گواهی می‌دهیم تا روز قیامت نگوئید ما از این غافل و بی‌خبر بوده‌ایم)

هنگامی که الله این مخلوقات را بیرون آورد؛ از آنها گواه گرفت، و به آنها فرمودند : (أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ)؟ (آیا من پرورگار شما نیستم)؟

گفتند: (بَلَى شَهِدْنَا)(آری! گواهی می دهیم) همگی گواهی دادیم که الله متعال پروردگار ماست. و هنگامیکه ما را در این دینا آفرید و ما به یاد نداریم که در آن زمان چه اتفاقی برای ما افتاده؛ پیامبرانی به سوی ما فرستادند تا ما را از آن اتفاق با خبر سازند و به ما یاد دهند چگونه پروردگارمان را عبادت کنیم و اینکه هیچ معبودی به حق وجود ندارد مگر الله و عبادت به غیر الله جایز نیست.

الله متعال می فرماید : (إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا). (ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم و از پذیرش امانت خودداری کردند و از آن ترسیدند، و حال این که انسان زیر بار آن رفت، آنان واقعاً ستمگر و نادانند)

الله امانت را بر ما عرضه نمودند و ما را انتخاب کردند و ما قادر بودیم که آن را حمل کنیم و به ما تکالیف، مسئولیت های شرعی و عقل دادند که اگر با تکالیف شرعی مخالفت کنیم ما را عقوبت می کند و اگر آنها را انجام دهیم، به ما پاداش می دهد و وارد بهشت می کند، اگر الله ما را مانند سایر مخلوقات بدون اراده می آفرید، و آن وقت هیچ قدرتی بر کفر نداشتیم و همه مخلوقات مومن بودند و امکان کافر شدن هیچ کس وجود نداشت و با این حال الله به هیچ کدام ما پاداش و عذاب نمی دادند. الله متعال به انسان اراده و اختیار و توانایی مخالفت با دستورات شرعی داده است، تا اینکه با اراده و اختیار از الله اطاعت کند و مستحق بهشت و رسیدن به نعمت هایش شود.

نتیجه می گیریم:

- **قدرت الله متعال بر مخلوقات.**
- **الله همه انسان ها را در عالم دیگر آفریده است قبل از اینکه آنها را به این دنیا بیاورد.**
- **همه انسان ها ربوبیت الله را پذیرفتند پس درست نیست که آن را انکار کنیم.**
- **انسان کافر بدترین مخلوقات است چون همه مخلوقات مومن هستند.**

تکه چوبی که قرض را ادا کرد

صحیح بخاری

رسول الله ﷺ فرمودند :

مردی در امت های گذشته بود که نیاز شدید به مال داشت از شخصی خواست به او قرض دهد، شخص به او گفت شاهدی نزد من بیاور تا از او شهادت بگیرم. مرد گفت هیچ شاهدی جز الله ندارم، شخص پذیرفت و و مال را به او قرض داد و مدت زمان برگشت مال را هم مشخص کرد.

زمانی که موعد برگشت مال رسید، مرد حرکت کرد تا مال را برگرداند اما جلو او دریا بود و هیچ کشتی ای جهت رفتن برای پرداخت قرضش پیدا نکرد. تکه چوبی برداشت و آن را سوراخ نمود و مال و نامه ای در آن گذاشت که این مال برای فلانی است و سوراخ را محکم نمود و آن را در دریا پرت کرد و گفت:"پروردگارا تو می دانی من از فلانی هزار دینار قرض گرفتم او از من ضامن خواست و گفتم الله ضامن من است و او راضی شد و از من شاهد خواست و من گفتم الله برای شهادت کافیست و او به تو راضی شد و من تلاش کردم قرضش را به او برگردانم، اما نتوانستم. و می خواهم که تو قرضم را ادا کنی" سپس تکه چوب را در دریا انداخت و شخص قرض دهنده در آن طرف دریا منتظر بود تا مرد بیاید و قرضش را بدهد. تکه چوبی دید و آن را به عنوان هیزم برداشت تا با آن آتش روشن کند اما هنگامی که تکه چوب را شکافت پول و نامه ای دید.

شخص قرض گیرنده بعد از مدتی کشتی سوار شد و هزار دینار برداشت و به طرف شخص قرض دهنده رفت چون مطمئن نبود که پول به دستش رسیده باشد وقتی نزدش رسید ، عذر خواهی کرد و هزار دینار قرضش را پرداخت نمود و در مورد تکه چوب چیزی نگفت. شخص قرض دهند از او پرسید آیا مال را دست کسی نداده بودی؟ مرد گفت : نه ؛ شخص قرض گیرنده گفت : الله متعال آن مالی که با تکه چوب فرستادی از جانب تو ادا نمودند، پس هزار دینارت را بگیر و به سلامت برو.

نتیجه می گیریم :

- رسول الله صلی الله علیه وسلم قصه ی امتهای گذشته را برای یارانش تعریف می کرد تا از آن عبرت بگیرند.
- امانت داری مردی که قرض گرفته بود و فرستادن قرضش با تکه چوب که احتمال از بین رفتن مالش زیاد بود به خاطر همین خودش را با کشتی نزد شخص قرض دهنده رساند.
- صداقت و ایمانشان، وقتی الله را به عنوان شاهد و ضامن می گرفتند.

هر کس از سنت من روی بگرداند از من نیست

متفق علیه

انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده است :

سه نفر به خانه همسران پیامبر ﷺ رفتند تا در مورد عبادت پیامبر ﷺ در خانه از امهات المومنین بپرسند، آنها عبادت رسول الله ﷺ در مسجدو خارج از خانه دیده بودند، خواستند به رسول الله ﷺ اقتدا کنند و اعمالی که در خانه انجام می دهد را انجام دهند، وقتی از کارهای رسول الله ﷺ با خبر شدند، خواستند با اعمال بیشتری که رسول الله ﷺ انجام نداده بودند جهت تقرب به الله انجام دهند.

یکی گفت : من اصلا ازدواج نمی کنم.

دیگری گفت : من کل عمرم روزه می گیرم.

سومین نفر گفت :کل شب به نماز می ایستم و نمی خوابم.

با خودشان فکر کردند این کار ها را جهت تقرب به الله متعال انجام دهند تا الله به آنها پاداش دهد و نمی فهمیدند هر عبادتی که انجام می دهند باید طبق روش رسول الله ﷺ باشد و گرنه عبادتشان صحیح نیست.

وقتی رسول الله ﷺ از کارهایشان با خبر شد فرمودند: " چرا برخی از مردم چنین سخنانی می گویند! من هم نماز می خوانم هم می خوابم ؛ و برخی روزها را روزه می گیرم و برخی روزها را روزه نمی گیرم و من با زنان ازدواج می کنم؛ (مَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي) پس هرکس از سنت من روی بگرداند، از من نیست."

نتیجه می گیریم:

- **پایبندی یاران رسول الله** ﷺ **جهت اقتدا به رسول الله** ﷺ
- **عبادت، زمانی نزد الله پذیرفته می شودکه براساس سنت رسول الله** ﷺ **باشد.**
- **هر عبادتی که انجام می دهیم باید طبق روش رسول الله** ﷺ **باشد.**

آخرین نفری که وارد بهشت می گردد.

رسول الله ﷺ به ما خبر داده اند که مسلمانانی که نافرمانی و معصیت الله کرده اند و کافر نشده اند و الله سزای آنها را جهنم قرار داده است، الله متعال آنها را مورد رحمت خودش قرار می دهند و آنها را از جهنم بیرون آورده و وارد بهشت می نمایند.

متفق علیه

رسول الله ﷺ فرمودند :

آخرین نفری که از جهنم بیرون می آید، مردی است که به جهنم نگاه می کند و به الله می گوید : گرمای جهنم مرا نابود کرد و آتشش مرا سوزاند و از الله می خواهد او را از آن خارج کند. الله متعال به او می فرماید : « اگر این خواسته ات را برآورده کنم، خواسته ای دیگری مطرح می کنی » شخص می گوید به عزتت سوگند چیز دیگری نمی خواهم، الله عزوجل او را از جهنم بیرون می آورند، الله را سپاس و حمد می گوید و فکر می کند بیشترین نعمت بهشت به او داده شده است.

سپس درختی در مسیر بهشت می بیند و از الله می خواهد او را به درخت نزدیک کند تا زیر سایه اش بشیند و از آب کنارش بنوشد، با این وجود که با الله عهد بسته بود که چیزی غیر از خروج از جهنم نخواهد، اما الله متعال عهد شکنی اش را می آمرزد چون الله ضعف این بنده و نیاز شدید او نسبت به چیزهایی که می بیند را می داند.

الله باری دیگر از او عهد می گیرد که اگر این خواسته ات را پذیرفتم، چیز دیگری را طلب نکنی ، شخص قبول کرد و الله او را به آن درخت نزدیک نمود.

سپس الله درختی بهتر می آفریند، شخص مدتی مکث می کند و شرمش می شود از الله درخواست کند که او را به آن درخت نزدیک کند، سپس جلو خودش را نمی تواند بگیرد و از الله می خواهد او را به آن درخت نزدیک کند، باز هم الله عهد شکنی مرد را می آمرزد، و عهد و پیمان جدیدی از او می گیرد که چیز دیگری را طلب نکند ، شخص قبول می کند و الله او را به آن درخت نزدیک نمود.

و هر باری که الله درختِ جدیدی می آفریند این قضیه تکرار می شود تا اینکه شخص نزدیک بهشت می شود و صدای بهشتیان را می شنود، مدت زمانی ساکت می ماند درحالیکه طمع دارد وارد بهشت شود تا جاییکه نمی تواند خودش را کنترل کند و می گوید: « یا رب مرا وارد بهشت کن » الله متعال به او می فرماید: « آیا عهد و پیمان هایی با من نبستی که هیچ چیزدیگری از من درخواست نکنی؟ وای بر تو ای فرزند آدم، چه چیزی سبب می شود تو عهدشکنی کنی » پیوسته دعا و تضرع می کند تا اینکه الله متعال می خندند، سپس به او می فرمایند : « اگر دنیا و مثل آن همراهش به تو بدهم خشنود می گردی » مرد فکر کرد الله او را مسخره می کند و می گوید: « من را مسخره می کنی در حالیکه تو رَبُّ الْعَالَمِين هستی! »، الله متعال به سخنانش می خندند، سپس از او می پرسد در بهشت چه می خواهد.

مرد پیوسته هر آنچه به ذهنش خطور می کند آرزو می کند و الله متعال چیزهای که به ذهن مرد نمی رسد را به او یادآوری می کند و او از الله متعال درخواست می کند، الله متعال به او می فرماید : « همه این ها و ده برابرش برای تو».

(از دانش آموزان پرسیده شود : انسان در بهشت از الله چه چیزی می خواهد؟ رودخانه ؟ قصر ؟ خدمتکار؟ طلا و جواهرات؟ قالی پرنده؟)

نتیجه می گیریم:

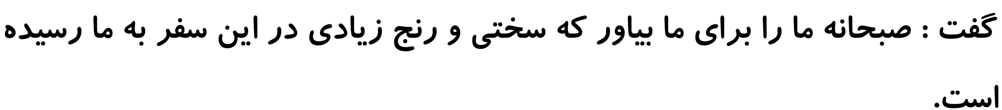
- هر کسی که بر ایمان از دنیا برود روزی وارد بهشت می شود بعد از اینکه سزای کارهایش را در جهنم دید.
- فضیلت دعاء، و استجابت دعا توسط الله متعال.
- اگر شخصی از غیرِ الله دعا و درخواست کند آیا دعایش پذیرفته می شود ؟
- رحمت الله به بندگانش، با وجود اینکه گناهکار بود، الله او را از جهنم بیرون آورد و با وجود عهد شکنی هایی که کرد، الله او را آمرزید؛ حالا الله با کسانی که با او صادق اند چگونه رفتار خواهد نمود!؟
- الله متعال می خندند و خندیدن الله متعال شبیه بندگان و مخلوقات نیست چون الله شبیه هیچ کدام از مخلوقاتش نیستند.
- نعمت های بهشت پایان و انتها ندارد، وقتی الله به این بنده اش ده برابر خواسته اش عطا نمودند پس حال متقین و پرهزکاران چگونه خواهد بود؟

قصه موسی ﷺ و پیامبر خضر ﷺ

متفق علیه

رسول الله ﷺ فرمودند :

موسی ﷺ در میان بنی إسرائیل سخنرانی می کرد و آنها را پند و اندرز می داد، تعدادی از شنوندگان از او پرسیدند : « داناترین مردم کیست؟» موسی گفت : « من داناترینم"، الله او را ملامت و سرزنش نمودند، چوت خودش را داناترین مردم دانسته بود و نگفت «الله أعلم»، الله به او وحی نمود : بنده ای از بندگانم در محلی که دو دریا به هم می رسند، او از تو داناتر است. موسی ﷺ از الله متعال پرسید، چطور به این فرد دانا دسترسی پیدا کند؟ الله به او فرمودند به مجمع البحرین محل تلاقی دو دریا برو و با خودت ماهی ببر، هر جایی که ماهی را از دست دادی، مرد دانا را خواهی یافت، موسی به همراه مردی که نامش یوشع بن نون بود در حالیکه ماهی را با خودشان در سبدی حمل می کردند به طرف مجمع البحرین حرکت کردند، تا اینکه به صخره ای رسیدند و آنجا استراحت کردند و خوابیدند، ماهی از سبد بیرون آمد و به طرف دریا رفت، موسی ﷺ و یوشع بیدار شدند و به مسیر ادامه دادند، وقتی صبح شد موسی ﷺ به جوان



گفت : صبحانه ما را برای ما بیاور که سختی و رنج زیادی در این سفر به ما رسیده است.

و موسی ﷺ خسته نشده بود تا زمانیکه از آن مکانی که الله به او دستور داده بود عبور کرده بودند، جوان به موسی گفت : ماهی نیست ، ماهی را از دست دادیم، و خواست که به طرف صخره برود تا دنبال ماهی بگردد، موسی ﷺ به او گفت : منتظر این لحظه بوده است چون مرد صالح را زمانی می یابیم که ماهی را از دست بدهیم، دو نفری به طرف صخره رفتند آنجا مردی دیدند که نشسته است. موسی ﷺ به او سلام کرد و خضر ﷺ گفت : اینگونه سلام و تحیت را از چه کسی آموختی؟ موسی گفت : من موسی هستم. خضر گفت: موسی پیامبر بنی إسرائیل؟ موسی گفت : بله ، سپس موسی به خضر گفت : همراهت بیایم تا از آنچه می دانی به من بیاموزی، خضر گفت : تو توانایی شکیبایی همراه من را نداری، و این بدین خاطر بود که الله به خضر قسمتی از غیب یاد داده بودند، و وظایفی به خضر داده بودند که تا دلایلش گفته نشود هیچ کس از پشت پرده آن با خبر نمی شود چون از غیبیات است، اما موسی گفت : اگرالله بخواد مرا شکیبا خواهی یافت، خضر برای همسفری موسی شرط گذاشن که هیچ سوالی نپرسد تا اینکه خودش به موسی خبر دهد.

حرکت کردند تا به ساحل دریا رسیدند: کنار کشتی رفتند و با صاحبانش صحبت کردند تا آنها را سوار کنند، قبول کردند که رایگان آنها را با خود ببرند، چون خضر را می شناختند.

در اثنای مسیر پرنده ای آمد و لبه ی کشتی ایستاد و یک نوک یا دو نوک به دریا زد تا اینکه آب بنوشد، خضر ﷺ به موسی ﷺ گفت : علم من نسبت به علم الله مانند یک نوک زدن این پرنده در مقابل این دریای بزرگ است.

خضر ﷺ تکه چوبی از چوب های کشتی را بیرون آورد و کشتی را سوراخ کرد، موسی ﷺ گفت: این مردم بدون کرایه ما را سوار کردند و تو کشتی آنها را شکستی تا آنها غرق شوند؟ خضر گفت : مگر من به تو نگفتم نمی توانی همراه من شکیبا باشی و صبر پیشه کنی؟ موسی ﷺ گفت : من را نسبت به آنچه فراموش کردم، بازخواست مکن.

موسی و خضر حرکت کردند تا به نوجوانی رسیدند که همراه هم سن و سالانش بازی می کند، خضر او را کشت، موسی گفت : چطور او را کشتی در حالیکه هیچ کس را نکشته؟ خضر گفت : مگر من به تو نگفتم نمی توانی همراه من شکیبا باشی و صبر پیشه کنی؟ موسی ﷺ گفت: اگر بعد از این از تو چیزی پرسیدم با من همراهی مکن.

سپس حرکت کردند تا به شهری رسیدند از اهالی شهر خوراک خواستند اما آنها از مهمان کردن آن دو خودداری کردند، آنجا دیواری را یافتند که می خواست بیفتد پس خضر دیوار را درست کرد، موسی ﷺ گفت : اگر می خواستی می توانستی در برابر این کار مزد بگیری، خضر ﷺ گفت : « الان زمان جدایی من و توست ».

سپس خضر ﷺ، موسی ﷺ را از دلایل کارهایش با خبر ساخت و گفت کشتی را سوراخ کردم چون حاکم ظالمی آنجا بود که کشتی های سالم را با زور تصاحب می کرد، الله به من دستور داد تا کشتی را معیوب کنم و کسی کشتی را ازآنها نگیرد.

و اما آن نوجوان اگر بزرگ می شد با سرکشی و کفر، پدر و مادرش را عذاب می داد، الله دستور دادند من او را بکشم تا رحمتی باشد برای والدینش که کافر نشوند و وارد جهنم نگردند.

اما دیوار، برای دو کودک یتیم بود که پدرشان قبل از مرگش گنجی را زیر آن پنهان کرده بود تا وقتی فرزندانش بزرگ شوند آن را بیرون بیاورند، الله به من دستور داد تا آن دیوار را درست کنم و مردم از گنج با خبر نشوند و آن را غارت نکنند.

نتیجه می گیریم:

- اهمیت گفتن «الله أعلم»
- حرص و پایندی به یادگیری علم حتی اگر با مشقت و سختی همراه باشد، همانطوری که موسی صلی الله علیه وسلم در سفرش به سوی خضر صلی الله علیه وسلم متحمل شد.
- وسعت علم الله سبحانه وتعالی، الله همه چیز را می داندو از آینده با خبر است.
- خضر صلی الله علیه وسلم پیامبر بود، چون الله به او وحی کرد و قسمتی از غیبیات را به او آموزش دادند و الله متعال می فرماید: (عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ)
- الله متعال ما را به کارهایی دستور می دهد که ما حکمتش را نمی دانیم پس بر ما واجب است ایمان بیاوریم و تسلیم دستورات الله شویم.
- الله متعال اتفاقاتی را مقدر نموده اند، و کسانی که آن را می بیند فکر می کنند اتفاق بدی است مثل سوراخ کردن کشتی ای که در حقیقت خیر و خوبی بود.
- اهمیت ادب دانش آموز با معلم.

قصه ابراهیم ﷺ و هاجر

صحیح بخاری

ابن عباس رضی الله عنه روایت می کند :

بعد از اینکه اسماعیل فرزند ابراهیم ﷺ متولد شد؛ الله به او دستور دادند با همسر و فرزندش به مکه برود، و مکه صحرایی بود که هیچ کس در آن سکونت نداشت، زمانیکه به مکه رسیدند؛ ابراهیم آنان را گذاشت و برگشت، مادر اسماعیل به دنبال ابراهیم رفت و او را صدا زد: ای ابراهیم نزد چه کسی ما را رها می کنی؟ ابراهیم فرمود : نزد الله. هاجر گفت : رضیت بالله (راضی شدم)، و به مکانی که او را رها کرده بود برگشت، از آبی که همراهش بود نوشید و به فرزندش نوشاند تا اینکه آب تمام شد، هاجر به جستجوی آب پرداخت، پسرش از شدت گرسنگی و تشنگی به خود می پیچید، هاجر بالای کوه صفا رفت و دور وبرش نگاه کرد و هیچ چیزی نیافت، از کوه پایین آمد و سپس بالای کوه مروه رفت و هیچ چیزی نیافت، هفت مرتبه بالای کوه ها رفت تا قافله ای را پیدا کند یا کسی را پیدا کند که او را به سوی آب راهنمایی کند، هیچ کس را نیافت، سپس نزد فرزندش رفت تا اینکه وضعیت فرزندش را بررسی کند، صدایی شنید و آن جبریل بود. و جبریل با پایش به زمین زد و در پی آن آب از زمین جوشید، مادر اسماعیل شگفت زده شد و آب ها را جمع می کرد تا سرازیز نشود و از آب می نوشید و به فرزندش شیر می داد.

مردمی از یمن که از آن منطقه عبور می کردند در آسمان پرندگانی دیدند که بر فراز آن منطقه پرواز می کنند فهمیدند آنجا آب هست، نزد مادر اسماعیل آمدند و اجازه خواستند تا در آن مکان و نزدیک آب زندگی کنند، هاجر پذیرفت و با هم توافق کردند در مقابل آب چیزی به او بدهند.

اسماعیل در بین آنها زندگی کرد و زبان عربی را از آنها یاد گرفت و با دختری از آنها ازدواج کرد.

ابراهیم ﷺ آمد تا فرندش را زیارت کند وقتی به مکه رسید اسماعیل را دید که تیر برای کمان درست می کند، ابراهیم به اسماعیل گفت : پروردگارم به من دستور داده خانه ای برای عبادتش بسازم، اسماعیل گفت از پروردگارت اطاعت کن، پروردگارم به من دستور داده تا تو در این کار کمکم کنی، اسماعیل گفت : کمک می کنم، دو نفری شروع کردند، ابراهیم می ساخت و اسماعیل سنگ می آورد و می گفتند : (ربنا تقبل منا إنک أنت السمیع العلیم) تا اینکه بنا ساخته شد و این خانه همان کعبه مشرفه می باشد.

نتیجه می گیریم:

- اهمیت توکّل بر الله متعال، هاجر زمانی که فهمید الله با اوست، به امر الله راضی شد.
- توکل به این معنی نیست که هیچ کاری نکنیم، مادر اسماعیل بین کوه صفا و مروه هفت مرتبه برای جستجوی آب رفتند با وجود توکلی که داشت، تلاش هم می کرد.
- الله کارها را طوری انجام می دهد که به ذهن ما خطور نمی کند.
- اخلاق زیبای عرب، از مادر اسماعیل اجازه گرفتند و در مقابل آب به ایشان اجرت می دادند. با وجود اینکه مادر اسماعیل با فرزندش تنها بودند.
- انبیا کار می کردند و از دسترنج خودشان می خوردند.
- کعبه با دستور الله متعال ساخته شد.

زنی که به امورات مسجد می رسید

متفق علیه



زنی در زمان رسول الله ﷺ بود که به امورات مسجد رسیدگی می نمود یعنی زباله های را جمع می کرد و مسجدالنبی را پاک می نمود. شبی این زن وفات یافت مسلمانان بر او نماز خواندند و او را دفن کردند بدون اینکه به رسول الله ﷺ خبر دهند، بعد از مدتی رسول الله ﷺ جویای حال زن شد، گفتند: زن مرده است. رسول الله ﷺ فرمودند چرا مرا با خبر نساختید؟ گفتند شب وفات کرده بود و شما خواب بودیدو دلمان نیامد به خاطر این زن شما را بیدار کنیم. و گمان کردند یعنی ارزش ندارد که رسول الله ﷺ را به خاطر مرگش بیدار کنند. رسول الله ﷺ آنها را سرزنش کرد که چرا او را بیدار نکردند تا بر او نماز بخواند سپس از آنها خواست تا قبرش را به رسول الله ﷺ نشان دهند، رسول الله ﷺ نزد قبرش رفت و بر او نماز خواند و رسول الله ﷺ فرمودند : (این قبرها، بر کسانی در آن هستند پر از ظلمت و تاریکی است، همانا الله به وسیله ی نماز من، قبرهایشان را نورانی می گرداند.)

نتیجه می گیریم:

- **اهمیت دادن رسول ﷺ به ضعفا و مساکین.**
- **رسول ﷺ متکبر نبودند.**
- **با اقتدا به رسول ﷺ به ضعیفان و رحم کنیم و به کارهایشان اهتمام بورزیم.**
- **اهمیت نماز جنازه، نماز جنازه را برای الله می خوانیم و برای میت دعا می کنیم.**
- **بزرگان قوم باید به امورات مردم و رعیت اهتمام بورزند.**
- **مسلمانان را کوچک نمی شماریم هر چند که فقیر و ضعیف باشند.**

اسراء و معراج

متفق علیه

رسول الله ﷺ فرمودند :

در شبی از شب ها جبریل نزد رسول الله ﷺ آمد و رسول الله را سوار بر بُراق کرد، بُراق نام چارپا می باشد، و بُراق سریع مانند برق حرکت می کرد و رسول الله ﷺ را از مکه به بیت المقدس بردند. و آنجا رسول الله ﷺ با انبیا صلی الله علیهم وسلّم ملاقات نمودند، سپس با جبریل به آسمان معراج کردند، معراج یعنی به آسمان بالا برده شد.

وقتی به آسمان رسیدند، اجازه ورود خواستند، گفته شد : این کیست؟ گفت : جبریل، گفته شد چه کسی همراه توست؟ گفت : محمد ، گفته شد : مرحبا به محمد، بهترین شخص آمده.

رسول الله ﷺ فرمودند : نزد آدم، آمدم پس بر او سلام کردم، آدم جواب داد : مرحبا بر تو پسرم و پیامبر، سپس تک تک آسمانها را بالا می رفت و در هر آسمانی با پیامبرانی ملاقات می کرد و به آنها سلام می کرد و آنها جواب سلام می دادند.

رسول الله ﷺ فرمودند : به آسمان هفتم رسیدیم ، گفته شد: این کیست؟ گفته شد : جبریل، گفته شد چه کسی همراه تو است؟ گفته شد محمد، گفته شد مرحبا به محمد و بهترین شخص آمده، نزد ابراهیم رفتم و به او سلام کردم،

ابراهیم گفت : مرحبا به تو پسرم و پیامبر. مرا به بیت المعمور بالا بردند از جبریل پرسیدم ، جبریل گفت این بیت المعمور است هر روز هفتاد هزار فرشته در آن نماز می خوانند وقتی از آن خارج شدند تا روز قیامت بر نمی گردند.

رسول الله ﷺ سِدرةُ المنتهی را دید، و آن درخت کنار بزرگی است در بالاترین آسمان، میوهایش خیلی بزرگ است و برگ هایش به اندازه گوش فیل و کنار تنه اش چهار رود جاریست.

الله متعال بر محمد ﷺ نماز را فرض گردانید و نماز ها در روز پنجاه وقت بودند سپس رسول الله ﷺ برگشت و در مسیر برگشت موسی ﷺ را دید موسی از رسول الله پرسید چی شد ؟ رسول الله ﷺ به موسی خبر دادند و موسی گفت: من با بنی اسرائیل تجربه دارم و اینکه پنجاه وقت نماز برای آنها سخت است. و رسول الله ﷺ را نصیحت کردند که از الله تخفیف بگیرند، رسول الله ﷺ برگشتند و از الله تخفیف خواستند، الله متعال تعداد اوقات نماز را کم کردند دوباره رسول الله برگشت و اتفاقات را برای موسی حکایت کرد موسی باز هم از رسول الله ﷺ خواست تخفیف بگیرد. رسول الله ﷺ برگشت و از الله تخفیف خواست تا اینکه اوقات نماز به پنج وقت رسید و رسول الله ﷺ فرمود: الله پنج وقت نماز قرار داده اند و پاداش آن مانند پنجاه وقت نماز است.

در همان شب به مکه آمد و همان روز قومش را از اتفاقی که برایش افتاده بود با خبر ساخت، کفار باور نکردند و او را به دروغ متهم کردند و گفتند : چگونه می شود در یک شب از مکه به قدس رفت و برگشت در حالیکه مسافت زیادی بین این دو شهر است آنها با عقلشان می سنجیدند.

و قدرت الله را درک نمی کردند، رسول الله ﷺ را مسخره کردند و نزد ابوبکر رفتند و گفتند پیامبری که او را تصدیق می کنی، گفته است در یک شب به بیت المقدس رفته و برگشته، ابوبکر گفت : اگر رسول الله ﷺ این حرف را گفته حتما راست گفته است، به همین خاطر ابوبکر، صدیق نامیده شد، به دلیل قوت ایمانش به اخبار نبوت.

نتیجه می گیریم:

- قُدرت الله متعال.
- کرامت رسول الله ﷺ وقتی الله او را به آسمان بالا برد و با او صحبت کرد.
- الله متعال بالای آسمان است.
- مکانت و جایگاه رسول الله ﷺ بین انبیاء، آنجاییکه در نماز امام پیامبران شد.
- محبت موسی ﷺ به ما، آن هنگام که از رسول الله ﷺ خواست، تخفیف بگیرد.
- رحمت الله متعال به ما و تخفیف دادن نمازها.
- قدرت الله به انجام دادن کارهایی که برای بشر محال است.
- خبر های نبوت را تصدیق می کنیم و از عقل برای فهم استفاده می کنیم نه برای اعتراض.
- مکانت و جایگاه أبو بکر صدیق.
- اقتدا کردن به ابوبکر صدیق در پیروی و تصدیق رسول الله ﷺ .

آرایشگر دختر فرعون

مسند امام احمد

در شب اسراء و معراج بوی خوشی به مشام رسول الله ﷺ رسید. رسول الله ﷺ فرمودند : ای جبریل! این بوی چیست ؟ جبریل گفت : این بوی آرایشگر دختر فرعون.

فرعون حاکم مصر مردی سرکش و کافر بود که ادعا می کرد خداست، فرعون برای دخترش یک زن آرایشگری استخدام کرده بود که به امورات دخترش رسیدگی کند موهایش شانه بزند و او را آرایش کند، در یکی از روزها هنگامی که موهای دختر فرعون را شانه می کرد، شانه از دستش افتاد و گفت : بسم الله دختر فرعون گفت : منظورت پدرم هست؟ آرایشگر مومن گفت : قصد من پروردگار من و تو و پدرت بود. دختر فرعون گفت به پدرم می گویم؟! آرایشگر مومن گفت : بگو. دختر فرعون نزد پدرش رفت و به پدرش گفت : آرایشگر گفت که الله پروردگار من و شماست . فرعون آرایشگر را نزدش فراخواند و به او گفت: « آیا پروردگاری غیر از من هست ؟» آرایشگر گفت: « پروردگار من و تو در آسمان است» ، فرعون به خاطر صحبت هایش خواست او را عذاب دهد، دیگ بزرگی آوردند و مس در آن ریختند تا ذوب شود،

و خواستند او را در آن دیگ بیندازند، آرایشگر به فرعون گفت : درخواستی از تو دارم، فرعون گفت : درخواستت چیست ؟ آرایشگر گفت : «استخوان های من و فرزندانم را یکجا جمع کرده و دفن کنید» فرعون گفت: «درخواست قبول»، فرزندانش را یکی یکی در دیگ انداختند تا اینکه نوبت فرزند شیر خوارش شد، الله فرزند شیر خوارش را به سخن آورد و به مادرش گفت : « مادر جان صبر کن تو بر حق هستی».

نتیجه می گیریم:

- مسلمان باید در حق گویی قوی باشد و با دینش احساس عزت کند.
- مسلمان باید بر دینش ثابت قدم باشد هر چند که کفار با او بجنگند.
- الله متعال در آسمان است.

من بالاتر از تو ای رسول الله زندگی نمی کنم.

صحیح مسلم

ابو ایوب انصاری رضی الله روایت کرده است:

زمانی که رسول الله ﷺ به مدینه هجرت نمودند؛ در خانه ابوایوب زندگی کردند، و خانه ابوایوب دو طبقه بود، ابو ایوب دوست داشتند رسول الله ﷺ را گرامی بدارند به همین دلیل طبقه بالا را به رسول الله ﷺ پیشنهاد دادند، اما رسول الله ﷺ طبقه پایین را انتخاب نمودند، و ابو ایوب و همسرش در طبقه بالا زندگی کردند، در یکی از شب ها ابو ایوب رضی الله عنه به همسرش گفت: «بالای سر رَسُول الله ﷺ راه می رویم!!» برای ابوایوب سخت آمد که در مکانی باشد که رسول الله ﷺ در پایین آن مکان است. پس رفتند در گوشه ای خانه خوابیدند و به وسط خانه نیامدند تا صبح شد، و نزد رسول الله ﷺ رفتند و به رسول الله گفتند : شما طبقه بالا زندگی کنید و ما طبقه پایین می آییم. رسول الله ﷺ فرمودند: « طبقه پایین برای من بهتر است چون مردم پیش من رفت و آمد می کنند» ، ابو ایوب رضی الله عنه گفت: « من دوست ندارم بالای سقفی زندگی کنم که تو ای رسول الله ﷺ در زیر آن باشی »، با این حال رسول الله ﷺ به طبقه بالا رفتند. ابو ایوب رضی الله عنه غذا را برای رسول الله ﷺ آماده می کردند و از محبت زیادش نسبت به رسول الله ﷺ، صبر می کرد تا رسول الله ﷺ غذا بخورند و سپس ظرف را می گرفت و از محلی که رسول الله ﷺ غذا خورده بود، غذا می خورد.

در روزی از روزها برای رسول الله ﷺ غذایی تهیه کرده بود که در آن سیر و پیاز بود، زمانی که رسول الله ﷺ غذا خوردند، متوجه شدند رسول الله ﷺ سیر و پیاز نخورده اند، نزد رسول الله ﷺ رفتند و پرسیدند آیا سیر و پیاز حرام است ؟ رسول الله ﷺفرمودند: «نه حرام نیست ولی من خوشم نمی آید» ، ابو أیوب رضی الله عنه گفت: « من هم از آنچه شما خوشتان نمی آید، خوشم نمی آید»، و همچنین رسول الله ﷺ دلیل دیگری برای پرهیز از پیاز و سیر بیان داشتند و این بود که دوست ندارد وقتی جبریل علیه السلام را ملاقات می کند از دهانش بوی بد بیرون بیاید.

نتیجه می گیریم:

- **محبت یاران رسول الله ﷺنسبت به ایشان و اینکه آنها الگوی محبت و بزرگداشت نسبت به رسول الله ﷺ بودند.**
- **سؤال پرسیدن قبل حکم کردن با گمان، أبو أیوب رضی الله عنه وقتی گمان کرد سیر و پیاز حرام است از رسول الله ﷺ پرسیدند..**
- **رسول الله ﷺ از بو های بد خوشش نمی آمد.**
- **کراهت خوردن سیر و پیاز خام برای کسی که با مردم نشست و برخواست دارد.**
- **علاوه بر اینکه سیگار حرام است و به بدن ضرر می رساند بوی بدی که ار دهان افراد سیگاری به مشام می رسد سبب اذیت و آزار مردم می شود.**

کوزه پر از طلا

متفق علیه

رسول الله ﷺ فرمودند :

شخصی از فردی زمینی خریداری کرد، مشتری در زمین یک کوزه ی پر از طلا پیدا کرد، کوزه را برداشت و نزد فروشنده رفت و به او گفت : طلاهایت را بردار، من از تو زمین خریدم و طلا نخریدم. فروشنده گفت : من از کوزه طلا هیچ خبری نداشتم. و من زمین و هر آنچه در آن بوده را برای شما فروختم. هیچکدام از آن دو نفر راضی نشدند کوزه طلا را بردارند از ترس اینکه در کار حرامی واقع شوند.

برای داوری نزد شخص صالحی رفتند ، آن فرد صالح به آنها گفت : شما فرزندی داری؟ یکی گفت من پسر دارم و دیگر گفت من دختر دارم.

شخص صالح پیشنهاد داد ، این دو را به ازدواج هم در آورید و از این طلاها برای آنها خرج کنید و صدقه دهید.

نتیجه می گیریم:

- **فضیلت امانتداری، رسول الله ﷺ این قصه را برای ما حکایت نمودند تا ما عبرت بگیریم.**
- **بر مسلمان واجب است در اموالی که شبهه و شک دارد دوری کند و کسب رزق و روزی حلال کند.**

فصل هفتم : حفظ جزء عم و تبارک

در این فصل جدول هایی آماده شده و همراه با سایر درس ها دانش آموز براساس جدول ها دو جزء قرآن را حفظ می کنند.

معلم حفظ، قرآن را از دانش آموز تحویل می گیرد و در جدول، تاریخ تحویل و تعداد اشتباهات و تاریخ دور حفظ را یادداشت می کند. دور دانش آموز بعد از ۵ روز می باشد.

اگر اشتباهات دانش آموز زیاد بود، باید دوباره از اول حفظ کند.

اما اتقان ۵ نمره دارد که مربوط است به درست خوانی و خوب تحویل دادن،

معلم برای امتحان کلماتی را می پرسد و دانش آمور باید آیات را کامل کند.

جدول تحویل حفظ جزء عم

سوره	تاریخ تحویل	تعداد اشتباه	اتقان	تاریخ دوره	تعداد اشتباه	اتقان
سوره النبأ (۱ تا ۱۶)						
سوره النبأ (۱۷ تا ۳۰)						
سوره النبأ کامل						
سوره النازعات (۱ تا ۱۴)						
سوره النازعات (۱۵ تا ۳۳)						
سوره النازعات کامل						
سوره عبس (۱ تا ۱۶)						
سوره عبس (۱۷ تا ۳۲)						
سوره عبس کامل						
سوره التکویر (۱ تا ۱۴)						
سوره التکویر کامل						
سوره الانفطار						
سوره المطففین						
سوره الانشقاق						
سوره البروج						
سوره الطارق						
سوره الأعلی						
سوره الغاشیۀ						
سوره الفجر						
سوره البلد						
سوره الشمس						

سوره الليل						
سوره الضحى						
سوره الشرح						
سوره التين						
سوره العلق						
سوره القدر						
سوره البينهٔ						
سوره الزلزلهٔ						
سوره العاديات						
سوره القارعهٔ						
سوره التكاثر						
سوره العصر						
سوره الهمزهٔ						
سوره الفيل						
سوره قريش						
سوره الماعون						
سوره الكوثر						
سوره الكافرون						
سوره النصر						
سوره المسد						
سوره الإخلاص						
سوره الفلق						
سوره الناس						

جدول تحویل جزء تبارک

سوره	تاریخ تحویل	تعداد اشتباه	اتقان	تاریخ دوره	تعداد اشتباه	اتقان
سوره المُلک (۱ تا ۱۶)						
سوره المُلک (۷ تا ۱۲)						
سوره المُلک (۱۳ تا ۱۸)						
سوره المُلک (۱۹ تا ۲۳)						
سوره الملک کاملهٔ						
سوره القلم (۱ تا ۱۶)						
سوره القلم (۱۷ تا ۳۳)						
سوره القلم (۳۴ تا ۴۳)						
سوره القلم کاملهٔ						
سوره الحاقّهٔ (۱ تا ۸)						
سوره الحاقّهٔ (۹ تا ۱۸)						
سوره الحاقّهٔ (۱۹ تا ۳۷)						
سوره الحاقّهٔ کاملهٔ						
سوره المعارج (۱ تا ۱۴)						
سوره المعارج (۱۵ تا ۳۵)						
سوره المعارج کاملهٔ						
سوره نوح (۱ تا ۱۲)						
سوره نوح (۱۳ تا ۲۱)						
سوره نوح کاملهٔ						
سوره الجن (۱ تا ۷)						

سوره الجن (۸ تا ۱۳)						
سوره الجن (۱۴ تا ۲۰)						
سوره الجن کاملهٔ						
سوره المزّمل (۱ تا ۱۳)						
سوره المزّمل (۱۴ تا ۱۹)						
سوره المزّمل کاملهٔ						
سوره المدّثر (۱ تا ۱۷)						
سوره المدّثر (۱۸ تا ۳۱)						
سوره المدّثر (۳۲ تا ۴۷)						
سوره المدّثر کاملهٔ						
سوره القیامهٔ (۱ تا ۱۵)						
سوره القیامهٔ (۱۶ تا ۲۵)						
سوره القیامهٔ کاملهٔ						
سوره الإنسان (۱ تا ۱۱)						
سوره الإنسان (۱۲ تا ۲۲)						
سوره الإنسان کاملهٔ						
سوره المرسلات (۱ تا ۱۹)						
سوره المرسلات (۲۰ تا ۳۴)						
سوره المرسلات کاملهٔ						

امتحان جزء عم

تاریخ امتحان : ______________________

مکان امتحان: ______________________

آیات امتحان	اشتباهات	نمره

نمره نهایی

(از ۱۰۰ نمره)

توضیحات:

نام داوران : ________________ | ________________

امضاء : ________________ | ________________

امتحان جزء تبارک

تاریخ امتحان : ____________________

مکان امتحان : ____________________

آیات امتحان	اشتباهات	نمره

نمره نهایی (از ۱۰۰ نمره)

توضیحات :

نام داوران : ____________________ | ____________________

امضاء : ____________________ | ____________________

جدول حفظ أسماء الله الحسنی

اسماء الله الحسنی	تاریخ تحویل	تعداد اشتباهات	اتقان	تاریخ دوره	تعداد اشتباهات	اتقان
خط اول						

نمره نهایی دانش آموز

دانش آموز همه نام های نیک الله را حفظ می کند و برای هر اسم ۱,۵ نمره می گیرد و نمره باقی مانده برای حفظ متقن و خوب می باشد. (نمره از ۱۰۰)

جدول حفظ احادیث

شماره حدیث	صفحه	تاریخ تحویل	تعداد اشتباه	اتقان	تاریخ دوره	تعداد اشتباه	اتقان
۱-							
۲-							
۳-							
٤-							
٥-							
٦-							
۷-							
۸-							
۹-							
۱۰-							
۱۱-							
۱۲-							
۱۳-							
۱٤-							
۱٥-							
۱٦-							
۱۷-							
۱۸-							

شماره حدیث	صفحه	تاریخ تحویل	تعداد اشتباه	اتقان	تاریخ دوره	تعداد اشتباه	اتقان
١٩-							
٢٠-							
٢١-							
٢٢-							
٢٣-							
٢٤-							
٢٥-							
٢٦-							
٢٧-							
٢٨-							
٢٩-							
٣٠-							
٣١-							
٣٢-							
٣٣-							
٣٤-							
٣٥-							
٣٦-							
٣٧-							

امتحان احادیث نبوی

تاریخ امتحان: ________________________

مکان امتحان: ________________________

حدیث	اشتباهات	نمره

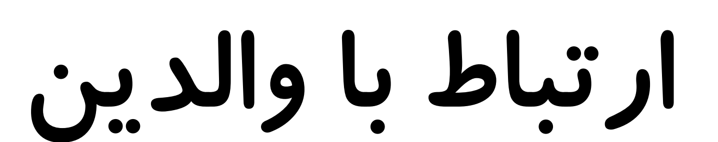
نمره نهایی

(از ۱۰۰ نمره)

توضیحات:

نام داوران : ____________________ | ____________________

امضا : ____________________ | ____________________



این بخش برای ارتباط با والدین است و مدرس تکالیف دانش آموزان را یادداشت می کند تا والدین در جریان باشند.

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

تاریخ:	تکالیف:	امضای ولی:
توضیحات معلم:		

حل تمرینات

تمرین ۱: ارکان ایمان براساس حدیث نوشته می شود.

تمرین ۲: (۱) شهادتین و نماز (۲) شهادتین و نماز در جدول پایین و بقیه ارکات در ستون های بالا نوشته می شود.

تمرین ۳: (۱) اعمال صالح (۲) بالاترین «لا إله إلا الله محمد رسول الله"، وپایین ترین «إماطۀ الأذی عن الطریق"، و در بقیه ستون ها اعمال صالح دیگر مثل نماز و نیکی به والدین و صدقات و...

تمرین ۴: (۱) إحسان سپس إیمان سپس إسلام (۲) إحسان، چون محسنین بالاترین درجه هستند و آنه با الله نزدیکتر هستند.

تمرین ۵: (۱) الله، الرحمن، الرحیم (۲) الله، الحی، القیوم، العلی، العظیم. (۳) الله، الأحد، الصمد.

تمرین ۶: نه ، صحیح نیست، فقط الله آینده را می داند.

تمرین ۷: (۱) نه ، چون بی احترامی نسبت به غیبیات می باشد (۲) پشیمان می شوم، توبه می کنم و تکرار نمی کنم.

تمرین ۸: موسی ﷺ.

تمرین ۹: (۱) تلاش و کوشش و توکل می کند. (۲) چون الله همه خیر و خوبی ها را به ما داده است (۳) کارهای انجام دهیم که الله دوست دارد.

تمرین ۱۰: الصحیح – الحسن

تمرین ۱۱: (۱) نه سنی نیست (۲) نه کارش درست نیست (۳) بِدعَت است.

تمرین۱۲: (۱) تا مانع عبور از جلو نماز شود. (۲) باید از پشت نمازگزار برود اگر نمی شود باید صبر کند تا نمازش تمام شود.

تمرین ۱۳: السلام علیکم ورحمۀ الله وبرکاته / وعلیکم السلام ورحمۀ الله وبرکاته.

تمرین ۱۴: لباسهای که مخصوص مردان است می نویسیم. لباسهای که مخصوص زنان است می نویسیم.

تمرین ۱۵: (۱) تا آب دهانش روی مردم نریزد.

تمرین ۱۶: ✗ ✗

✓ ✗

✓ ✓

✗ ✓

✓ ✓

تمرین ۱۷: ✗ پسر عمو/ ✗ برادر همسر/ ✓ پدر پدر /✗ پسر شوهر مادر / ✓ دایی مادر / ✓ عمو / ✗ شوهر خواهر / ✓ پدر پدربزرگ.

تمرین ۱۸: ✓ خواهر مادر بزرگ / ✗ پسر خاله / ✗ زن عمو / ✓ عمه پدر / ✗ همسر برادر / ✗ خواهر زن / ✓ مادر پدر بزرگ / ✓ دختر پسر.

تمرین ۱۹: (۲) صدقهٔ.

تمرین ۲۰: مبالغ را بر ۴۰ تقسیم می کنیم .

تمرین ۲۱: ۱ | ۱+۳ | ۵ | ۱+۲+۳+۴+۵ | ۵ | ۶+۷ | ۷ | ۶+۷ | ۷ | ۷ | ۲ | ۷ | ۵

تمرین ۲۲: ۱+۴ | ۱ | ۲ | ۳+۴ | ۴ | ۱+۲ (له ما فی السماوات وما فی الأرض) | ۴

تمرین ۲۳: ۳ | ۴ | ۶ | ۱۱ | ۱۰ | ۱۱

تمرین ۲۴: ۱ | ۲+۳ | ۵+۶ | ۷+۸

تمرین ۲۵: ۱ | ۳ | ۴+۵ | ۶ | ۷+۸

تمرین ۲۶: ۱ | ۴+۵ | ۱۹ | ۸ | ۹تا۱۵ | ۱۷+۱۸+۱۹ | ۱۲ | ۱۹ | ۱۴

تمرین ۲۷: ۳ | ۲ | ۳ | ۴+۵ | ۴

تمرین ۲۸: ۶ | ۴ | ۵ | ۵ | ۵ | ۷+۸ | ۶

تمرین ۲۹: ۲ | ۵ | ۴ | ۷+۸

تمرین ۳۰: ۱ | ۱تا۶ | ۵ | ۸ | ۱۱ | ۱۰

تمرین ۳۱: ۱ | ۶ | ۸

تمرین ۳۲: ۱+۲ | ۲+۳+۴+۵ | ۵ | ۶ | ۸

تمرین ۳۳: ۲+۳ | ۲+۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳

تمرین ۳۴: ۱ | ۱ | ۱+۲ | ۳ | ۴

تمرین ۳۵: ۱ | ۵ | ۳

تمرین ۳۶: ۱+۲+۳+۴ | ۴ | ۳

تمرین ۳۷: ۴+۵+۶ | ۱+۲+۳ | ۲ | ۳ |۷ | ۴+۵ | ۶

تمرین ۳۸: ۱ | ۱+۲ | ۲ | ۳

تمرین ۳۹: ۱+۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۶ | السوره کلها

تمرین ۴۰: ۱ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۱+۲

تمرین ۴۱: ۲ | ۱+۳+۴+۵ | ۵

تمرین ۴۲: ۱ | ۳ | ۴ | ۲ | ۳ | ۴ | ۴

تمرین ۴۳: ۱ | ۴ | ۵ | ۵ | ۵ | ۳

تمرین ۴۴: ۱ | ۶ | ۳ | ۵ | ۱+۴ | ۱+۶

سخن مؤلف

بسم الله، والحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، وعلى آله وصحبه ومن اقتفى أثرهم وانتهج منهجهم الى يوم الدين. وبعد

برای آموزش اسلام به کودکانمان دنبال کتابی می گردیدم اما کتاب خوبی پیدا نکردم، پس تصمیم گرفتم کتابی با موضوعات عقیده، آداب، رفتار اجتماعی، تفسیر و داستان همراه با جداول حفظ قرآن و احادیث جمع آوری کنم تا معلم به آسانی مطالب دینی را به دانش آموزان منتقل کند.

از الله می خواهم در آنچه نوشتم به من و دانش آموزان اجر و پاداش دهد.

و از جهت محتوا عنایت ویژه به کتاب داشته ام تا قدرت دین و محبت و یقین، تسلیم شدن و بزرگداشت آن را در قلب کودکان بکارم.

و محتوای کتاب به تنهایی نمی تواند کودک را تربیت کند بلکه اسلوب و روش معلم باید بگونه ای باشد تا دانش آموزان مشارکت کنند و در خانه هایشان آن را تکرار کنند. تمرین در خانه اصل است، چون دانش آموزی که نماز را در کلاس آموزش می بیند بایدآن در خانه ببیند، اگر خانواده نسبت به نماز سهل انگار باشند، چگونه در قلب این دانش آموز نماز بزرگ داشته شود! سایر معلومات نیز به همین گونه است. خانواده باید تمام تلاشش را بکنند تا الگوی خوبی برای فرزندانشان باشند. همین توصیه به معلمین هم داریم. چون معلم الگوی عملی دانش آموز است و دانش آموز معلمش را می پاید، اگر در معلمش بد اخلاقی و سستی در عبادت و گفتار و کارهای بیهوده دید یا مشاهده کند بدون دلیل بین دانش آموزان فرق می گذارد یا اینکه پوشش و ظاهر معلم شبیه انسان های فاسق و گنهکار باشد، اینها سبب می شود دانش آموز از دین زده شود چه برسد به یادگیری آن!؟

از الله متعال می خواهم به من توفیق دهد تا اینکه در این کتاب فقط آنچیزی نوشته باشم که موافق با قرآن و سنت محمّد ﷺ باشد و مخالف عقیده اهل سنت و جماعت نباشد، این آن چیزی است که با توفیق الله متعال نوشتم. و پیوسته و همیشه تلاش و کوشش می کنم تا بر منهج صحابه و تابعین باشم و من بشری هستم که ممکن است اشتباه کنم و خودم را در حدی نمی دانم که کسی از من پیروی کند.

الله متعال می فرمایند : (اتَّبِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ)

و هر کسی خیرخواهی و پیشنهادی دارد می تواند با آدرس الکترونیکی زیر با من در تماس باشد:

islamspedia@gmail.com

کتبه: محمد بن شمس الدين

– غفر الله له ولوالديه –

فی ۲۸ جمادی الآخرۂ ۱۴۴۰

أعدت تحريرها للطبعۂ الثالثۂ

فی ۲۹ ربیع الأول ۱۴۴۱

فهرست

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ